

محرم و صفر ۱۴۴۰
عقرب و قوس ۱۳۹۷
اکتوبر و نوامبر ۲۰۱۸

۳۰

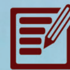
مجلۀ حقیقت

علمی فرهنگی جهادی


انتخابات؛ آخرین میخ بر تابوت دموکراسی

گفتگوی ویژه با محترم سهیل شاهین
سخنگوی دفتر سیاسی امارت اسلامی


رهایی ملابرادر سُمبل پایداری گرامی باد!


گپی چند دربارۀ جنرال رازق!


جمال خاشقجی کیست و چرا خبرساز شد؟

نمایی از دفتر سیاسی طالبان در دوحه/قطر

سال ششم، شماره اول

محرم و صفر ۱۴۴۰ هـ ق

عقرب و قوس ۱۳۹۷ هـ ش

اکتوبر و نوامبر ۲۰۱۸م

ویژهٔ سالنامه

مجلهٔ حقیقت

فهرست مطالب

صاحب امتیاز:
کمیسیون امور فرهنگی
امارت اسلامی افغانستان

مدیر مسئول:
احمد تنویر * دیزاین: صابر بلوچ

هیئت تحریریه:
حسن مبشر * جمال زرنجی
سعید بدخشانی * سید سعید
حبیبی سمنگانی * سمیع الله زرمتی

یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.

مطالب نشرشده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسنده آن می‌باشد.

ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

کانال تلگرام مجله حقیقت:
T.me/haqiqat_mag

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com



دستاوردهای قابل قدر سیاسی و نظامی امارت اسلامی

در هفته های اخیر امارت اسلامی دستاوردهای شاخص و قابل توجه در میدان نظامی و سیاسی داشته است که نشانگر پختگی، صلابت، درایت و ایستادگی مجاهدین امارت اسلامی در برابر اشغالگران و ایادی اجیر آنهاست؛ هرچند در طول عملیات پیروزمندانهٔ «الخندق» مجاهدین امارت اسلامی پیشرویهای نظامی و فعالیت های سیاسی چشمگیری داشته؛ اما آنچه که قابل تمجید و ستایش است فعالیت های نظامی و سیاسی اخیر است که خوشبختانه بیرق امارت اسلامی را برافراشته تر از قبل در اهتزاز نگاه داشته است. اشغالگران که تصمیم داشتند در سالجاری با تشدید حملات نظامی (آن هم بیشتر از طریق بمباردمان های هوایی) فشار طاقت فرسا بر مجاهدین وارد کنند تا به زعم غلط شان عزم مجاهدین شکسته شده و آنها را خسته بسازند و در این راستا متاسفانه از هیچگونه وحشت و جنایت بر ملت مظلوم دریغ نکردند دست آخر نه اینکه نتوانستند کمترین تزلزل در ارادهٔ قوی و عزم فولادین امارت اسلامی وارد کنند؛ بلکه به اعتراف خودشان با شکست های فضیحانه و بسی ذلت بار مواجه شدند که جز ناکامی و رسوایی برای آنها، و خوش نامی و سربلندی برای امارت اسلامی چیز دیگری در پی نداشت.

و نیز آنچه که به اسم پروسهٔ نمایشی انتخابات به راه انداختند چنان به فضیحت و هزیمت انجامید که شاید در طول سال های اشغال چنین فلاکت زده و ذلیل نشده بودند؛ چه آنکه هشدارهای مکرر امارت اسلامی مبنی بر به چالش کشاندن انتخابات نمایشی، توسط مجاهدین قهرمان رنگ عمل به خود گرفته و چنان ضربه های مهلک بر پیکر فرسودهٔ اشغال وارد کردند که برای اشغالگران غیرقابل تحمل و جبران بوده از جمله آنکه هسته های مهم شان در جنوب بطور کامل نابود گردیدند.

امارت اسلامی با به هلاکت رساندن جنرال های وفادار امریکا (مثل جنرال رازق و جبار قهرمان) و ایجاد اختلال در انجام پروسهٔ نمایشی انتخابات با ترتیب دادن قریب به ۵۰۰ عملیات نظامی در روزهای (۲۸ و ۲۹ میزان ۱۳۹۷ هش) انتخابات جعلی پارلمانی را چنان با شکست و بن بست مواجه ساخت که دوست و دشمن به نشانهٔ تعظیم به اقتدار نظامی امارت اسلامی سلامی زدند.

در عین حال امارت اسلامی در قسمت سیاسی نیز از پای ننشسته و بالاخره امریکا را وادار به گفتگوی مستقیم کرد و رسما مقامات بلند پایهٔ امریکا (به رهبری زلمی خلیلزاد) در کشور قطر با نمایندگان سیاسی امارت اسلامی دیدار کرده و حداقل زمینهٔ نشست های مهم و حیاتی برای ختم اشغال افغانستان و رفتن کشور به سوی امنیت و استقلال واقعی فراهم شد؛ این دستاورد مهم سیاسی در پهلوی پیشرفت های چشمگیر نظامی بسی حائز اهمیت و پُرارزش است.

اکنون که لله الحمد بیشترین فیصد خاک افغانستان تحت تسلط امارت اسلامی بوده ولله الحمد مجاهدین چه در میدان نظامی و چه در میدان سیاسی دست بالا دارند؛ اشغالگران و ایادی اجیر آنها باید بیشتر خود را ملعبه و مضحکهٔ عام و خاص نگردانیده و بجای توسل به زور و تکرار سیاست های شکست خوردهٔ سابق، حقایق و واقعیت های کشور را پذیرفته و برای حل معضلهٔ جنگ، گام های موثر و واقعی بردارند و بدانند که با وحشت و جنایت و بمباردمان های کور هوایی هرگز نتوانسته و نمی توانند عزم ملتی را بشکنند که تاریخ چند صدسالهٔ ایستادگی و شکست ناپذیری در برابر قدرت های بزرگ و مطرح دنیا را در خود دارد؛ و با کوبیدن بر طبل جنگ، سبب دوام آن و خونریزی بیشتر نگشته و به خواسته های مشروع و به حق امارت اسلامی پاسخ مثبت داده و بیش این عزم فولادین و همت مردانهٔ ملت افغان را به امتحان نگیرند و نیز بدانند که راه درست و معقول نجات از باتلاق جنگ افغانستان هرگز به تداوم جنگ و وحشت در این کشور ختم نمی شود.



انتخابات؛
آخرین میخ بر تابوت دموکراسی

موفق افغان

مردم ما اکثرا در افراط و تفریط واقع می شوند و خیلی به مشکل اتفاق می افتد تا راه معتدل و وسط را اختیار کنند. وقتی به اسلام متمسک می شوند و به احکام آن چنگ می زنند خیلی محکم تمسک می جویند و ذره یی مخالفت از برداشت های شخصی خود بنام دین را تحمل نمی کنند مگر وقتی به بیراهه می روند تماما به حد اقصا و نهایی آن می ر سند.

اشغالگران وقتی به این کشور پا نهادند به این گمان بودند که با رایج ساختن نظام دموکراسی میتوانند مردم را قناعت دهند تا اشغال آنانرا پذیرفته و حکومت دست نشاندهء شان را قبول کنند. آنان به این عقیده بودند که مردم افغانستان در گذشته هرگز فرصت داده نشده اند تا با آزادی کامل در اختیار دین، بی بندوباری اخلاقی وغیره آزادی های داده شده توسط نظام دموکراسی زندگی کنند و اگر اشغالگران چنین زمینه یی را برایشان فراهم سازند، مردم از آن استقبال کرده و به این ترتیب دموکراسی می تواند منحیث نظام، دین و قاعدهء زندگی آنان مبدل گردد.

در این شکی نیست که دموکراسی دین آزادی است و گاهی این آزادی به بی بند وباری نیز مبدل می گردد. چنانچه دموکراسی اتباع خودرا اجازه می دهد تا از آزادی های زیادی در زندگی خود برخوردار باشند، مثلا آنان می توانند هر دینی را که خواسته باشند اختیار کنند و هرگاه خواستند آنرا تغییر دهند یا کاملا ترک کنند. آنان آزادی دارند تا العیاذ بالله زنا کنند، شراب بنوشند و معصیت های دیگری را مرتکب شوند. مگر آزادی در دموکراسی نیز بدون حدود و قیود نیست بلکه بعضی قوانین و ضوابطی وجود دارد که این آزادی را محدود می سازد. بگونهء مثال آزادی در دموکراسی نباید باعث ضرر رسانی و اذیت دیگران شود. اگر کسی در دموکراسی آزادی بیان دارد

و میتواند هر چه می خواهد از طریق رسانه ها و یا هر طریق دیگر به سمع مردم برساند، در عین حال این بیان نباید باعث توهین و تحقیر کس دیگر شود و نباید بدون دلیل بوده و تهمت وارد کردن به شخصیت کسی باشد. به همین شکل یک فرد حق دارد در دموکراسی موسیقی بشنود و سگرت بنوشد اما این کارش نباید باعث آزار و اذیت دیگران گردد. (باید دانست که دموکراسی مملوء از بدی ها و مخالفت های شرعی و حتی عقلی است اما آنچه در اینجا ذکر می شود نیز از جمله ممیزات دموکراسی است و از آن نمیشود چشم پوشی کرد و این به هیچ دلیل به معنای توصیف دموکراسی و یا پذیرفتن آن شده نمی تواند.)

در افغانستان وقتی اشغالگران خواستند دموکراسی را تطبیق کنند، مردم ما باز هم آنرا در همان چارچوب افراط انداختند و به تطبیق آن پرداختند. شخصی را می بینی که به خیلی آواز بلند در خانه، دکان و یا موتر خود موسیقی می شنود، دیگری را مشاهده می کنی که در مجلس عام، در اماکن عامه و در موتر سگرت می نوشد، جوانان دیگری دیده می شوند که موتر خودرا در میان سرک متوقف ساخته و موسیقی بلند و دل خراش را به آواز بلند از موتر او خارج می شود و خود با لباس های عجیب و غریب نمایش اسلحه می نمایند وغیره حالاتی که تمامی ما شاهد آن هستیم و هرگاه دربارهء آن پرسیده شوند و یا مورد بازپرسی قرار گیرند در جواب می گویند "دموکراسی است".

در افغانستان دموکراسی توسط مردم عام و نافهم نه بلکه توسط قشر مدعی فهم، دانش و حکومتداری خوب نیز در میادین مختلف به همین شکل تطبیق گردید. شخصی را می بینی میخواهد به بهانهء دموکراسی فکر خودرا بر دیگران تحمیل کند و دیگری نظریهء پوچ و بی ارزش خودرا در بازار عرضه می کند و مخالفت خودرا مورد هجوم شدید قرار میدهد. چنانچه حکومت داران دموکرات ما نیز به بهانهء دموکراسی مال و عزت مردم را چور، چپاول و پامال کردند و حتی جان های مردم نیز از شر آنان در امان باقی نماند. کسی به دلیل دموکراسی رشوت میخورد، دیگری به همین دلیل خویش پروری و تعصب می کند و عده دیگری به استناد دموکراسی مردم را وادار به پذیرفتن قوانین و لوائح شان کرده و هر نوع مخالفت با آنرا مخالفت و دشمنی با نظام

انتخابات که یکی از عناصر مهم و برازندهء دموکراسی است نیز در افغانستان این چنین تطبیق داشت. انتخابات اخیر پارلمان بخصوص، به مثابهء آخرین میخ بر تابوت دموکراسی در افغانستان زده شد تا با این دست آورد جدید جنازهء دموکراسی آماده باشد و مردم منتظر دفن آن باشند.

دموکراسی در کشور می خوانند.

انتخابات که یکی از عناصر مهم و برازندهء دموکراسی است نیز در افغانستان این چنین تطبیق داشت. انتخابات اخیر پارلمان بخصوص، به مثابهء آخرین میخ بر تابوت دموکراسی در افغانستان زده شد تا با این دست آورد جدید جنازهء دموکراسی آماده باشد و مردم منتظر دفن آن باشند.

در این انتخابات زن، مرد، جوان و پیر اعم از علماء، دانشمندان، سیاسیون، جاهلان، بی سوادان، مسلمان، کمونست، ملحد و غیره همه اشتراک کردند و کمپاین های انتخاباتی را شروع کردند. در جریان این کمپاین ها، رشوت، دزدی، دروغ، افتراء، تهمت، بد اخلاقی، زور گویی و خلاصه همه عیوب شرعی توسط این کاندید ها به نمایش گذاشته شد. سپس روزی فرا رسید که همه به سوی صندوق های رای بروند و به گمان خود شان سرنوشت خودرا تعیین کنند. انتخاباتی که بعد از سه سال از تاریخ اصلی خود انعقاد می یابد و در آن بیشتر از ۱۲۰ ملیون دالر به مصرف می رسد در حقیقت باید خیلی منظم بوده و مدیریت جدی از آن صورت گیرد مگر اینبار در جریان انتخابات مدیریت ضعیف ادارهء کابل، کمیسیون های انتخابات و حتی موسسات نظارت بر انتخابات چنان به این عنصر مهم دموکراسی توهین و تحقیر کرد

این آمار و شمار نشان دهندهء این حقیقت است که افغان ها انتخاباتی را که گفتیم عنصر مهم و حیاتی دموکراسی است چنان به تمسخر گرفتند که دیگر راهی برای بقای دموکراسی در این کشور نگذاشتند و دموکراتان را با این اعمال خود چنان شرمندهء ملت ساختند که اگر اندکی شرم و حیا داشته باشند در آینده نتوانند نام دموکراسی را به زبان برانند.

که اگر موسسین دموکراسی زنده می بودند شاید از مایوسی سکتهء مغزی می کردند و یا حد اقل به بیماری های روانی مبتلا می شدند.

بر اساس انتخابات دموکراتیک باید حد اقل ۵۱ در صد مردم واجد شرایط در رای دهی اشتراک ورزند اما اکنون در این کشور حالت قسمی است که بیشتر از ۶۰ درصد خاک در تصرف مجاهدین است و در آنجا انتخابات ممکن نیست. نه تنها این بلکه در مناطقی که تحت تصرف ادارهء اجیر بوده است بر اساس اعتراف کمیسیون انتخابات بیشتر از هزار سایت رای دهی در جریان روز انتخابات بسته بودند و در آنجا کسی رای داده نتوانست. در سایت هایی که باز بودند تا یازده روز اسناد و صندوق ها آماده نبود و در بعضی ولایت ها لست های رای دهندگان ولایت دیگر آنجا ارسال شده بود. با وجود اینهمه مشکلات وقتی رای دهی آغاز شد، عده یی نه تنها اینکه چند رای دادند بلکه صندوق های رای را با خود به خانه های خود بردند و در چند سایت دیگر صندوق ها بعد از رای دهی ناپدید شد.

از جمله تخطی های انتخاباتی این هم بود که به اعتراف رای دهندگان آنان روز تا شب به کاندیدان محددی رای دادند اما فردای آن روز چون خواستند ببینند که کاندید شان چند رای بدست آورده است با صدمه مواجه شدند زیرا کاندید شان اصلا رای نگرفته بود.

از سوی دیگر به اعتراف بعضی از افراد داخل در حکومت، رئیس جمهور توانست در ۱۵ دقیقه رای خودرا به صندوق بیاندازد در حالیکه رئیس اجرائیه نامش در لست رای دهندگان نبود و بعد از ۲۵ دقیقه توانست رای خودرا استفاده کند. پس اکنون اگر همین مدت حد اقل را که ۱۵ دقیقه است در نظر بگیریم در هر سایت انتخاباتی یک موظف توانسته است در ۱۵ دقیقه رای یک رای دهنده را بگیرد یعنی در جریان روز که ساعت ۸ آنرا حساب کنیم تا ۸ شب تنها ۴۸ تن توانسته اند رای به همکاری یک موظف رای دهند.

این آمار و شمار نشان دهندهء این حقیقت است که افغان ها انتخاباتی را که گفتیم عنصر مهم و حیاتی دموکراسی است چنان به تمسخر گرفتند که دیگر راهی برای بقای دموکراسی در این کشور نگذاشتند و دموکراتان را با این اعمال خود چنان شرمندهء ملت ساختند که اگر اندکی شرم و حیا داشته باشند در آینده نتوانند نام دموکراسی را به زبان برانند. کاندیدهای این انتخابات بعد از اختتام این پروسه، آنرا شرم آور ترین انتخابات در تاریخ بشریت و انتخابات جنگل خواندند.

از سوی دیگر رئیس دولت اجیر امارت اسلامی را چالش داد تا بیایند ببینند که مردم نظام مجاهدین را می پذیرند یا نظام دموکراتیک ادارهء کابل را و گفت: "دا گز دا میدان". همین بود که مردم فیصله خود را کردند و بعد از اختتام انتخابات تمام مردمی که بسوی صندوق های رای رفته بودند در برگشت صدها دشنام نثار جان اشرف غنی و کمسیون انتخابات کرده و عده یی بعد از انتظار طویل و یا مواجه شدن با مشکلات فوق الذکر علاوه بر تقلب های بیشمار مجبور شدند تا بدون رای دهی به خانه های خود برگردند و مجاهدین بدون اینکه اندک حرکتی در این راستا انجام دهند جواب این چالش اشرف غنی را به زبان مردم برای او دادند.

*****
****
***
**
*

در یاد شهید راه حق مولانا سمیع الحق!

ابو صهیب حقانی

دشمنان اسلام که همیشه مترصد فرصت و به دنبال ضربه به اسلام و مسلمانان اند بار دگر فاجعه آفریدند و طی یک عمل ناجوانمردانه و بزدلانه یکی از علمای بزرگ کشور همسایه پاکستان را به طرز دردناک و فجیع به شهادت رساندند.

انا لله و انا الیه راجعون

او که در گفتار و کردارش، در نشست و برخاست اش، در دیدار و شنیدارش هر لحظه و هرگاه عشق به اسلام و محبت به مسلمانان موج می‌زد.

او که شب ها در نیمه های شب برای پیروزی مسلمانان دست به دعاء و روزها با استفاده از هر فرصت علیه استکبار و استعمار سخن رانده و برای امت اسلامی حیثیت "ناصح امین" را داشت.

او که به شمشیر عزت مسلمانان؛ یعنی جهاد فی سبیل الله بسی فخر کرده و بر طاغوت وقت (امریکا) و دیگر جبابره زمان چنان می‌خشمید که گاهی از غصه و غم اشک و خشم شان درهم می‌آمیخت و با فریادهای کفر شکن و سخنان آتشین خود خواب راحت و آسایش دشمنان خوش آشام را بر هم زده و یاد علمای حقگوی اسلاف را زنده کرده بود.

آری او جناب مولانا سمیع الحق – رحمه الله – بود کسی که نامش، قیادتش، فکرش، نگاهش، درسش، دعایش، پندش و سخنش همه و همه سرشار از حکمت و درایت بوده و چنان حکیم و دلسوز بود که در مسند درس و مجلس شان روحیه ایمانی و سلحشوری آدم تازه می‌گردید.

شهادت دردناک و رقت انگیز مولانا سمیع الحق حقانی، ریاست و شیخ الحدیث دارالعلوم حقانیه، پیشوای دینی در سیاست، و عالم برجسته در قیادت و رهبری علمای پاکستان واقعا المیه دردناکی بود که قلب مسلمانان را به شدت جریحه دار ساخت.

مولانا، استاد عریزی بود که همه شیفتگان علم و طالبانِ حدیث وقتی پای درس شان می‌نشست نه تنها از محضرشان علم آموخته؛ بلکه غیرت، درد، دلسوزی، بیداری و مبارزه را نیز یاد می‌گرفتند و حضورشان در پایگاه بزرگ علمی "دارالعلوم حقانیه" همواره موجب مسرت، خوشی و قوت قلب شاگردان و دوست‌داران شان می‌گردید.

فقدان مولانا سمیع الحق – رحمه الله – الحق که بسی سخت و طاقت فرساست؛ اما با ایمان به آیه های صبر و شکیبایی و با افتخار به قاموس مقدس شهادت (که عمری آرزوی قلبی حضرت مولانا بود) و با زنده بودن راه و فکر علمای ربانی و ایدئولوژی دانشمندان مبارز و حقانی، نه اینکه با ریخته شدن خون مظلومانه شان کمرنگ می‌شود بلکه ضمن دلالت بر حقانیت راه شان، سبب بیداری و انگیزه در بین پیروان شان می‌شود.

با تمام درد با مولانایی که همواره صدای مظلومیت ملت های مظلوم (بالاخص ملت مظلوم افغانستان) در سطح منطقه و جهان بود وداع گفته و ضمن تبریک شهادت و حُسن خاتمه شان از رب العالمین جنت الفردوس را برای شان مسئلت داریم.

نسأل الله العظیم رب العرش العظیم أن یتقبله فی الشهداء

وأن یرزق أهله الصبر و الرضاء.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا

آنگاه که امداد خداوندی بیاید...!

سعید بدخشانی

لازماً انسان در مسیر رسیدن به مقاصد واهداف علیاء دینی ودنیوی به مشکلات و موانعی مواجه می شود، سرانجام حق غالب و باطل مغلوب می گردد، البته برتری مسلمانان منوط به اصلاح نفس ونیّت، اتکاء کامل به الله بی نیاز و پیشه نمودن صبر واستقامت می باشد. بلاتردید هر دشواری و رنج آسوده گی، و هرشکست پیروزی به دنبال دارد،«نابرده رنج گنج میسر نمی شود» و پس از هر عُسر یُسر می آید. فرمان خدوانداند متعال است(فَإِنَّ مَعَ العُسرِ یُسرًا) سوره انشراح.

ترجمه: البته همراه با مشکل آسانی است.

ازحضرت حسن بصری رحمه الله روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم با این آیه صحابه کرام را مژده می داد که: «لن یغلب عسریسرین» هرگز یک سختی بردو آسانی غالب نخواهد شد.

سنت الهی تا کنون همین است که هر کسی برمشکلی از خود شکیبایی نشان دهد واز ته دل بر خدا اعتماد نماید واز هر طرف منقطع شده به او بپیوندد، و بر فضل او امیدوار باشد، و بر تأخیر پیروزی مأیوس نگردد، حتماً خداوند در حق او آسانی عنایت می فرماید.

زمانی که به تاریخ صدر اسلام ، تابعین و تبع تابعین مراجعه نمائیم درمی یابیم که آنها در راه نشر و اشاعت دین به چه انداز سختی ها و زحمات طاقت فرسای مواجه گردیده اند باوجود آن همه دشواریها از تبلیغ حق ومبارزه در برابر باطل دست نبرداشتند و در این راه قربانی های بی مثالی تقدیم نمودند که بالآخره در نتیجه صبر وپایداری های بی دریغ نصرت پروردگار شامل حال شان گردید، ملت ها و قبائل گروه گروه به اسلام عزیز گرویدند و دین مقدس به گوشه و کنار دنیای پهناور مواصلت ورزید که امروز من وشما مرهون احسان فداکاریهای آنها هستیم .

تضاد وکشمکش بین پیروان حق وباطل از نخستین لحظات تاریخ تا کنون ادامه داشته است ونزاع و درگیری ها گذرا بوده استمرار وتداومی در تاریخ

ندارد. نقطه پایانی این منازعات کجا وچه وقت خواهد بود؟ با توجه به وعده قرآن، نقطه نهایی این تضادّ غلبه وپیروزی ایمان و نابودی کفر و رهروان آن می باشد.

وقتی که پیمان ناتو بسرکردگی آمریکا بر افغانستان هجوم نظامی وفرهنگی آوردند، فضا و زمین کشور را اشغال کردند، وحشت وجنایت به اوج خود رسید عده ای مجاهدین را بشهادت رساندند، و شماری را به زندان های جهنمی چون گوانتا نامو، بگرام، پلچرخی و... سوق دادند، در نهایت ملت مظلوم افغان مورد شکنجه وتعذیب های گوناگون قرار گرفت و از سوی دگر جاسوسان و میدیای زرخرید غرب همواره تبلیغ می کرد که هیچ نیروی تاب رویا رویی با ارتش مجهز امریکا را ندارد و حتی تبلیغات بجایی رسیده بود که طرفداران امریکای طاغوت می افزودند اینها به تکنالوژی دست دارند که انسان در زیر زمین هم از چنگال شان نجات نخواهد یافت وغیره تبلیغات دروغین دیگر ...

لکن مجاهدین با وسائل ناچیز اما با ایمان قوی و توکل به خدای توانا جهاد مقدس و حملات چریکی را علیه تجاوزگران آغاز نمودند و به مرور زمان جبهات رزمی سپاهیان سربکف اسلام در مقابل عساکر جبابره عصر رشد ونمو کرد، و در نتیجه وجب وجب خاک کشور برای خارجی ها وغلامان حلقه بگوش شان به جهنم مبدل گردید و اشغالگران مجبوراً عساکر خود را از اطراف و نواحی به پایگاه های مستحکم در شهرها جابجا ساختند تا بدین وسیله بتوانند از تلفات سنگین نیروهای وحشی خود جلو گیری نمایند، با وجودیکه در قلعه های جنگی محصور اند مجاهدین استشهادی خواب را از چشمان شان ربوده است و سلسله عملیات کوبنده الخندق کما کان بشدت جریان دارد.

شایان یادآوری است که طالبان قبل از اشغال کشور هم آمریکا را به گفتگو دعوت کرده بودند ودر سالهای نخست تجاوز نیز به آنها صدا زدند که معضله از راه جنگ حل نمی شود اما استکبار جهانی (امریکا) چنان مغرور بود که اصلاً به مذاکره و تفاهم اهمیتی قائل نمی شد ، حال پس ازگذشت هفده سال جنگ بی مفهوم و پرهزینه به حقیقت پی بردند که تسلط

سنت الهی تا کنون همین است که هر کسی برمشکلی از خود شکیبایی نشان دهد واز ته دل بر خدا اعتماد نماید واز هر طرف منقطع شده به او بپیوندد، و بر فضل او امیدوار باشد، و بر تأخیر پیروزی مأیوس نگردد، حتماً خداوند در حق او آسانی عنایت می فرماید .



جبهات رزمی سپاهیان سربکف اسلام در مقابل عساکر جبابره عصر رشد ونمو کرد، و در نتیجه وجب وجب خاك کشور برای خارجی ها وغلامان حلقه بگوش شان به جهنم مبدل گردید و اشغالگران مجبوراً عساکر خود را از اطراف و نواحی به پایگاه های مستحکم در شهرها جابجا ساختند .

بر این ملت از راه جنگ کاری بسا مشکل است، این قوم و اراضی تسخیر ناپذیراند. بناءً تیمی را جهت هموار سازی راه برای رسیدن به تفاهم و مذکرات با امارت اسلامی گماشتند تا بدین ذریعه زمینه خروج نیروهای خود را مهیا بسازند.

حاضر شدن فرعون عصر به میز گفتگو جز نصرت و امداد خداوندی و ثمره فداکاری ها و قربانی های بی دریغ مجاهدین وملت باشهامت افغان چیز دگر نبود مجاهدین که در طی هفده سال انواع مصائب ومشکلات را تحمل نمودند بالاخره به آرمان دیرینه خویش که (پیاده ساختن نظام اسلامی و تنفیذ احکام شرعی، تامین امنیت، رفاه وترقی) می باشد نزدیک شده اند و به آن نائل خواهند گشت.

ان شاءالله. و ماذلک علی الله بعزیز





به بهانهٔ پنجمین سال نشریهٔ حقیقت

احمد تنویر (مدیر مسئول مجلهٔ حقیقت)

به فضل و مرحمت رب العلمین اکنون با این شماره از مجله به سالنامهٔ پنجمین سال از سلسله شماره های مجلهٔ وزین حقیقت رسیدیم مجلهٔ که ابتداء (درست پنج سال پیش) با توکل محض آغاز شد و با تمام امید به نصرت های غیبی حضرت حق، لله الحمد با همکاری دوستان نویسنده، قلم به دستان متعهد و مبارزان مخلص قلمی این مجله جایگاه خود در سلسله مجله های رسمی امارت اسلامی پیدا کرد.

از آنجا که مبارزهٔ جهادی امارت اسلامی حاوی یک داعیهٔ بزرگ است و بیداری امت مسلمه را در متن خود دارد و نبرد سخت و سرنوشت ساز بین جهان حق و باطل در جریان است و قربانی های بی مثال مجاهدان قهرمان امارت اسلامی ضرورت به تفسیر و تشریح دارد تا دستاوردهای شاخص امارت اسلامی به نسل حاضر و نسل های آینده به ودیعه گذاشته شود؛ بدون تردید سلسلهٔ رسانه های مکتوب که از قدیم الایام در دل تاریخ ماندگاریها و اثربخشی های منحصر به فرد خود را داشته و به عنوان اسناد و تاریخچهٔ مفصل و زنده یک نظام یاد می شود با همین دید امارت اسلامی نیز توجه خاص به رسانهٔ مکتوب و چاپی داشته و حسب امکانات، اسباب ماندگاری، نشو و نمای استعدادهای مخلص قلمی را با راه اندازی چندین مجله حفظ کرده است که یکی آنها مجلهٔ حقیقت است که چند سال قبل به حمایت و شفقت بزرگان امارت اسلامی تاسیس گردید.

مجلهٔ وزین حقیقت با طی کردن مراحل نشیب و فراز اینک به یک تریبون حقگویی تبدیل شده و در دل خود صدها واقعه و موضوع مهم و قابل بحث کشور را به همراه دارد؛ حقیقت در واقع انعکاس دهندهٔ حقایق تلخ و شیرین کشور است که سعی دوستان نویسنده و هیئت مدیره از همان بدو روزهای آغاز بر این بوده که مجله همواره با سلسله ابتکارات و تنوعات جدید و جالب به همراه باشد و برای خوانندگان عزیز در هر شماره چیز نو و جالبِ توجه ارایه کند.

حقیقت از چند سال بدینسو در طول این سال ها مهم ترین حوادث امنیتی و چالشی در سطح ملی و

بین المللی را به تصویر کشیده است، بر موضوعات مهم اشراف داشته و با راه اندازی سلسله مصاحبه های جالب و جذاب همواره در هر شماره گپ های گفتنی و تازه از بسیاری از مجاهدان مخلص و مسئولان جهادی در رده های مختلف، ارایه داده است، سلسله های علمی و پر محتوا را انعکاس داده و از جنایات و خباثت های دشمنان خارجی و داخلی بحث نموده و با تحلیل و تبصره های گرم و خواندنی میهمان خانه ها و دلهای پر محبت خوانندگان عزیز خود بوده است.

در کیفیت دیزاین داخلی و چاپ مجله در قالب و انداز ایده آل و عالی تلاش گردیده و لله الحمد به قول اکثر دوستان بیننده هر شماره نسبت به گذشته بر کیفیت و کمیت آن افزوده شده و با ارایۀ پیشنهادات ارزنده و انتقادات مفید خوانندگان و مسئولان امر کوشیده تا همچنان روند بهتر شدن و با کیفیت تر شدن را طی نموده و با اِعمال نظرات ارزشمند و سلایق ارزندۀ دوستان نظر دهنده تا حدود زیادی بر جذابیت و محبوبیت مجله افزوده شده است.

مجلۀ وزین حقیقت با طی کردن مراحل نشیب و فراز اینک به یک تریبون حقگویی تبدیل شده و در دل خود صدها واقعه و موضوع مهم و قابل بحث کشور را به همراه دارد؛ حقیقت در واقع انعکاس دهندۀ حقایق تلخ و شیرین کشور است که سعی دوستان نویسنده و هیئت مدیره از همان بدو روزهای آغاز بر این بوده که مجله همواره با سلسله ابتکارات و تنوعات جدید و جالب به همراه باشد و برای خوانندگان عزیز در هر شماره چیز نو و جالبِ توجه ارایه کنند.

در صفحات اجتماعی (فیسبوک و تویتر) و همینطور در صفحه رسمی سایت دری الاماره، مجلۀ حقیقت در وبسایت ها و صفحات اجتماعی نیز خوانندگان و همکاران خود را داشته و در هم رسانی مطالب آن در دنیای مجازی توسط دوستان ارزشمند نهایت هماهنگی و همکاری ها صورت گرفته است که این مورد باعث گردیده که مجله حقیقت بار بار به سمع و نظر مخاطبین خود برسد و علاقه مندان خود را بیش از پیش افزایش دهد.

در امور چاپ و سایر بخش های تخنیکی نیز دوستان متعهد و مخلص همیشه در تلاش ارایۀ مجله در کیفیت خوب و عالی بوده و بسی زحمت های ارزشمند کشیده و می کشند که واقعا زحمات آن بزرگواران قابل قدر و لایق تمجید است، نیز در نشر و توزیع آن در نقاط مختلف کشور که آرزوی تمام مسئولین و دست اندرکاران بوده توجه جدی صورت گرفته و همۀ شان از هر طریق کوشش می کنند تا مجله در حد وسیع نشر و توزیع شود و در جاهای دور و نزدیک به دست ملت مومن و مسلمان ما رسیده و در خانه های مسلمانان، در دست اولاد مسلمان دیده و خوانده شود؛ که لله الحمد نسبت به گذشته ها اکنون بخاطر توجه عمیق مسئولان فرهنگی بیش از قبل در این زمینه اقدام گردیده است.

با این همه ضمن تشکر و قدردانی فراوان از تمام پرسونل عزیز و همکار مجله، رهبری محترم و مشفق کمسیون فرهنگی امارت اسلامی، همکاری بی شائبه و مخلصانۀ عزیزان نویسنده، امور چاپ، نشر و توزیع، باز هم دست ما به سوی همکاری و حمایت تمام عزیزان دراز بوده و چشم ما به پیشنهادات ارزنده و انتقادات سازنده و ارایۀ طرح و ابتکارات جدید در امور کیفی و کمی مجله دوخته شده است که امیدواریم ما را مثل گذشته در این سنگر فکری بهتر و بیشتر از قبل یاری برسانند.

جنرال رازق که بود؛ آیا او را می شناسی؟

فائز حقانی

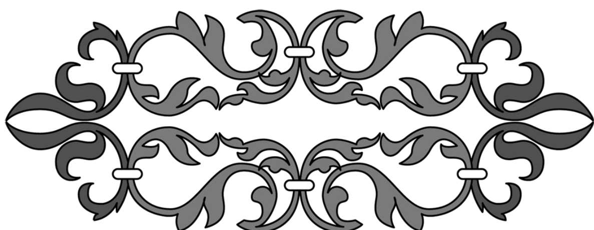
برادر وخواهر مسلمانم!
آیا او را می شناسی؟
آیا او از دوستان نزدیکت بود ؟
آیا با او هم صحبت شده بودی و یا اینکه تجربه همسفر شدن با او را داشتی ؟
و شاید هم او از خویشاوندان و همسایگان نزدیکت بود ؟
بلی، جنرال رازق را می گویم، فرمانده پولیس قندهار، که چند روز پیش توسط مجاهد بی باک ودلیر، به سزای اعمال مجرمانه خود رسید و برای همیشه چراغ ظلمش خاموش شد.

چراغ ظلم ظالم تا ابد نمی سوزد
گر شبی سوزد شبی دیگر نمی سوزد.

به راستی چقدر او را می شناختی ؟
شناخت تو از او، شناختی نزدیک و دقیق است یا شناختی از دور و سطحی ؟
آنچه که مبرهن است اینست که این به ظاهر قهرمان ملی و پوشالی، مثل دیگر هم قهرمانان صف باطل، فقط یک مزدور و جانی سفاک و ظالم در لباس افغان ها بود و لا غیر.
مزدوری که مثل دیگر مزدوران آمریکایی این مرز وبوم، چیزی جز جنایت و خیانت، ظلم وستم، قتل و کشتار، رعب و وحشت، ناامنی و هراس، تخریب و ویرانی برای مردم افغانستان به ارمغان نیاورد.
متاسفم برای همه ساده لوحانی که فریب تبلیغات رسانه های زرخرید افغانی را خورده و این سفاک را به عنوان قهرمانی واقعی می پندارند.
متاسفم برای کور دلانی که بجای درک واقعیت و دیدن حقیقت، با جهالت شان خواسته و یا ناخواسته آب در آسیاب اهل باطل می ریزند و بجای مرهم گذاشتن بر داغ دل مظلومین رنجدیده وستمدیده افغان زمین، با ابراز تأسفِ بی خردانهء خود، نمک بر زخم های آن ها می پاشند.
خدایا چقدر دردناک است که بعضی از مسلمانان امروزی نمی توانند بین حق و باطل فرق بگذارند و با جهالت و احساسات بی خردانهء خود بر طبل باطل می کوبند.

اجازه دهید تا حقیقت را دریابیم .
به راستی جنرال رازق که بود؟
اجازه دهید پاسخ این سؤال را از زبان مردم غیور و مجاهد ولایت قندهار برای تان بازگویی کنم.
شنیدن نام جنرال رازق برای ساکنان قندهار فقط تداعی کنندۀ یک چیز است وبس، ظلم و جنایت، نه چیزی دیگر.
کسی که سال ها با برخورداری از حمایت حامیان از خدا بی خبر خود، بسیاری از مردم قندهار را به ناحق به خاک وخون کشید.
آیا می دانید مفقودشدن بسیاری از جوانان مؤمن که تا امروز مفقودالأثر شده اند و از سرنوشت آنان هیچ اطلاعی در دست نیست ، از جمله افتخارات جنرال رازق بود؟
آیا می دانید که چه تعداد از جوانان در جلوی چشم عزیزان خود با فجیع ترین شکنجه ها توسط قهرمان ملی ما به قتل رسیدند ؟
این را بدان که بسیاری از مادران هنوز داغی از دست دادن فرزندان شان را که توسط او شربت شهادت نوشیدند را فراموش نکرده اند.
بدان که تعداد زیادی از کودکان معصوم تاامروز چشم انتظار بازگشت پدران خود هستند و نام شان را با شور وشوقی وصف ناپذیر، بر زبان کودکانه خود تکرار می کنند، غافل از اینکه ژنرال به ظاهر قهرمان اجازه نخواهد داد هرگز لذت آغوش گرم پدری را بچشند.
بدان که کم نیستند دختران جوانی که درابتدای زندگی خانه آمال شان توسط این ظالم تبدیل به ماتمکده شده است و بجای لباس شادی، لباس غم بر تن کرده اند.
بدان که تعداد محراب و منبرهایی که تا امروز در فراق اهل خود مانند استوانۀ حنانه آرام و بی صدا می گریند زیاد است، بیا و آن ها را از نزدیک ببین، بیا تا گریه آنان را با گوش دل بشنوی.
بیا و ببین چقدر از طالبان علم و ادب که به مثابه غنچه های ناشکفته و زیبای بهاری بودند، به ناحق به غل و زنجیر کشیده شده اند و خزان ظلم و جفای جنرال ... اجازه شکفته شدن را ازآنان سلب نمود و اساتید و مدارس در فراق آنان تا امروزخون گریه می گریند.

برادر وخواهر مسلمانم.
به قندهار بیا، به میان مردم این گوشه از خاک وطن خود.
بیا و به صحبت های شان از نزدیک گوش فرا بده.
بیا و بدان تا از نزدیک آنان را نبینی و دردهای شان را نشنوی، هرگز نخواهی توانست حقیقت را بفهمی.
بیا و سری به بازار قندهار بزن .
بیا و پای درد دل تجار بازار قندهار بنشین.
بیا تا بفهمی که چه باج هایی به بهانه های واهی به قهرمان داستان ما پرداخت کرده اند و جنرال از مال این بیچاره ها چه خزانه ای اندوخته است.
بیاتابدانی که مرگ جنرال محبوب، سبب سرور مردم است، نه سبب حزن واندوهشان.
بیا تا بدانی مرگ ژنرال مرهمی بر زخم های چندین ساله مؤمنان ستمدیده شده است، ویشف صدور قوم مؤمنین.
بیا و به رسانه های باطل واهل باطل پشت کن، تا خبرنگار درونت گزارشی میدانی تحویلت دهد، گزارشی که از دیدن وشنیدن آن به اشتباهات خود پی خواهی برد.
بیا تا بدانی که این دست قدرت خداوند بود که این فرعون زمان را به سزای اعمالش رساند.
بیا تا بدانی که عدالت خدا برقرار است و فقط رهروان راه حق غالبند وبس.
بیا تا بدانی که بوق و کرنای تبلیغاتی نمی توانند از ظالمان نامرد و خائن، قهرمانانی ملی و شجاع بسازند.
بیا تا بدانی که سرانجام همه مزدوران مثل جنرال رازق چیزی جز ننگ و رسوایی هر دو جهان نخواهد داشت .



چند گفتنی از زبان یک مجاهد با مسلمان غافل

نویسنده: بریالی

برادر مسلمانم ای کسی که مرا نشناخته و باور غلط در مورد من داری !

من به کدامین شیوه می رزمم؟

و تو چگونه می سنجی؟

سلاح کلاشنکوف، آرپی جی، پیکا و مرمی اینها درهرخانه افغان یافت می شود و از دوران جهاد روس باقی مانده است.

مین، مین های که دست سازخود مجاهدین است از کود کیمیاوی زراعتی و بشکه های روغن نباتی، بوره چوب و ... ترتیب می شود فقط چیزیکه دراین فارموله رول مهم دارد ایمان، غیرت، شوق شهادت، علاقه مندی به جنت است!

امر از کجا؟

ما به فرمان این آیت به جهاد شروع کردیم:

«وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه ویکون الدین کله لله!»

کدام نظام؟

نظام که ۷ سال کامل شریعت را در محدوده افغانستان بعد ازسقوط خلافت اسلامی برای اولین بار پیاده کرد.

دشمن کیست؟

امریکا،ائتلاف ناتو و طواغیت که امرشان را لبیک گفته اند.

چند سال است سلاح برداشته ام؟

تا اکنون ۱۷ سال کامل است به این شیوه ما جهاد مان را علیه رأس الکفرادامه داده ایم و ان شاء الله این جهاد تا قیام قیامت علیه هر کافر و منافق و مفسد ادامه خواهد داشت. دشمن به دشمن هیچ رحم نمیکند، میدانید که جنگ از خود تاکتیک های زیاد بکار دارد و امارت اسلامی فرزندان رشید به آغوش خود دارد که صدها علمیات موفق را

دربین دشمن طرح ریزی و پیاده نموده، این به دشمن بهترمعلوم است نسبت به شما که کمتر خبردارید.
اکنون این مسائل برای شما متعارف نیست و زمانیکه شما وارد صحنه نظامی شدید خواهید فهمید که با دشمن چگونه مقابله صورت بگیرد و ازکدامین شیوه های جنگی وتاکتیکی استفاده شود.
چنانکه شما در راستای جلب مردم به حزب و یا گروه تان می سنجید واز شیوه های مختلف استفاده میکنید.
عقیده ما براین است که در افغانستان هرکافر اشغالگر کشته میشود دست ظلم و شکنجه از سر امت کوتاه تر میشود و امت اسلامی یک قدم بسوی نظام واحد اسلامی نزدیک ترمیشود. صدای بمب، غرش تانگهای غول پیکر، صداهای دلخراش طیاره های بی ۵۲ و بی سرنشین هنوز ادامه دارد، خواب مسلمانهای اطراف شهرها را ربوده است، در خانه های شان همه روزه گلیم غم هموار می باشد.
جنگ کفر و اسلام ادامه دارد بگذار که بکشیم و شهید شویم تا آنکه نظام اسلامی تأسیس گردد به اذن الله تعالی ولی جهاد ما را شما دسیسه نناميد و شما که ادعای مسلمان بودن و دشمنی علیه امریکارا دارید تحلیل های تان را ازتریبون آنها پُف نکنید.
جنرالهای وحشی که هزارها مسلمان را به شهادت رسانیده اند دشمنان دیرینه مسلمانان و مجاهدین می باشند، زمانیکه عسکرشان را در پوسته های شان میکشیم چگونه کلانهای و رتبه دارهای شان را آزاد میگذاریم؟

ای مسلمان غافل!
تو که تمام عمرت را در زیر چتر دموکراسی و نظام های کفری صرف کرده ای و حتی یک ساعت هم در سنگر نگذرانیده ای و با دود و گرد آن آشنا نیستی، ازکجا باید بدانی که جنگ با امریکا چگونه صورت میگیرد و شیوههای مبارزه علیه دشمن به کدامین طریق است؟

ای مسلمان غافل!
تویی که ادعای دشمنی با امریکا را داری، چگونه دشمنی من با دنیای غرب را که توسط پیکا، راکت، مین و حملات استشهادی صورت می گیرد و تا بحال هزارها عسکرش را عملا به قتل رسانیده ایم و عنقریب که پا به فرار می گذارد، این را بازی و دسیسه و فتنه می پنداری؟

ای مسلمان غافل!
تو که درامریکا و تمام دولت های کفری آزادانه میتوانی زندگی کنی و من که جای نشستن و ایستادن ندارم چطور خود را دشمن و من را دوست امریکا مخاطب میکنی؟

ای مسلمان غافل!
من که در مقابل امریکا باگوشت واستخوانم مبارزه میکنم و تو درشهرها از شعار های میان تهی زنده باد ومرده باد استفاده میکنی چطور جهادم را بازی وشعار خود را دشمنی تلقی میکنی؟

ای مسلمان غافل!
من که سینه را در مقابل مرمی امریکا سپرکرده ام و تو درخانه ات بیغم نشسته ای چگونه من را معامله گر وخود را مجاهد استوار حساب میکنی؟
کاش کمی انصاف پیشه کنی.



رهایی ملابرادر سمبل پایداری گرامی باد!

ابو صهیب حقانی

از ایام نوجوانی هر وقت نام ملابرادر آخند را می شنیدم احساس فخر و خوشحالی می کردم او را از بزرگان تحریک طالبان (امارت اسلامی) شناخته و در غیاب برایش نهایت احترام قائل بوده و محبت داشتم بعدها که در هر جمع، ذکر خیر مجاهدان امارت اسلامی می شد در یادی از بزرگان آن، نام ملابرادر آخند حتما شنیده می شد و می دیدم برای بسیاری مثل من حاجی ملاصاحب محترم نهایت قابل قدر و احترام بوده و قلبا و شعورا به وی محبت و اخلاص داشتند.
خبر روز چهارشنبه (دوم عقرب ۱۳۹۷ هش) مبنی بر رهایی محترم الحاج ملا عبدالغنی برادر – حفظه الله – از زندان پاکستان خبری بی نهایت مُفرّح و مسرت بخش بود که در خروجی رسانه ها قرار گرفت و پس از اندکی رسما از سوی مجاهدان امارت اسلامی تایید شد که حاجی ملاصاحب ملا برادر آخند از زندان آزاد شده است.
هنگامیکه این خبر را دیدم ناخودآگاه از فرط خوشی اشک در چشمانم جاری شد و ندانستم چگونه الفاظ رهایی او را به دوستان خود خبررسانی می کنم؛ دیری نگذشت مثل من بسیاری از برادران مومن و مجاهد دوستان مخلص، با الفاظ «الحمدلله، الله اکبر، سبحان الله، ماشاء اللهَ و ...» خبر را به خوشحالی زیاد بدرقه و همرسانی کردند و این نشان می داد که آن مرد بزرگ چقدر محبوب دلهای مومنان و مجاهدان است و چقدر دلها و چشم ها مشتاق و منتظر دیدارش و چقدر گوش ها منتظر شنیدن آزادی حاجی ملاصاحب هستند.
بطور خلاصه، از سخنان دوستانی که ایشان را از نزدیک شناخته چنین برداشت کرده ام که او کسی است که نامش در اوایل سالهای اشغال افغانستان به دست امریکا لرزه بر اندام کفار (امریکایی ها و ناتو) می افکند.
او معاون نخست، محبوب و نهایت مورد احترام و اعتماد لوی ملاصاحب (موسس فقید امارت اسلامی) مرحوم بود.
او شکسته، متواضع، خاکسار و بی نهایت دلسوز وطن و هموطن است.
مجاهدان را مثل فرزندان و برادرانش دوست دارد و آنها نیز مثل یک پدر و مرشد احترامش می کنند.
بخاطر الله چندین سال در وحشت های زندان دردها و سختی های بسی طاقت فرسا را متحمل شده است.
با صبر و حوصله و در عین حال با وقار، با درایت و با هیبت است.
او که الحق زندانی شدنش دردناک ترین لحظه برای مومنان و مجاهدان بود و آزادی اش خوشحال ترین لحظه ها را رقم زد و او که خبر آزادی اش باعث تقویه صفوف و ایجاد انگیزه و مرهم زخم ها و دل های پر غم و درد مومنان و مجاهدان شد؛ آری او ملا عبدالغنی مشهور به ملا برادر است؛ سمبل صبر، استقامت و پایداری.
حفظه الله تعالی و رعاه.
رهایی ملابرادر آخند یکی از چندمین خبرهای مسرت بخش روزهای اخیر است که مومنان و مجاهدان می شنوند و آن خوشی ها را با تمام وجود درک و احساس می کنند.
بدون شک آزاد شدن ملابرادر در شرایط حاضر یک دستاورد مهم سیاسی برای امارت اسلامی است که الله رب العزت را مبنی بر این الطاف و مرحمت هایش نهایت سپاسگذاریم و ضمن آنکه به رهبری امارت اسلامی آزادی حاجی ملاصاحب – حفظه الله – را از صمیم قلب تبریک گفته، به تمام مومنان و مجاهدین آرزوی پیروزی های روز افزون در میدان های نظامی و سیاسی مسئلت داریم.
به امید خبرهای خوش و خوش تر از سنگر نظامی تا دفتر سیاسی.



ترتیب: ابو حسینه هروی

با تشکر از محترم افغان غازی، محترم حبیبی و محترم افغانی صاحب

گفتگوی ویژه مجلۀ حقیقت با

محترم سهیل شاهین صاحب

سخنگوی دفتر سیاسی امارت اسلامی افغانستان در کشور قطر

اشاره: از آنجا که فعالیت های نظامی مجاهدین در سنگر روز به روز رو به افزایش است، همزمان فعالیت های دفتر سیاسی امارت اسلامی در قطر نیز این روزها بسیار در اوج است و خوشبختانه دستاوردهای شاخص و ارزنده در عرصۀ سیاسی برای امارت اسلامی پدید آورده اند؛ به همین نیت بر آن شدیم تا با استفاده از فرصت و شرایط با با سخنگوی دفتر سیاسی محترم سهیل شاهین صاحب در سالنامۀ مجله گفتگویی ویژه داشته باشیم که در ذیل خدمت شما خوانندگان عزیز تقدیم است.

ادارۀ مجله: محترم شاهین صاحب اگر در ابتدا خود را مختصرا به خوانندگان عزیز مجله حقیقت معرفی نمایید.

جواب: نام من محمد سهیل شاهین است. باشندۀ ولایت پکتیا هستم. در زمان جهاد علیه اشغال اتحاد شوروی سابق مدیر مسئول مجله های مختلف جهادی بوده ام و در زمان جنگ های تنظیمی خانه نشین بودم. از آغاز تحریک اسلامی طالبان با تحریک یکجا شدم. سپس به صفت معاون نمایندگی امارت اسلامی برای ملل متحد در نیویارک، معاون سفارت امارت اسلامی در اسلام آباد و مدیر مسئول کابل تایمز در کابل ایفای وظیفه نموده ام. تحصیلات عصری خود را تا مرحله لیسانس به پیش برده ام و دروس شرعی را تا به مرحلهء دورۀ کوچک نزد علمای مختلف خوانده ام. یک تعداد کتاب ها را نزد عالم مشهور کشور شیخ الحدیث مولوی شهاب الدین دلاور صاحب خوانده ام. چنانچه برایتان معلوم است، شیخ صاحب اکنون در دفتر سیاسی امارت ایفای وظیفه می نماید و مسئولیت یک بخش دفتر سیاسی را به دوش دارد. اکنون در دفتر سیاسی امارت اسلامی به صفت عضو و سخنگوی این دفتر ایفای وظیفه می نمایم.

ادارۀ مجله: لطفا از تاریخچۀ تاسیس دفتر سیاسی امارت اسلامی و اهمیت آن بفرمائید؟

جواب: بعد از تجاوز امریکا بر کشور عزیز ما افغانستان، در اوایل وقتی که بزرگان امارت اسلامی

آهسته آهسته به تماس می شدند، در آغاز بخاطر انسجام امور یک تعداد کمیسیون ها را ایجاد کردند که یکی از آن کمیسیون سیاسی بود. آنگاه چهار عضو برای کمیسیون سیاسی تعیین گردید. سپس با مرور زمان، بر اساس صوابدید رهبری امارت اسلامی بعضی افراد مهم دیگر نیز در آن مقرر شدند و ساحۀ کاری آن وسیع تر گردید. در سال ۲۰۱۰ بر اساس بعضی ضرورت ها، نام کمیسیون سیاسی به دفتر سیاسی تبدیل شد. راپور فعالیت های آن را مستقیما به مقام رهبری تقدیم می کرد و این سلسله تا کنون جریان دارد. در سال ۲۰۱۱ اعضای دفتر سیاسی در دوحه پایتخت کشور قطر جابجا شدند و هدف این بود که بخاطر حل سیاسی مسئله افغانستان راه را باز نگهداریم زیرا قبل از این دشمنان و مخالفین امارت اسلامی می گفتند که امارت اسلامی تنها پالیسی نظامی دارد و نمی خواهد مسئله افغانستان به شکل صلح آمیز حل کند. این را هم می گفتند که ما می خواهیم مسئله افغانستان را با طالبان حل کنیم مگر آدرس آنان معلوم نیست. رهبری مدبر امارت اسلامی خواست که جلو بهانه ها و توجیهات بیجای دشمن را بگیرد و دفتر سیاسی را در دوحه به صفت یگانه مرجع تماس برای فعالیت های سیاسی جابجا کند. اکنون دفتر سیاسی ۱۴ عضو دارد که در آن، پنج تن دوستان ما نیز شامل هستند که در این اواخر از جانب مقام محترم رهبری امارت اسلامی به صفت اعضای دفتر سیاسی تعیین شده اند.

ادارۀ مجله: راجع به تشکیلات و روند کاری دفتر سیاسی و همچنان دستاورد های مهم این دفتر اگر وضاحت بیشتر دهید؟

جواب: دفتر سیاسی بخش های مختلف مانند بخش کشورهای اروپایی، کشور های افریقایی، کشورهای جنوب شرق آسیا، امریکا، برتانیه، بخش تماس با افغان ها، بخش آسیای مرکزی، بخش شرق میانه، بخش روابط با موسسات حقوق بشر و ملل متحد وغیره دارد. هر بخش با کشورهای ساحهء خود در تماس است. به طور مجموع دفتر سیاسی از همان آغاز تلاش کرده است که داعیه، حقانیت و مظلومیت مردم مظلوم و مسلمان افغانستان را به جهان برساند. مسئلۀ افغانستان را برای آنان واضح کند و موقف امارت اسلامی را در قبال حل مسالمت آمیز این مسئله بیان کند. در این ارتباط دفتر سیاسی دست آوردهای قابل ملاحظه دارد. مثلا کشورهایی که همراه ما در تماس هستند، اکنون به این باور اند که امارت اسلامی حمایت مردمی دارد و امریکا نمی تواند که این مسئله را از راه نظامی حل کند و امریکا باید با امارت در میز گفتگو بنشیند. این در حالی است که قبلا همین کشور ها به اثر تبلیغات زهراگین دشمن به امارت اسلامی به چشم گروه دهشت افگن می دیدند. مگر امروز این تهمت را غیر واقعی و غیر عادلانه می دانند و می گویند که امارت اسلامی یک نیروی مهم نظامی و سیاسی افغانستان است. بیش از نصف نفوس افغانستان در مناطق تحت تسلط امارت اسلامی زندگی می کنند. تمامی موسسات کمک های بشری جهانی در هماهنگی و با اجازهء دفتر سیاسی امارت اسلامی و کمیسیون های مربوطه فعالیت می کنند. مگر اکنون هم دشمن سعی می کند از

> **دفتر سیاسی بخش های مختلف مانند بخش کشورهای اروپایی، کشور های افریقایی، کشورهای جنوب شرق آسیا، امریکا، برتانیه، بخش تماس با افغان ها، بخش آسیای مرکزی، بخش شرق میانه، بخش روابط با موسسات حقوق بشر و ملل متحد وغیره دارد.**



راههای مختلف اذهان جهانیان را در ارتباط با امارت اسلامی مغشوش کند. دفتر سیاسی با تقدیم موقف اصولی خویش تبلیغات دشمن را خنثی می کند زیرا این تبلیغات دروغین یکی از عوامل بزرگ جنگ در افغانستان است و حل مسالمت آمیز مسئله افغانستان را پیچیده تر می سازد.

رژیم کابل گرفتار اختلافات داخلی است، تشکیلات این رژیم بر خلاف قانون اساسی است که آن ها زیر چتر طیاره های بی ۵۲ ساخته اند و بارها خودشان نقض کرده اند.

ادارۀ مجله: در این اواخر دیدارها و نشست ها با هیأت امریکایی در رسانه ها خبر ساز شد، اگر در مورد این دیدار ها اندکی معلومات دهید و خوانندگان را مطلع سازید که نتایج این دیدارها را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: بلی، ما به تاریخ ۸ و ۹ ماه جون سال جاری (۲۰۱۸) با یک هیأت امریکایی که ریاست آنرا الیس ویلز معاون وزارت خارجهء امریکا برای آسیای جنوبی و آسیای مرکزی به دوش داشت در دوحه (قطر) دیدار داشتیم که این خبر در آن زمان رسانه ای هم شد. بعد از آن به تاریخ ۱۲ اکتوبر با یک هیأت دیگر گفتگو کردیم که ریاست آنرا خلیل زاد نمایندۀ خاص امریکا برای امور صلح به دوش داشت. این نشست های ابتدایی بود، و تا حد زیاد تمرکز آن بر اعتماد سازی بود. البته از خاتمۀ اشغال و یک تعداد نگرانی های امنیتی یاد آوری شد مگر بحث تفصیلی آن تا آغاز مذاکرات رسمی به تعویق افتاد. البته در نشست های یاد شده موقف امارت اسلامی در ارتباط با تمامی مسائل به جانب امریکایی رسانیده شد. قابل یاددهانی است که در اعتماد سازی موضوعات باز شدن دفتر، خاتمه یافتن لست سیاه، آزادی اسیرها ومسائل دیگر شامل بود.



ادارۀ مجله: نظر کلی شما راجع به اوضاع سیاسی و نظامی رژیم کابل چیست و اینکه شرایط آینده را چگونه تحلیل و ارزیابی می کنید؟

جواب: رژیم کابل گرفتار اختلافات داخلی است، تشکیلات این رژیم بر خلاف قانون اساسی است که آن ها زیر چتر طیاره های بی ۵۲ ساخته اند و بارها خودشان نقض کرده اند. از سوی دیگر، فاصله درمیان مردم افغانستان و رژیم کابل در نتیجۀ عملیات های شب هنگام، حملات هواپیماهای بی پیلوت و بمباران بر خانه های مردم ملکی، روز به روز بیشتر می شود. شکنجه شدن مردم ملکی از سوی اربکی ها و نیروهای رژیم نیز، آن ها را منزوی ساخته است. با همه شعارهای دلفریب امریکایی ها در رابطه به رفاه و پیشرفت مردم، هیچگونه تغییر مثبت در زندگی افغان ها نیامده است، بلکه ۴۰ در صد افغان ها زیر خط فقر زندگی می کنند. همچنان، رژیم کابل استراتژی ناقص در قبال صلح دارد. این موقف مقامات رژیم که گفتگوها به مالکیت و رهبری افغان ها باشد (و هدف شان از افغان ها، رژیم است) ناقابل عمل است. زیرا آن ها به بُعد خارجی مسئله که همانا خاتمۀ اشغال است و آن به گفتگوها درمیان امارت اسلامی و امریکا ضرورت دارد، اهمیت نداده اند، بناءً استراتژی شان ناقص است.

ادارۀ مجله: برنامه های روزانه دفتر سیاسی در قطر چگونه است و شما با چه گروه هایی بیشتر دید و وادید دارید؟

جواب : دفتر سیاسی شاخه های مختلفی دارد. هر شاخه با کشورهای مربوط به ساحهء خود تماس می گیرد. وضعیت تازۀ افغانستان و خط مشی امارت اسلامی را برای آن ها واضح می کند و در رابطه به حل مسالمت آمیز معضل افغانستان از موقف رسمی امارت اسلامی آگاه می سازد. نمایندگان کشورهای مختلف جهان هرگاه بخواهند از موقف ما آگاه شوند و یا برای حل مسالمت آمیز مسئلۀ افغانستان نقشی ایفا بکنند، به همرای ما می بینند و ما نظر و موقف خود را با آن ها شریک می کنیم. در سال ۲۰۱۶م، ما شش تن ژورنالستان معروف کشور را دعوت کرده بودیم و برای شان روشن گفته بودیم، هر گونه پرسشی داشته باشید، می توانید با دفتر سیاسی آزادانه

مطـرح بکنیـد. هیئـت مؤظـف امـارت اسـلامی تـا دو روز بـه سـوال هـای آن هـا پاسـخ گفتنـد. مـی خواسـتیم شـش تـن ژورنالسـتان و نویسـندگان دیگـر کشـور را هـم دعـوت بکنیـم، تـا ابهامـی کـه در مـورد وضعیـت کنونـی افغانسـتان وجـود دارد از بیـن برداشـته شـود و بـه همـه پرسـش هـا و نگرانـی هـای ملـت جـواب گفتـه شـود. امـا متاسـفانه، رژیـم کابـل دریـن راسـتا مشـکلات ایجـاد کـرد و در برابـر آمـدن آن هـا موانـع پیـدا کـرد، حتـی ژورنالسـتانی کـه ازیـن جـا بـه کشـور برگشـتند، بـا بازپرسـی و شـکنجه هـای دسـتگاه هـای امنیتـی رژیـم کابـل مواجـه شـدند.

ادارۀ مجله: در راستای صلح و فعالیت های سیاسی در جهت تحقق آن اگر معلومات دهید؟

جواب : دفتـر سیاسـی از روز تاسـیس بـه شـکل مـداوم فعالیـت هـای سیاسـی داشـته اسـت و بـرای آوردن صلـح واقعـی در افغانسـتان تـلاش کـرده اسـت. نماینـدگان دفتـر سیاسـی در کنفرانـس هـای مختلـف کـه بـرای حـل مسـالمت آمیـز مسـئلۀ افغانسـتان برگـزار شـده شـرکت کـرده انـد، مثـلا : کنفرانـس کیوتـو (جاپـان)، کنفرانـس چانتیلـی (فرانسـه)، کانفرانـس پگـواش (دوحـه) و اوسـلو فـورم وغیـره. نماینـدگان دفتـر سیاسـی از طریـق ایـن کنفرانـس هـا صـدای ملـت مظلـوم افغانسـتان را بـه گـوش جهانیـان رسـانیده و بـرای پایـان اشـغال و آوردن صلـح واقعـی، موقـف امـارت اسـلامی را واضـح سـاخته اسـت.

ادارۀ مجله: یکی از خبرسازترین خبر رسانه های جهان در مورد اجلاس شما در مسکو پایتخت روسیه بود اگر در مورد این اجلاس و دستاوردهای شاخص سیاسی آن لطف نموده کمی وضاحت بدهید؟

جواب : چنانکـه بـه شـما معلـوم اسـت کـه بـه تاریـخ ۹ نومبـر سـال جـاری میـلادی، یـک هیئـت پنـج نفـری دفتـر سیاسـی امـارت اسـلامی بـه سـرکردگی رئیـس دفتـر محتـرم شـیر محمـد عبـاس سـتانکزیی در نشسـت مسـکو فـار میـت شـرکت کردنـد و در آنجـا بـه اشـتراک کننـدگان در مـورد وضعیـت کنونـی افغانسـتان و حـل مسـالمت آمیـز کشـور معلومـات دادنـد. ایـن نشسـت مهـم بیـن المللـی بـود. اشـتراک سـه کشـور اعضـای دایمـی شـورای امنیـت (روسـیه، چیـن و امریـکا) ایـن نشسـت را مهـم تـر سـاخته بـود. اشـتراک نماینـدگان امـارت اسـلامی دریـن نشسـت بـه معنـای ایـن بـود کـه جهـان امـارت اسـلامی را بـه حیـث نیـروی بـارز سیاسـی مـی شناسـد و مـی

دفتر سیاسی از روز تاسیس به شکل مداوم فعالیت های سیاسی داشته است و برای آوردن صلح واقعی در افغانستان تلاش کرده است.

اکنون دشمن به این اعتراف می کند که مسئلۀ افغانستان را به زور نمی تواند حل بکند. دشمن آماده شده است که با دفتر سیاسی امارت اسلامی در مورد پایان اشغال و حل مسالمت آمیز مسئلۀ افغانستان وارد گفتگو شود.

خواهـد بـرای پایـان اشـغال افغانسـتان، موقـف و خواسـته هـای آن را بشـنود. دریـن نشسـت، نماینـدگان روسـیه، چیـن و ایـران بـرای خـروج قـوای خارجـی از افغانسـتان و حـل سیاسـی معضـل صـدا بلنـد کردنـد. پـس ازیـن مشـکل اسـت کـه کسـی اشـغال افغانسـتان را زیـر شـعار تروریسـم توجیـه بکنـد.

ادارۀ مجله: نظر شما نسبت به فعالیت های فرهنگی امارت اسلامی مخصوصاً در قسمت وبسایت ها، مجله ها، بخش سمعی و بصری و ... چیست و اگر کدام مشوره و یا پیشنهادی دارید؟

جواب: الحمـدلله، فعالیـت هـای کمیسـیون فرهنگـی امـارت اسـلامی بـه گونـۀ بسـیار خـوب بـه پیـش مـی رود. خـودم افتخـار دارم کـه مدتـی در کمیسـیون فرهنگـی خدمـت کـرده ام، گفتـه مـی توانـم بـا وصف اینکـه کمیسـیون فرهنگـی امـارت اسـلامی نسـبت بـه دشـمن وسـایل کمـی دارد، امـا از همـان ابتـدا در کارزار مطبوعـات در برابـر تبلیغـات دشـمن بـر ضـد امـارت اسـلامی بـا کمـال دلاوری مقابلـه کـرده اسـت و برنـدۀ میـدان بـوده اسـت. نشـرات کمیسـیون، معیـاری و عکـس العمـل اش عاجـل، معقـول و مؤثـر اسـت. دشـمن نیـز بـه ایـن اعتـراف دارد. مـی خواهـم بگوییـم کـه عرصـه هـای سیاسـی و مطبوعاتـی در جـای خـود بسـیار مهـم اسـت و بایـد مـوازی بـا یکدیگـر پیـش بروننـد.

ادارهٔ مجله: چه گفتنی به ملت عزیز افغانستان دارید؟

جواب: تقریباً در دو دهه بلکه در چهار دههٔ گذشته، ملت مسلمان افغانستان تکالیف زیادی را متحمل شده است. بمباران ها، زندان ها، درون و حملات شب هنگام را متقبل شده است، اما به غلامی سر ننهاده است. به مجاهدین امارت اسلامی در آغوش خود جا داده است، فرزندان خود را با آن ها همراه ساخته است و با دلاوری در برابر اشغال رزمیده است. به ملت می گویم که به نصرت پروردگار و قربانی های مجاهدین امارت اسلامی و شما مردم افغانستان، اکنون دشمن به این اعتراف می کند که مسئلهٔ افغانستان را به زور نمی تواند حل بکند. دشمن آماده شده است که با دفتر سیاسی امارت اسلامی در مورد پایان اشغال و حل مسالمت آمیز مسئلهٔ افغانستان وارد گفتگو شود. اگر اشغالگران در سخنان و موقف شان صادق باشند، مسئلهٔ افغانستان حل شدنی و صلح آمدنی است. اگر در ادعای شان صادق نبودند، باز هم از کی پنهان می شوند. این کشور ان شاء الله حتماً آزاد می گردد. امارت اسلامی به حل مسالمت آمیز متعهد است و امیدواریم که با خاتمهٔ اشغال و حاکمیت نظام افغان شمول اسلامی، افغان ها هم بتوانند مانند ملت های دیگر زندگی آزاد و خوشحال داشته باشند. تمام افغان ها در فضای امن و صلح به آبادی، پیشرفت و رفاه کشور خود بپردازند.

ادارهٔ مجله: شاهین صاحب محترم ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید قابل ذکر است این یک گفتگوی ویژه از طرف مجله حقیقت در شماره ویژه سالنامه اش است (مجله که مطالب اش بیشتر به زبان دری است) اگر راجع به مجله کدام گفتنی دارید بفرمائید؟

جواب: مجلهٔ حقیقت مجلهٔ وزین امارت اسلامی است. مسئولیت خود را در شرایط بسیار دشوار به شکل خوب انجام داده است و این نمایانگر زحمت کشی و توانمندی علمی و مسلکی مسئول، کارمندان و نویسندگان مجله است. (مجله) حقیقت در عرصهٔ مطبوعاتی بسیار خوب درخشیده است. از خداوند متعال برای تان توفیق موفقیت و پیشرفت بیشتر مسئلت دارم.

مجلهٔ حقیقت مجلهٔ وزین امارت اسلامی است. مسئولیت خود را در شرایط بسیار دشوار به شکل خوب انجام داده است و این نمایانگر زحمت کشی و توانمندی علمی و مسلکی مسئول، کارمندان و نویسندگان مجله است. (مجله) حقیقت در عرصهٔ مطبوعاتی بسیار خوب درخشیده است. از خداوند متعال برای تان توفیق موفقیت و پیشرفت بیشتر مسئلت دارم.





سران کفر و حامیان آن را نشانه بگیرید ...!

ابو جهاد برابچه ای

در روزهای اخیر، اخبار مسرّت‌بخش زیادی از گوشه و کنار سرزمین مجاهد پرور افغانستان به گوش می رسد. بسیاری از جنرالان و فرماندهان عالی رتبه نظامی دشمن به درک واصل شده اند. از قهرمان، کاروان و جنرال رازق گرفته، تا کشته شدنِ بیست و پنج نفر از سران و مقامات مختلف رژیمِ اجیر و دست نشانده در اثر هدف گرفتن هلیکوپتر نظامی شان در ولایت فراه.

دشمن در این ایام، علاوه بر شکست نظامی، روحیه خود را نیز از دست داده است؛ چون فرمانده های نامدار خود را از دست داده است.

جالب است بدانید که نشانه گرفتن و ترور مقامات بلند پایه ی کافران، اختراع مجاهدین امارت اسلامی افغانستان نیست، بلکه دستور به ترور و حذفِ سران کفر، در قرآن کریم به صراحت بیان شده است و صحابه پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را به صورت عملی اجرا نموده اند. الله متعال می‌فرماید:

«**وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم وطعنوا في دينكم فقاتلوا أئمة الكفر إنهم لا أيمان لهم لعلّهم ينتهون**» (۱۲ سوره توبه)

(و اگر آنها سوگند خود را بعد از عهدی که بسته‌اند بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست، باشد که بس کنند.)

ترور کعب بن اشرف:

بعد از جنگ بدر و شکست مشرکین، یهودیان و در رأس آن ها کعب بن اشرف، که از سران یهود بود، بسیار ناراحت و آزرده خاطر شدند. کعب بن اشرف به خاطر تسکین درد و رنج روحی اش شروع به توطئه علیه مسلمانان نمود. شاعر بود و به هجو مسلمانان، و شخصِ رسول الله صلی الله علیه وسلم می پرداخت و سعَی داشت با اشعار خود، مشرکین

را علیه مسلمانان بشوراند.
پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم از کارهایش به تنگ آمده بود. بنابراین روزی در جمع یارانش فرمود: چه کسی حاضر است کار کعب بن اشرف را تمام کند؟
محمد بن مسلمه رضی الله عنه دست را بلند نمود. و از پیامبر اجازه خواست تا در راستای مؤفقیت عملیاتش، از سخنان غیر واقعی استفاده کند. پیامبر ایشان را به همراه چهار نفر دیگر (ابونائله، حارث بن اوس، ابو عبس و عباد بن بشر) به سوی این طاغوت بزرگ فرستاد.
محمد بن مسلمه پیش کعب بن اشرف آمد و برای اینکه اعتمادش را جلب کند به او گفت: از روزی که این شخص (به پیامبر صلی الله علیه و سلم اشاره نمود) آمده است، روز به روز بر مشکلات ما افزوده می شود و فقر و تنگدستی بر ما فشار می‌آورد. من پیش تو آمده ام تا به من گندم قرض بدهی. کعب بن اشرف گفت: اشکالی ندارد، ولی زن خود را به صورت گِرو و رهن پیش من بگذار. محمد بن مسلمه انکار کرد و گفت: تو شخص زیبایی هستی و من اطمینان ندارم که زن من در خانه تو، بتواند خود را کنترل کند. کعب بن اشرف گفت: پس فرزندانت را رهن بگذار. باز هم حضرت محمد بن مسلمه انکار کرد و در آخر، بر این توافق کردند که حضرت محمد بن مسلمه دوباره بیاید و سلاح خود را به عنوان رهن پیش کعب بن اشرف بگذارد.
بعد از مدتی محمد بن مسلمه با دسته رزمی و جهادی خویش پیش کعب بن اشرف آمدند و چون قبلاً با او قرار گذاشته بودند که سلاح خود را می آوریم تا پیش تو به عنوان رهن بماند، لذا کعب بن اشرف مشکوک نشد که چرا این ها با خود سلاح آورده اند.
محمد بن مسلمه به همراهانش گفته بود: هرگاه پیش او آمدیم من به بهانه ی بوی خوش عطر، سرش را نگاه می دارم و هنگامی که او را تحت کنترل خود در آوردم شما بر او حمله کنید. هنگامی که کعب بن اشرف پیش آن ها آمد، محمد بن مسلمه گفت: چه بوی خوشی از تو تراوش می کند! آیا اجازه می دهی که سرت را ببویم؟ کعب بن اشرف گفت: اشکالی ندارد. محمد بن مسلمه به بهانه ی بو کشیدنِ سر، او را نگه داشت و بقیه همراهانش با شمشیر و خَنجر بر او حمله ور شدند و کارش را یکسره کردند. هنگامی که علمیات شان به پایان رسید فورا به سوی مدینه حرکت کردند و هنگامی که به «بقیع» رسیدند، از فرط خوشحالی تکبیر گفتند. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم سر نماز بود و با شنیدن تکبیر صحابه، دانست که کعب بن اشرف به درک واصل شده است.

ترور سلام بن أبی الحقیق:

چون مجاهدانی که کعب بن اشرف را به قتل رسانده بودند از قبیله اوس بودند، خزرج نیز به فکر افتادند تا از اوس عقب نمانند. آنها به خدمت پیامبرصلی الله علیه وسلم آمدند و از ایشان اجازه خواستند تا سلام بن أبی الحقیق را به قتل برسانند. سلام بن أبی الحقیق از طواغیت یهود، و از کسانی بود که مشرکین را علیه پیامبر تشویق و تحریض کرده بود و سبب شده بود تا جنگ احزاب اتفاق بیفتد. پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن ها اجازه ی عملیات دادند. پنج نفر از مجاهدان خزرجی به نام های عبدالله بن عتیک، مسعود بن سنان، عبدالله بن انیس، ابوقتاده حارث بن ربعی و خزاعی بن اسود – رضی الله عنهم – به همین منظور حرکت کردند.
هنگامی که به قلعه ی یهودی‌ها رسیدند، عبدالله بن عتیک به همراهان خود گفت: شما بیرون قلعه منتظر بمانید من به داخل قلعه می‌روم. هنگامی که عبدالله بن عتیک رضی الله عنه به کنار خانه سلام بن ابی الحقیق رسید متوجه شد که افرادی با او نشسته اند و صحبت می کنند. بنابراین صبر نمود تا همراهانش پراکنده شوند. بعد از این که سلام بن ابی الحقیق برای خواب آمد عبدالله بن عتیک وارد خانه اش شد و به هر دروازه ای که می رسید آن را از داخل می بست تا اگر دشمن متوجه شود که فردی وارد خانه ی ابن أبی الحقیق شده است، به راحتی بتواند کار او را تمام کند.
عبدالله بن عتیک می‌گوید: هنگامی که وارد خانه شدم خانه تاریک بود و طاغوت بزرگ، در میان اهل خانه اش خواب بود و من نمی توانستم به خوبی موقعیت او را تشخیص دهم؛ بنابراین صدا زدم: ابو رافع! او گفت: چه کسی هستی؟ با شنیدن صدایش موقعیتش را پیدا کردم و با شمشیر به او حمله ور شدم و بعد از زخمی کردنش از خانه خارج شدم. ولی برای این که یقین حاصل کنم که کشته شده است، دوباره وارد خانه شدم و فریاد زدم: ای ابو رافع! این سر و صدای چه چیزی بود؟ او گفت: وای بر تو! شخصی من را زخمی کرد.
عبدالله بن عتیک می گوید: هنگامی که دانستم هنوز زنده است دوباره بر او حمله کردم و این بار

خوب شمشیرم را داخل شکم و روده هایش فشار دادم و یقین کردم این مرتبه کشته شده می شود. سپس هنگامی که از خانه بیرون می آمدم از جای بلندی بر زمین افتادم و ساق پایم شکست. با پای شکسته به مدینه منوره رسیدیم و شرح عملیات را به سمع مبارک پیامبرصلی الله علیه وسلم رسانیدیم. آن حضرت صلی الله علیه وسلم آب دهن مبارک خویش را بر روی زخم پایم مالید که در اثر آن فوراً شکستگیِ پایم التیام یافت.

ترور خالد بن سفیان هذلی:

امام احمد در مسندش از حضرت عبدالله بن أنیس رضی الله عنه روایت می‌کند: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم مرا به حضور طلبیده و دستور داد که خالد بن سفیان را به قتل برسانم؛ چون گروهی را جمع کرده و اراده دارد که به مدینه منوره حمله کند. چون خالد بن سفیان را تا حالا ندیده بودم علایم و نشانی‌اش را از پیامبرصلی الله علیه وسلم سؤال نموده و به راه افتادم.
هنگامی که به او رسیدم، با توجه به علایمی که نبی کریم صلی الله علیه و سلم بیان نموده بود او را شناختم. بنابراین به دنبال فرصتی می‌گشتم تا این که مؤفق شدم شب هنگام وارد خیمه اش شده و در بستر خواب، سرش را از تنش جدا کنم.
آن گاه به محضر پیامبرصلی الله علیه وسلم برگشته و شرح ماجرا را به سمع ایشان رسانیدم. نبی کریم صلی الله علیه وسلم بسیار خوشحال و شادمان شد. مرا به خانه اش برد و عصایی به من هدیه داد و گفت: این عصا نشانه ای در میان من و تو است.
حضرت عبدالله بن انیس رضی الله عنه آن عصا را با شمشیر خود یک جا حمل می کرد و به هنگام وفات، وصیت نمود که این عصا را در کفن من قرار د هید.

خفه کردن زن یهودی:

امام شعبی رحمه الله از حضرت علی رضی الله عنه روایت می کند: زنی یهودی بود که با دشنام و ناسزاهایش به پیامبرصلی الله علیه وسلم ایشان را آزار و اذیت می نمود. فردی از مسلمانان به دنبال او بود و سر فرصت، او را خفه کرد. پیامبرصلی الله علیه وسلم عملش را تأیید کرد و اعلام نمود که این زن، دیه ای ندارد.

قتل ابو عفَک یهودی:

این شخص پیرمردی کلان سال بود که بعد از شکست مشرکین به دست مسلمانان، به تحریض علیه مسلمانان می پرداخت و نسبت به پیامبر صلی الله علیه وسلم بدگویی می کرد. حضرت سالم بن عمیررضی الله عنه سوگند خورده بود که یا او را می کشم و یا خودم کشته می شوم.
در تابستان که هوا گرم بود و ابو عفک در کنار دیواری خارج از خانه خوابیده بود، به او حمله ور شد و شکمش را پاره نمود.

قتل اسود عنسی:

اسود عنسی از مدعیان دروغین نبوت و پیامبری بود که به وسیله جادو و شعبده بازی مردم را فریب داده بود. هنگامی که والیِ صنعاء، باذان وفات نمود، اسود عنسی شورش کردَ و زمام امور را به دست گرفت و با همسر باذان، به نام مرزبانه ازدواج کرد.
پیامبر صلی الله علیه وسلم نامه ای به یاران خود و مرزبانه نوشت که اسود را به قتل برسانند. همسرش چون مؤمنی بود با پسرعمویش که فیروز نام داشت قرار گذاشت تا شب هنگام از راهی وارد خانه شوند که نگهبان نداشت. آن ها وارد خانه شدند و اسود در حالی که شراب نوشیده بود و مست روی تخت خوابش دراز کشیده بود. فیروز شمشیر را بر گردنش فرود آورد و در یک لحظه سر را از تنش جدا کرد.
پیامبر صلی الله علیه وسلم در مرض وفات قرار داشت که توسط جبرئیل علیه السلام از ماجرا اطلاع یافت و صحابه کرام را نیز آگاه کرد و فرمود: «دیشت عنسی کشته شد. مردی مبارک، از اهل بیتی مبارک او را به قتل رسانید.»
این ها مشتی نمونه ی خروار از قتل و ترور شخصیت‌ها ی کافران بودند که در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم توسط صحابه ی کرام رضوان الله علیهم اجمعین انجام شده بود. وگرنه در تاریخ اسلام نمونه های خیلی زیادی یافت می شود که ذکرشان مثنوی هفتاد مَن کاغذ می شود.
بنابراین می طلبد که مجاهدان، همانند ابودجانه ی عزیز، همیشه در کمین باشند و با تاکتیک های پیشرفته و عملیات پنهان و و زیر زمینی، سران کفر و حامیان آن را نشانه بگیرند و آن ها را به درک واصل کنند تا قوت و نیروی ظاهری و باطنی دشمن در هم شکسته شود.
(والله غالبٌ علی أمره ولکنّ أکثر الناس لا یعلمون)

وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

چرا اختلاف بد است؟

حکمت الله حکمت

یکی از عادتهای به غایت زشت و قبیح که در قرآن مجید و سنت نبوی علی صاحبها الصلوة شدیدا تقبیح شده است، اختلاف و تفرقه است. مقصود ما از " اختلاف " نزاع و درگیری و تفرقه و یا حداقل ترک هم کلامی و هم مجلسی و کینه به دل گرفتن به سبب اختلاف نظر است. وگرنه نفس اختلاف نظر در امور مختلف یک امر عادی و فطری است و چنین چیزی بین صحابه و رسول الله صلی الله علیه وسلم هم پیش آمده است. بناءا بین " اختلاف " و " تفرقه " باید فرق قائل شد، هرچند در عرف رایج این دو لفظ با هم مستعمل می شوند و به یک معنی رایج شده اند.

الله سبحانه و تعالی و آخرین پیامبر برحقش حضرت ختمی مرتبت علیه السلام به صراحت از تفرقه و منازعه منع فرموده اند. دستور الهی است: " **وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**؛ و از خداوند و پیامبر او اطاعت کنید و اختلاف کلمه نداشته باشید که بددل خواهید شد و شان و شوکتتان بر باد میرود، و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است. (انفال: ۴۶) " در این آیه مبارکه خداوند دو قانون و قاعده مهم از قواعد جهاد را بیان فرموده است که در هر حال، مخصوصا در میدان جهاد از خدا و رسولش اطاعت کنید نه از هواهای نفس و آرای شخصی خود و قانون دیگر اینکه از منازعه و مشاجره بپرهیزید تا شأن و شوکت شما از بین نرود. پیروی از همین نوع دستورات بود که فتح و پیروزی را برای مسلمانان در میدان بدر به ارمغان آورد و در غزوات بعدی نیز سلسله فتوحات و پیروزی ها ادامه پیدا کرد، اما یک غفلت کوچک در غزوه احد باعث شد مسلمانان پس از فتح و پیروزی برای لحظاتی شکست را تجربه کنند و هفتاد تن از بهترین صحابه جام شهادت را بنوشند. یقینا عدم اطاعت جمعی کوچک از صحابه از امیرشان و سپس اختلافی که از آن نشأت گرفت، امری تکوینی



از سوی باری تعالی بود تا هم به صحابه رضی الله عنهم و هم به مسلمانان بعدی این نکته را نشان دهد که تخطی از قوانین جهاد چقدر می تواند خطرناک و مضر باشد. چه کسی بهتر از ذات پاک و با حکمت الله تعالی از رازهای درون ما و سرشت و فطرت ما انسانها مطلع است؟ بنابر همین شناخت کامل الله تعالی ارشاد فرمود که از تفرق پرهیز نمایید و شکیبایی اختیار کنید؛ یک مسلمان در هر حال و شرایط ممکن است با حالاتی دچار شود که خلاف طبع و میل اوست. سخنانی بشنود که دوست ندارد، با کسانی همسایه، همسفر و یا همکار شود که از آنها کراهت طبعی دارد. پس بهتر است در همه حالات دامن صبر را محکم بگیرد و فضیلت معیت الهی را حاصل نماید. این نکته در میادین و ساحات جهاد و رباط بیشتر اهمیت دارد. اگر شکیبایی و صبر پیشه نکنیم، ممکن است دست و زبان ما ردعمل نشان دهند و ما را گنهکار کنند. بدون صبر خطر آن است که ما منبع فتنه و اختلاف بشویم و به جای ترکیز و توجه بر دشمن، ذهن و جسم عزیزان و همراهان خود را به امور ساده و بی اهمیت مصروف بداریم. اهمیت دادن به این نوع امور بی اهمیت یا کم اهمیت کمترین نتیجه اش " تباغض " است که در حدیث شریف از آن منع آمده است. ارشاد نبوی است: " ولا تباغضوا " با یکدیگر بغض نداشته باشید. بغض نتیجه بی صبری و نازک طبعی است. بغض ضد " حب " است؛ حال آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: قسم به ذاتی که جانم در قبضه اوست، شما وارد بهشت نمی شوید تا مادامی که مؤمن نباشید و شما مؤمن (کامل) نمی شوید تا زمانی که با یکدیگر محبت نکنید... (صحیح مسلم).

از سطور بالا مشخص شد تنازع و دودستگی چه در امور مهم و کلانی مانند جهاد و حکومت باشد چه در امور ساده و روزمره، همه زیبنده یک مسلمان نیستند. نقصانات همه می تواند یک جامعه را متشنج و مضطرب بگرداند. مؤمنان برادر یکدیگرند و برادران با هم محبت دارند و همین امر از آنها مطلوب است. اما بغض و دشمنی و نفرت درمیان دشمنان رواج دارد. وقتی دو برادر مسلمان دلخور و بددل شوند، طبیعتا از هم فاصله می گیرند و دوری اختیار می کنند. بعد از آن سلسله نفرت ها و بدگمانی ها شروع می شود و هرچه دوری بیشتر باشد، بدگمانی ها بیشتر خواهد شد.

البته بحث و مباحثه علمی و رایزنی در مسائل مختلف که حتما در آن نظرات مختلف مطرح می شود امری محمود است نه مذموم. شرط آن است که آداب و اصول اختلاف رعایت شود و به اختلاف شخصی و گروهی و مشربی و... منجر نشود. در فرصتی دیگر به تفاصیل این موضوع می رویم.

ان شاءالله



خوبان امت در رکاب امارت

سادات چرخی

یکی از علایم بارز قیامت این هم است که سنت بدعت، وقار ذلت، و خوبان امت زشت پنداشته می شود.
اکنون بعضی ها از واژه های جهاد، هجرت، مجاهدین، مهاجرین و انصار چندان خوش شان نمی آید و گمان می برند که اینها مایه قهقرا وعقب ماندن در جامعه هستند و حتی مسمی به این واژه ها را تروریست، دهشت افگن، عقب مانده و به نام های این و آن متهم می کنند درحالی که حقایق برعکس را گواهی می دهد و این واژه ها همه کلمات مقدس و شعائر دین خوانده می شود.
در واقعیت اگر یک انسان مومن وضعیت جهان و انسان را در پرتو شریعت اسلام، به نگاه ژرف ببیند، به ساده گی خواهد دانست که واژه های جهاد، هجرت، مجاهدین، مهاجرین و انصار همه واژه های پرمعنا و پرمحتوایی اند که هر کسی نمی تواند ارزش این واژه های مقدس را داشته باشد و حقا که این واژه های مقدس بالای بهترین اشخاص ومعظم ترین انسان ها اطلاق می گردد.
معلومدار است که دار و مدار این همه سعادت ها را دو عنصر مهم (مجاهد ومهاجر) تشکیل می دهد.

جهاد عمل مجاهدی است که جان و مال اش را در راه خدا غرض اعلای کلمة الله بکار می برد و هجرت صفت مهاجری است که خانه و مسکن اش را غرض حفظ دین و جان اش ترک کرده و برای مقابله بهترعلیه کفار آمادگی می گیرد.
پس به کسی که جهاد می کند مجاهد گفته می شود، و کسی که هجرت کرد مهاجر، و کسی که مهاجر را در هجرتگاه اش مساعدت نمود، انصار نامیده می شود که شریعت غرای اسلام جداگانه به مجاهدین، مهاجرین و انصار ارزش های والای قائل شده و مجاهد، مهاجر و انصار را سعادتمند ترین انسان ها خوانده است.
فرمان الهی است:
«فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً» (سوره نساء ۹۵)
(خداوند جهاد گران با مال وجان را به مرتبه ای مهم برخانه نشینان برتری بخشیده است.)
«لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (سوره توبه ۱۱۷)

(بی تردید خداوند رحمت ویژه اش را بر پیامبر، و مهاجرین و انصار که در زمان سخت (مسیرجنگ تبوک) از او پیروی کردند ارزانی داشت، پس از آن که نزدیک بود دل های گروهی از آنان {ازادامه حرکت به سوی جنگ} منحرف شود {وبه مدینه باز گردند} آن گاه {خداوند} توبهٔ آنان را {ازگناه تصمیم با بازگشت} پذیرفت، زیرا خداوند به آنان بسیار مهرورز ومهربان است.)

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره ۲۱۸)

(یقینا اهل ایمان و کسانی که هجرت کرده ودر راه خدا به جهاد برخواستند امید وار رحمت الله هستند و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.)

دریک حدیث شریف آمده که: « **إن أدنى روعات المجاهدين في سبيل الله تعالى عدل صيام سنة وقيامها فقال قائل : يا رسول الله ، وما أدنى روعات المجاهدين ؟ قال : يسقط سوطه و هو ناعس فينزل فيأخذه.**» (الجهاد لابن أبی عاصم)

(کوچکترین روعه و ترس مجاهد در راه الله تعالی برابر است با قیام و صیام یک ساله، یکی پرسید ای رسول خدا کوچکترین روعه مجاهدین چه است؟ فرمودند که تازیانه اش به زمین بیفتد و وی خواب آلود باشد و پائین شود تازیانه اش را بگیرد یعنی کنایه از اندک مشقت و تکلیف مجاهد است که در جهاد فی سبیل الله تحمل می کند وثواب اش به اندازه ثواب صیام و قیام یک ساله شمرده می شود پس مقام و منزلت خود مجاهد چقدر عالی وبلند خواهد بود؟!)

ودر وصف و منزلت مجاهدین، مهاجرین و انصار آیات و حدیث های زیادی آمده است که این فشرده گنجایش آن را ندارد.

پس نگاه کنید که شریعت غرای اسلام مجاهدین، مهاجرین و انصار واقعی را چقدر عزیز و گرامی خوانده و حقا شایسته این عظمت ها می باشند درحقیقت اینها خوبان وستاره های این امت شمرده می شوند.

چقدر مایه خوشی وسعادت است که مجاهدین و مهاجرین و انصار واقعی همه در رکاب امارت اسلامی هستند و امارت اسلامی کاروان سعادت، افتخار و خانه خوبان امت خوانده می شود حتی از بعض عاشقان دین که درکشورهای دور از افغانستان زندگی می کنند، نقل شده که آرزوی مهم آنان اینست که کاش در کنار امارت اسلامی یک عسکر می بودند و یا با مال و جان زیر پرچم امارت اسلامی می جنگیدند و حتی بسیاری دیگر چنین آرزوی هم داشته اند که کاش چند وقت زیر پرچم امارت اسلامی، زندگی میکردند تا آن را وسیله نجات در روز قیامت قرار می دادند.

در واقعیت اگر یك انسان مومن وضعیت جهان و انسان را در پرتو شریعت اسلام، به نگاه ژرف ببیند، به ساده گی خواهد دانست که واژه های جهاد، هجرت، مجاهدین، مهاجرین و انصار همه واژه های پرمعنا و پرمحتوایی اند که هر کسی نمی تواند ارزش این واژه های مقدس را داشته باشد و حقا که این واژه های مقدس بالای بهترین اشخاص ومعظم ترین انسان ها اطلاق می گردد.

واقعا وجود امارت اسلامی برای همه، به ویژه افغانها نعمت خاص الهی است و همین امارت اسلامی بود که روز های دشواری را پشت سر گذاشت و با متانت و راد مردی کامل علیه اشغال و صلیبی های وحشی رزمید و بینی هر فرعون و اشغالگر بخصوص امریکایی ها را به خاک مالید، غرور و تکبر امریکایی ها را در سطح جهان و منطقه شکستاند.

اما متأسفیم برحال کور دلان و نفاق زده گانی که بجای درک واقعیت ها ودیدن این حقایق، با جهالت شان خواسته و یا ناخواسته آب در آسیاب اهل باطل می ریزند.

خدایا چقدر دردناک است که تعدادی از هموطنان ما نمی توانند بین حق وباطل فرق بگذارند حتی قادر نیستند میان سیاه وسفید تمیز کنند سیاه برای شان سفید وسفید برای شان سیاه جلوه می کند و با جهالت و احساسات بی خردانه خود برطبل باطل می کوبند و جایگاه و ارزش این ستاره ها و خوبان امت مسلمه را هنوز نشناخته اند و حتی اهلیت آن را هم ندارند تا به حقانیت و حقیقت این نخبگان امت پی ببرند.

ما در هفده سال گذشته در چالش های جاری کشور مردم را عملا چنین تجربه کردیم و دیدیم. مثلا اگرطرف مقابل مجاهدین را که امریکایی ها، متحدین ناتو و اجیرهای داخلی شان قرار دارد مختصرا نگاه کنیم می بینیم که طی هفده سال امریکایی ها ودار و دسته شان، پیهم وعده کردند اما از وفا حرفی ندارند، همواره دروغ گفتند و فریب دادند، حقایق را تحریف کردند، ادعا های بلند نمودند اما خلاف آن عمل کردند، همواره از آزادی بیان سخن زدند اما صدای مقابل را خاموش ساختند و به آنان حق ندادند تا صدای شان شنیده شود، ظلم، وحشت، بی عدالتی و بربریت به اوج رسیده، پرده های تلویزیون ها پر از نشر و پخش انحراف وفحاشی اند، از زندانهای شان، ناله های دردناک زندانیان مظلوم بگوش می رسد، هر زورمند، زندان های شخصی ایجاد کرده اند، از منع مخدرات حرف می زنند اما کشت، پروسس و تجارت آن را دراین دیار رائج ساختند و مردم ما را با بیماری های مهلک مخدرات مبتلا ساختند.

رشوه، باجگیری، زورگویی و فساد در ادارات شان بطور علنی رسم وافتخار گشته، غلامی، وطن فروشی، ارزش فروشی، تملق، توهین، ذلت و جاسوسی در این اجیران دست نشانده برملا دیده میشود، هر فرد ملت ازتهدید باندهای مافیا، سارقین و اختطافگران رنج می برند، افتخارات ملت هدیه گردید، مدال های قهرمانان این ملت غیور به شانه های اشغالگران، نصب گردید، مراکز فحشا بنام های هوتل و رستورانت از هیچ کسی پوشیده نیست، افلاس، بیکاری و فقر درکشور روز افزون شده، زیر بناهای کشور رو به نابودی است، بجز اعمار چند ساختمان محدود، همه کشور به ویرانه مبدل گردیده، نسبت به دوران تجاوز روس ها، مردم بیشتر آواره شدند، حتی تمامیت ارضی کشور زیر سوال رفته و معامله های شخصی شان بر سر این مرز وبوم پنهان نمانده، خلاصه این اداره

چقدر مایه خوشی وسعادت است که مجاهدین و مهاجرین و انصار واقعی همه در رکاب امارت اسلامی هستند و امارت اسلامی کاروان سعادت، افتخار و خانه خوبان امت خوانده می‌شود حتی از بعض عاشقان دین که درکشورهای دور از افغانستان زندگی می‌کنند.

مزدور سبب همه بدبختی ها ونابسامانی ها ومصیبت ها شده که در حقیقت این مزدوران داخلی برخلاف اعضای خانواده شان با بیرونی ها هم دست شده اند که این خیانت نابخشودنی شان درمغز تاریخ حک گردیده است اما با وجود این همه فجایع، وحشت، جرایم، مظالم وبی عدالتی های یاد شده، درچشم کور دلان جاهل هنوز هم ترقی، پیشرفت وموفقیت جلوه می کند و متاسفیم بر حال این ساده لوحانی که از تبلیغات رسانه های کرایی و اجیر چنان متأثر گشتند که این سفاکان فرومایه را به عنوان وطن دوست، آزاد ومسلمان واقعی می پندارند.

افسوس برحال چنین مسلمان ها، که درظلمت وتاریکی مانده اند ودر تاریکی ها انس گرفته وهنوز ازمجد وعظمت جهاد و اسلام غافل هستند.

الحمد لله علی نعمة الإسلام وأعُوذُ بِكَ مِنْ حَالِ أَهْلِ النَّارِ





دامریکایي تهذیب او بشر دوستۍ څو بېلګې !

لیکوال: سید شریف

لویدیځوال په ځانګړې توګه امریکایان خپل ځان نړۍ کې تر ټولو ملتونو او ولسونو مهذب ګڼي. په نورو تهذیبونو ملنډې وهي. امریکایان دعوه کوي چې په نړیواله سطحه دبشري حقونو پلي کونکي او دفاع کونکي دي. خو که دامریکا تېر تاریخ اومځکنیو واقعیتونو ته وکتل شي کیسه برعکس ده!!

د شلمې پېړۍ څو بېلګې:

په شلمه پېړۍ کې امریکادجاپان پر هیروشما او ناګاساکي اټومي حملې وکړې. دې حملو کې لکونه انسانان ووژل شول او یو لوی تمدن له منځه یو وړل شو. په لومړي او دوهم نړیوال جنګ کې امریکا په مستقیمه او غیر مستقیمه توګه سلګونه زره انسانان له تیغه تېر کړل. فلسطین کې امریکا له یوې پېړۍ راهیسي اور بل کړی. دغاصب صهیونیستي رژیم په رامنځته کولو او اکمالولو سره یې منځني ختیځ کې دوینو ویالې وبهېولې او لا هم دصهیونستي+ صلیبي وحشت او بربریت توپان په اوج کې دی.

یوویشتمه پېړۍ کې:

امریکا په یوویشتمه پېړۍ کې داسلامي نړۍ پر ډېرو هیوادونو یرغلونه وکړل. دخلکو دخوښې نظامونه یې ونړول. ظلم، انارشي، فحاشي او بې دیني یې وارده او خپره کړه.د یرغمل کړو ولسونو او هیوادونو شتمنۍ یې لوټ کړې. په اسلامي ارزښتونو او ملي منافعو یې حملې وکړې. لاسپوڅي رژیمونه یې د توپ او ټانګ په زور پر خلګو وتپل او دجګړو داسي اورونه یې پکې بل کړل چې یوه نیمه لسیزه وروسته یې هم دپای څرک نه ښکاري.

افغانستان:

امریکا او ملګرو اروپایانو یې د یوویشتمې پېړۍ په پیل کې پر ګران هیواد افغانستان وحشیانه یرغل وکړ. دخلګو دخوښې جوړ اسلامي نظام یې سقوط کړ. په سلګونو زره هیوادوال یې شهیدان او ټپیان کړل. کمیایي او فاسپورس مواد یې وکارول. ښځې او ماشومان یې دخپل تن په وینو لژند کړل. وحشت، ظلم،فحشاء،رشوت، مخدرات او نورې ناراوې یې ترویج کړې.د ډېموکراسۍ ترچتر لاندې یې له اسلامه داوښتلو پروژې پیل کړې. د بیان ازادۍ په نوم یې زموږ پر اتلانو بېلابیل تورونه ولګول. اسلامي کلتور او افغاني عنعنات یې سپک کړل او له بېلابیلو لارو غواړي چې زموږ تاریخ او تهذیب هم له منځه یوسي.

عراق:

مهذبې امریکاعراق ته پلمه جوړه کړه چې اټومي او کمیاوي وسلې لري. په همدې بهانه یې یرغل پرې وکړ. دصدام حسین جوړ نظام یې ونړاوه،خو یوه نیمه لسیزه وروسته یې هم دډله ییزې وژنې وسلې ونه موندلې.

داسلامي تاريخ اوتمدن اثار يې غلا کړل.د شيعه او سني، کرد او عرب په نوم يې خپلمنځي جګړې طرحه او رهبري کړې او داسلامي تمدن پلازمېنه(بغداد) يې په وينو رنګ او په کنډواله بدله کړه.

ليبيا:

امريکا وه چې ليبيا کې يې د جګړې اور بل کړ. بېلابېلې ملېشې يې مسلحې کړې. خپل منځ کې يې سره وجنګولې. د معمر قذافي د واحد حکومت پر ځای يې ملوک الطوائيفي حاکمه کړه. داسي وحشت او ډار يې حاکم کړ چې خلګ دورځې له يوه ښاره بل ته نشي تللای. په ځينو مواردو کې خو وحشت دومره اوج ته ورسيږي چې خلګ له کورونو هم نشي وتلای. دقذافي رژيم په مراتبوتر اوسنۍ انارشۍ غوره و. قذافي که ديکتاتور و،خو دخلګو عزت، سر او مالونه يې خوندي کړي وو.

سوريه:

ښکلې سوريه هم دامريکايي تهذيب قرباني شوه. امريکاد اسد رژيم پر ضدځينې ډلې په وسلو سمبالې کړې،خو دومره مرسته يې ورسره ونه کړه چې داسد رژيم پرې راوپرزوي. دامريکا طرحه وه چې سوريه کې جګړه روانه وي. د جګړې په جريان سره د سورېې تمدن، صنعت، زراعت پېړۍ شاته تېل وهي. متاسفانه همداسي وشول. سوريه کې دجګړې دوام د روسيې پښه هم دې جنګ ته راکش کړه. اسلامي سوريه دامريکا او روسيې دنيابتي جګړې ګرم ډګر شو. لکونه سورياي‌ان خپلو کورونو کې لولپه شول اوميليونونه مهاجر شول. پای داچې ښکلې سوريه د پېريانو او وحشي ژوو په ډارونکې جونګړه بدله شوه.

صوماليا:

همدا دبشري حقونو تېکه داره امريکاوه چې صوماليا کې يې دخلکو دخوښې پر اسلامي واکمنۍ حمله وکړه. تښتيدلي ټوپکسالاران يې بيرته مجهز او فعال کړل. پر موګاديشو يې ناتار کروز او هوايي حملې وکړې. اسلامي حکومت مجبور شو چې له پلازمېنې عقب نشينې وکړي. همدا دی تر ننه پوري صوماليا کې دجګړې اور بل دی.

امريکا غواړي چې دجګړې په اور کې دصوماليا خاوره پخه شي او بيا امريکايي ډيموکراسي پکې خپره شي. دتعجب او تاسف وړ داچې دامريکا دظلم او بربريت تور تاريخ مو مخته پروت دی او نړۍ کې يې دګران هيواد په ګوډون روان وحشت دسر په سترګو وينو. خو لا هم امريکا دبشري دوستۍ نارې وهي، د لوړ تهذيب دعوې کوي او پر نورو دبشر دحقونو دنقض تورونه پوري کوي. ډېر تعجب او تاسف خبره بيا داده چې ځيني په يادوو شوو محکومو هيوادونو کې زېږيدلي او پالل شوي دامريکايي استعمار پښو کې سجدې لګوي. دخپلو ولسونو او هيوادونو پر ضد دامريکا هر امر په سر او سترګو مني او په پلې کولو کې يې تر امريکايي پوځيانو او ستراتيژيستانو ډير کوښښ کوي.

هو! زموږ د محکومې خاورې داسي بچي هم شته چې دخپل ولس او هيواد پر ضد دامريکايي پوځيانو رول لوبوي. دامريکايي يرغل دپايښت لپاره يې امريکايي ټوپک غاړه کې وي. اشغالګرو ته دخپلو غازيانو وروڼو داستوګنې ځايونه ورښيي. دخپلې خاورې دمجاهدو بچيانو دشهادت په موخه استعمارګرو ته کوردينات ورکوي. ځيني بيا داسي چې د باسوادۍ اوروشنفکرۍ ادعاوې کوي،تر افغان مجاهدينو امريکايي يرغلګرو ته ډير ور نژدې دي. امريکايي بربنډيرغل او نه توجيه کيدونکي جنايت ته دمشروعيت دلايل تراشي.د امريکايي اشغال په ګټه ليکنې او شعرونه زمزمه کوي. دخپلې خاورې دازادۍ جنګيالي د پرديو لاسپوځي بولي. د ټروريسټ پردۍ ټاپه پرې لګوي. دخپل ولس جهادي شهکارونه پرديو ته منسوبوي او حيف داچې! د محکومې خاورې نامرد بچي خپلې همدې ناځوانۍ او وطن فروشۍ ته دوطن پرستۍ(؟) نوم هم ورکوي!!.

امريکا اسلامي نړۍ کې دومره جنايتونه او شرارتونه تکرار کړي چې قلم يې له ليکلو او ژبه يې له بيانولو څخه عاجزه ده.حتی که يوازې د رواني ميلادي پېړۍ په تېره يوه نيمه لسيزه کې دامريکا يرغلونه او هراړخيز ظلمونه وڅېړل شي بشريت ته به ټکان ورکړي. اوس نو راشئ دا يې ګز دا يې ميدان! غربيان په تېره امريکايان مهذب دي، که مسلمانان،دوی بشر دوستان دي، که موږ؟!. قضاوت پر تاسو!.



متن کامل بیانیۀ که از سوی نمایندگان امارت اسلامی در نشست مسکو ارائه گردید

اشاره:
در نهم اکتوبر ۲۰۱۸ میلادی به دعوت کشور روسیه، نمایندگان سیاسی دفتر امارت اسلامی در قطر اشتراک کردند و مواضع، اهداف و پالیسی های امارت اسلامی در موضوعات مختلف را با جامعه جهانی در کانفرانس مسکو شریک ساختند بخاطر اهمیت محتوای بیانیۀ امارت اسلامی و جهت استفادۀ شما خوانندگان متن کامل بیانیه در خدمت شما تقدیم می شود.

بسم الله الرحمن الرحیم-- نحمده ونصلی علی الرسوله الکریم وعلی آله واصحابه اجمعین، أما بعد :
اولتر از همه، از تمام اشتراک کنندگان محترم سپاسگذارم که برای بحث و ابراز نظر در مورد حل مشکلات کشور عزیز ما افغانستان و افغان های مظلوم، این جا گردهم آمده اید. به ویژه از دولت فدراسیون روسیه تشکری می کنیم که برای برگزاری این نشست مهم در کشور خود زمینه سازی کرده است.
اکنون می خواهم معلومات و موقف امارت اسلامی را در رابطه به وضعیت کنونی کشور عزیز خود، با شما شریک بکنم.

عوامل دوام فاجعه ها و جنگهای چهار دههٔ گذشته در افغانستان :

کشور عزیز و مردم مسلمان و مجاهد ما از چهار دهه به این سو در شعله های آتش می سوزد، دارایی مادی و معنوی اش به غارت برده شده، جلو پیشرفت کشور گرفته شده، صدها هزار مردم بی خانمان شده اند، فقر و مسکنت مصیبت دیگری است که افغان ها در نتیجهء جنگها با آن دست و گریبان اند، عامل اساسی این همه ناگواری ها دخالت و یورش های خارجی ها است.
قابل یادآوری است که مردم مجاهد افغانستان در طول تاریخ در برابر هر متهاجم به دفاع مشروع خود پرداخته است، اکنون نیز مبارزۀ افغان ها از هفده سال به این سو به زعامت امارت اسلامی در برابر متهاجمان کنونی جریان دارد.
متاسفانه، هرگاه امریکا به بهانه های پوچ بر افغان های مظلوم یورش آورد و در نتیجه با از بین بردن یک نظام اسلامی، زندگی با صلح و امنیت افغان ها را نا آرام ساخت، کشور را اشغال کرد، صدها هزار افغان ها را شهید و صدها

هزار دیگر را بی خانمان کرد، خانه ها و روستاها را ویران ساخت، تعصبات قومی، نژادی، مذهبی ، سمتی و لسانی را درمیان مردم برانگیخت.
با از بین بردن ارزشهای اسلامی و ملی، زمینه را برای فساد های اخلاقی، اداری، اجتماعی و فکری هموار کرد. با استفاده از اسلحهء ممنوع کیمیایی نه تنها انسان ها بلکه با آلوده کردن محیط زیست، زندگی حیوانات را نیز با تهدید مواجه ساخت. زمین های حاصل خیز کشور را ویران و هوای صاف را کثیف کرد. کشور را یکبار دیگر به مرکز مواد مخدر تبدیل کرد، که در نتیجه بیش از ۱۰ در صد مردم به مواد مخدر معتاد شدند. در حالی که در زمان حاکمیت امارت اسلامی شمار معتادان افغان بیش از چند هزار نبود. نه تنها این، بلکه کشور را به مرکز سازمان های استخباراتی جهان تبدیل کرد، بی باوری و بی اعتمادی را درمیان مردم بیشتر ساخت. این تنها نمونه های چندی بود، وگرنه مشکلات و فاجعه های که در نتیجهء اشغال، بر کشور ما آمده است و مردم ما با آن دست و گریبان اند بسیار زیاد است.
حالا می آییم به اینکه چگونه مردم بی چارهٔ افغانستان را از این فاجعه نجات بدهیم.

صلح :

ضرورت صلح :

صلح اولین نیاز هر جامعه است، به ویژه مهم ترین خواستهء افغان های مظلوم است. بدون صلح، زندگی آرام و پیشرفت اقتصادی، تعلیمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی امکان ندارد، ملت ها و کشورها تنها در صورت صلح پیشرفت کرده اند، اما صلح تنها با گفته ها و شعارها نمی آید (چنانکه در یک و نیم دههء گذشته از آن به گونهء پروژه استفاده شده است) ، بلکه به ارادهٔ راسخ و عمل روشن نیاز دارد، هر جای که حق استقلال مردم غصب شود، ظاهر است که آن جا صلح از بین می رود و جای آن را جنگ و نزاع می گیرد.
جنگ بر امارت اسلامی و افغان ها تحمیل شده است، زیرا کشور شان اشغال شده و اشغالگران یک نظام مستقل اسلامی را از بین برده اند، بناءً از همه پیشتر باید عواملی از راه برداشته شود که سبب از بین رفتن صلح و دوام جنگ گردیده است.

گامهای مقدماتی برای صلح :

پیش ازینکه گفتگوهای صلح آغاز گردد، باید بعضی گامهای مقدماتی برداشته شود، که برای صلح ضروری است و بخشی از اعتمادسازی است، مثلا :

خاتمهٔ لیست سیاه :

پروسهء صلح و لیست سیاه دو مفهوم متضاد است که هر دو یکجا نمی شود، لازم است که این لیست بی اساس سیاه و لیست مراقبت که از آن برای منافع خود به حیث ابزار فشار استفاده می شود ختم گردد، تا نمایندگان امارت اسلامی بتوانند بدون کدام مشکل در گفتگوهای مربوط به صلح در جاهای مختلف سهم بگیرند.
این هم ضروری است که هر دو طرف در فضای آزاد که حق طبیعی شان است و بدون کدام نوع فشار، پروسهء صلح را به پیش ببرند. نه اینکه یکطرف در لیست سیاه باشد و طرف دیگر آزاد باشد، این گونه پروسهء یکطرفه نه پیش می رود و نه هم به هدف مطلوب می رسد.

رهایی زندانیان :

گرفتاری و به زندان انداختن مجاهدین و افغان های بی گناه عمل مخالف صلح است، امریکا و رژیم تحت الحمایه اش ده ها هزار افغان ها و مجاهدین را در زندان های مخفی و علنی خود انداخته اند و با آن ها به خلاف همه قوانین جنگی و بشری برخورد زشت و نادرست می کنند، چگونه شده می تواند که کسی از یک طرف شعار صلح بلند بکند و از طرف دیگر چنین تعامل نا درست و غیر قانونی داشته باشد ؟ این خود یک حایل در راستای صلح است. باید جانب مقابل برای آمدن و کم کردن فاصلهء صلح واقعی، مجاهدین امارت اسلامی و افغان های بی گناه را که به اتهام رابطه با مجاهدین در زندان ها انداخته شده اند، رها بکند.

ایجاد دفتر به شکل رسمی :

جای گفتگو و محل روابط به شکل دفتر، برای آوردن صلح لازم است. حالا یک آدرس علنی و رسمی امارت اسلامی به حیث محل گفتگو وجود ندارد، در حالی که این یک ضرورت ابتدایی است. باید بگوییم که مجالس منظم در مورد صلح تنها در موجودیت یک دفتر صورت می گیرد، بلکه دفتر برای این هم ضروری است که بیانیه های مطبوعاتی در مورد صلح بدهد، به پرسش های مردم به حیث یک جهت مسئول پاسخ بگوید و نگرانی های مردم و جامعهء جهانی را رفع بکند، همچنان برای حلقات ضد صلح بهانه ای نماند که آدرس رسمی امارت اسلامی معلوم نیست.

پایان تبلیغات زهرآگین علیه امارت اسلامی افغانستان:

برای همگان روشن است که تبلیغات گستردهٔ زهرآگین در برابر امارت اسلامی افغانستان به همکاری اشغالگران صورت می گیرد و تهمت های بی اساس به امارت اسلامی زده می شود. در حقیقت، این خود مانع پیشرفت پروسهء صلح است، بعضی حلقه های استخباراتی دست به کارهای مخربانه می زنند، مثلا : پل ها را ویران می کنند، بر شاگردان مکاتب تیزاب می پاشند، موترهای مردم ملکی را در کنار جاده ها انفجار می دهند، اختطاف ها و جنایات دیگری انجام می دهند، سپس ازین واقعات به حیث مواد خام برای تبلیغات بر ضد امارت اسلامی استفاده می کنند و

نتایج آن تحقیقات هم هیچگاه اعلان نمی شود که در پایان ثابت شده باشد که این جنایات کار مجاهدین نه، بلکه کار حلقات استخباراتی است. زیرا آن ها فکر می کنند که به این توطئه، امارت اسلامی افغانستان را از مردم و جهان منزوی می سازند. پس این تبلیغات زهرآگین و بی اساس باید برای صلح متوقف گردد، زیرا موج های این چنین تبلیغات زهراگین، حقیقت و صلح هر دو را قربانی می کند.

موانع در راستای صلح :

اشغال :

برای صلح واقعی باید به ارادۀ ملت افغانستان ارج گذاشته شود و اشغال پایان یابد، زیرا تاریخ ثابت کرده است که افغان ها هیچگاه به اشغال سر ننهاده اند، اشغال مادر فاجعه ها است، صلح افغانستان و خروج قوه های خارجی به یکدیگر پیوسته اند، زیرا خروج قوه های خارجی زمینهء صلح را مساعد می سازد، اما متاسفانه، تا اکنون در افغانستان از صلح به حیث یک ابزار کار گرفته شده و بر چشم مردم خاک پاشیده شده است.

ما می بینیم که امریکا و بعضی رفقای آن تلاش دارند بجای صلح واقعی، امارت اسلامی افغانستان را وادار به تسلیمی بسازند. آن ها فکر می کنند نخست باید امارت اسلامی را در عرصهء نظامی ضعیف ساخته، سپس از موقف قوی (پایین آورده) به صلح مجبور بسازند. اما این تنها خود فریبی است که هیچ ربطی با واقعیت های زمینی ندارد، مردم مجاهد افغانستان از امارت اسلامی به قاطعیت حمایت می کنند، اشغالگران و همکاران شان باید بپذیرند که هیچ نیروی متجاوز جهان نمی تواند نیروی مردمی را از بین ببرد، نه هم چنین مشکل توسط اعمال غیر مسئولانه و استراتژی های غیر واقع بینانه حل می شود، حرف واقعی اینست که صلح به ارادۀ راسخ و استراتژی که بر واقعیت ها استوار باشد نیاز دارد، استراتژی که پایان اشغال جزو مهم آن باشد.

نبودن نظام مستقل اسلامی :

برای صلح و ثبات افغانستان، باید بر ایجاد چنان نظام مستقل اسلامی توافق صورت بگیرد که برای افغان ها قابل قبول و ممثل ارزش های اسلامی و افغانی باشد. زیرا اسلام دین مردم افغانستان و ضامن ترقی اقتصادی، عدالت اجتماعی و وحدت ملی کشور است.

نبودن تضمین برای توافق های صلح :

پروسهء صلح به تضمین نیاز دارد، زیرا بدون آن، نمی توان ماده های توافق های صلح را به شکل واقعی عملی کرد. بناءً سازمان ملل، قدرت های بزرگ، اعضای کنفرانس اسلامی و کشورهای همکار و زمینه ساز، باید عملی شدن توافقات را تضمین بکنند.

قانون اساسی فعلی :

قانون اساسی ضرورت مبرم هر کشور است، زیرا بدون آن، کارهای پیشرفت کشور و ملت با مشکلات و بی نظمی ها مواجه می گردد. از راه قانون اساسی، حقوق شخصی، مدنی و سیاسی هر فرد افغانستان تنظیم می شود و چگونگی روابط دولت و ملت روشن می گردد. قانون اساسی توازن قوای سه گانهء دولتی را روشن می سازد، تشکیلات و اختیارات را مشخص می کند، در مجموع راه و روش سیاست داخلی و خارجی افغانستان را تعیین می کند.

قانون اساسی ادارۀ کنونی کابل قابل اعتبار نیست؛ زیرا از غرب کاپی شده است و بر جامعهء مسلمان افغانستان که زیر چتر اشغال قرار دارند تحمیل شده است، نه به خواسته های افغان ها جواب داده می تواند و نه هم عملی شده می تواند، زیرا مواد آن متضاد و مبهم است، از سوی خود مقامات بلند رتبهء ادارۀ کابل به گونهء پیهم نقض می شود، بلکه ایجاد ادارۀ کنونی کابل خودش بر خلاف قانون اساسی است، لهذا خود قانون اساسی کنونی به شکل فعلی یک مانع بزرگ در برابر صلح است.

بناءً امارت اسلامی افغانستان چنان قانون اساسی را برای پیشرفت کشور و زندگی آرام مردم ضروری می داند که بر اساس اصول دین مقدس اسلام، منافع ملی، افتخارات تاریخی و عدالت اجتماعی استوار باشد، به کرامت انسانی، ارزشهای ملی و حقوق بشری متعهد باشد و تمامیت ارضی کشور و همه حقوق هموطنان گرامی را متضمن باشد، مسودۀ این قانون اساسی باید در فضای آزاد استقلال از سوی علما و دانشمندان افغان ترتیب گردد.

ادامه دادن امریکا به پالیسی جنگی خود :

صلح و مذاکرات صلح حرف های است که همواره از سوی اشغالگران تکرار می شود، اما عملا هر بار به جای گفتگوها صد ها حملات زمینی و هوایی صورت می گیرد، پالیسی اخیر امریکا دلیل خوب و روشن این واقعیت است، امریکا به جای اینکه برای صلح گامهای عملی بردارد، به ارادۀ مردم افغانستان ارج بگذارد و اشغال را پایان بخشد، بالعکس عساکر اضافی به افغانستان روان کرد و اجازۀ هر گونه کشتار و شکنجهء بی حد و قید افغان ها را به آن ها داد، عملیات های شب هنگام را بر خانه های مردم از سر گرفت و بمباران ها را افزایش داد و در نتیجه، شمار تلفات ملکی به مراتب بالا رفت. امریکایی ها با ایجاد و عملی کردن پروژه های جدید، وضعیت افغانستان و منطقه را دیگر هم تیره ساختند، نگرانی ها و تشویش های کشورهای منطقه و جهان را بیشتر ساختند، این همه نشان می دهد که آن ها اراده ای برای صلح ندارند، بلکه منافع خود را در کشتار افغان ها و ویرانی این کشور می بینند، و متاسفانه این همه

به همکاری ادارهٔ کابل صورت می گیرد.
در حالی که امارت اسلامی افغانستان وقتا فوقتا بسیار به صراحت گفته است که با جنگ و جدل، زر و زور مشکل افغانستان حل نمی شود، یگانه راهی که مشکل را حل می کند پایان اشغال و اختیار دادن افغان ها برای تعیین سرنوشت خود است.
قابل یادآوری است که امارت اسلامی افغانستان قبلاً هم گفته و اکنون بار دیگر به تمام جهان به صراحت اعلان می کند که ما آماده هستیم به هدف پایان دادن اشغال کشور، با امریکایی ها برای گفتگوهای مستقیم بنشینیم، با آن ها در موضوعات مربوط بحث بکنیم و از آن ها بخواهیم که به جای جنگ و زورگویی به صدای عقل و منطق لبیک بگویند، دیگر از ویرانی کشور ما، کشتار هموطنان ما و فرزندان خودشان دست بگیرند، به ارادهٔ مردم افغانستان احترام قائل شوند و بگذارند که افغان ها سرنوشت خود را بدست خود تعیین بکنند.
امارت اسلامی افغانستان دروازهٔ تفاهم و مذاکرات را باز نگهداشته است. دفتر سیاسی امارت اسلامی برای رسیدن به حل مسالمت آمیز معضل افغانستان به حیث یگانه مرجع امارت اسلامی فعالیت می کند.

موقف امارت اسلامی افغانستان پیرامون بعضی موضوعات مهم:

آتش بس سه روزهء عید سعید فطر در سال جاری:
آتش بس سه روزهء امارت اسلامی به مناسبت عید سعید فطر سال گذشته، آشکار ساخت که در تمام افغانستان یگانه نیرو در مقابل اشغال به شکل امارت اسلامی وجود دارد و در خطوط نظامی و ملکی آن نظم کامل وجود دارد، مسئولان و مجاهدان امارت اسلامی تحت فرمان واحد قرار دارند و از اوامر بزرگان خود به جدیت اطاعت می کنند. موجودیت بیست گروه در کشور تنها تبلیغات بی بنیاد بود. همچنان، بر خلاف ادعای دشمنان صلح، این هم ثابت گردید که جنگ کنونی بین الافغانی نه، بلکه مقاومت مسلحانهء افغان ها در مقابل اشغال است. افغان ها در میان خود مشکل ندارند. اشغال خارجی ها مشکل اصلی است. تا هنگامی که عساکر خارجی در افغانستان حضور داشته باشد، این جنگ ادامه می یابد. به همین سبب، خروج عساکر خارجی بخاطر تأمین صلح در افغانستان ناگزیر است.

عدم مداخله در امور داخلی سایر کشور ها :

امارت اسلامی افغانستان به هدف استقلال کشور خودف تلاش های مشروع می کند و این حق طبیعی و انسانی مردم مسلمان افغانستان است. خواستن استقلال کشور و برپا ساختن نظام اسلامی طبق عقیدهء مردم کشور، در هیچ قانون دهشت افگنی خوانده نمی شود.
می خواهیم بگوئیم که ما اجندای اعمال مخربانه در کشورهای دیگر نداریم. در هفده سال گذشته ما این را عملا ثابت ساخته ایم که هیچگونه مداخله در امور کشورهای دیگر نکرده ایم. به همین گونه، کسی دیگری را هم اجازه نمی دهیم از خاک افغانستان بشمول همسایه ها در مقابل کشورهای دیگر استفاده بکند. ترجیح ما اینست که مشکل افغانستان را از راه های مسالمت آمیز حل بکنیم. امریکا باید به اشغال خاتمه دهد و به حقوق مشروع مردم افغانستان به شمول ایجاد دولتی موافق با عقاید شان، ارج بگذارد. بعد از استقلال، ما می خواهیم بشمول همسایه ها با تمام کشورهای جهان روابط مثبت و تعمیری داشته باشیم و از کمکهای آنان برای بازسازی و پیشرفت کشور استقبال می کنیم. همچنان می خواهیم برای ثبات و صلح در منطقه و جهان نقش نقش سازنده ای داشته باشیم.

جلوگیری از قاچاق و کشت مواد مخدر :

در زمان حاکمیت علنی امارت اسلامی کشت کوکنار به صفر پایین آمده بود و شرح معتادان هیروبین درمیان افغان ها برابر با نیست شده بود. اما پس از تجاوز امریکا بر افغانستان، مساحت اراضی که در آن کوکنار کاشت می گردد به ۳۲۸ هزار هکتار رسیده است و زیر چتر اشغال ۱۷ ساله، اکنون شمار معتادان در افغانستان از ۳ ملیون نفر بالا رفته است.
به اساس راپور دفتر سازمان ملل برای مبارزه با مواد مخدر، تولید مواد مخدر در افغانستان در سال ۲۰۱۷ میلادی به ۸۷ ٪ و کشت آن ٪۶۳ بالا رفته است و پیمانهء تولید مواد مخدر به ۹۰۰۰ میترک تن رسیده است. جلوگیری از کاشت کوکنار و قاچاق مواد مخدر پالیسی امارت اسلامی است. اگر جنگ در افغانستان خاتمه می یابد، امارت اسلامی افغانستان مصمم است که کاشت و قاچاق مواد مخدر را در تمام کشور به صفر می رساند و در این بخش آمادهٔ همکاری و هماهنگی با کشورهای همسایه و سازمان های جهانی هست.

جلوگیری از تلفات ملکی :

ما می بینیم که گراف تلفات ملکی در اثر جنگ تحمیلی کنونی در افغانستان درین اواخر رو به افزایش است. این حال زار مردم ما، نه تنها ما بلکه هر افغان با احساس را اذیت می کند. مردم افغانستان تن و پیکر ما هستند و تلف شدن آن ها زیان به پیکر خود ما است.
حتی زعیم ما عالیقدر امیر المومنین شیخ هبةُ الله اخندزاده حفظه الله در پیام های عیدی خود مجاهدین را رهنمایی جدی کرده است که هر جا احتمال تلفات ملکی باشد آن جا انجام دادن عملیات خودداری شود. علاوه بر این، امارت اسلامی در تشکیلات خود ادارهء مستقلی را به نام

کمیسیون جلوگیری از تلفات ملکی تأسیس کرده است. نماینده های ولایتی این اداره حوادث را از نزدیک به دقت بررسی می کند. این اداره در جریان سال، چند بار راپورهای مؤثق خود را پیرامون تلفات ملکی به نشر می سپارد. امارت اسلامی بارها عملیات های خود را به سبب اینکه احتمال تلفات ملکی وجود داشت به تعویق انداخته است. اما امریکایی ها و دوستان شان شب هنگام بر خانه های مردم ملکی چاپه می زنند، کورکورانه بمباران می کنند و از سلاح های سنگین در ساحات ملکی استفاده می کنند و حتی مردم را بر اساس اشتباه گرفتار می کنند و سپس زیر تعذیب و شکنجه به قتل می رسانند.

اکنون با پالیسی جدید امریکا، بمباران و عملیات های شبانه به مراتب افزایش یافته است و گراف تلفات ملکی نیز همراه با آن بالا رفته است. اما بسیاری از رسانه ها چنین خبرها را نشر نمی کنند و فاجعه های زیادی ثبت ناشده باقی می ماند. بعضی رسانه ها و جهت ها تلاش می کنند عاملان اصلی تلفات ملکی را پنهان کنند و این کار، آن ها را جرأت بیشتر می بخشد تا به جنایات خود ادامه دهند.

اداره‌ء ویژه‌ء بازرسی امریکا برای افغانستان یا «سیگار» می گوید که از بررسی های خود دریافته است که بمباران های نیروهای امریکایی در سال جاری میلادی به گونه‌ء بی سابقه افزایش یافته است و تنها در سه ماه اول این سال، دوازده صد بمب پرتاب شده است.

به تاریخ ۲ ماه اپریل سال ۲۰۱۸ میلادی، در نتیجه‌ء یک حمله بی رحمانه‌ء هوایی بر یک مدرسه‌ء دینی در ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز ۱۰۰ تن حافظان نوجوان قرآن شهید و صد تن دیگر زخمی شدند. این یک نمونه ای از این چنین رویدادهای مرگبار است. وگرنه در هفده سال گذشته صدها چنین فاجعه های رخ داده است و خانه های مردم و یا هم مراکز تعلیمی هدف قرار گرفته است.

امارت اسلامی جهت جلوگیری از تلفات ملکی، این گامهای عملی را برداشته و می بردارد :

۱: به هدف جلوگیری از تلفات ملکی، مجاهدین از طرف علما به شکل منظم رهنمایی می شوند و درین راستا سیمینارهای پیهم دائر می گردد.

۲: به خطوط مجاهدین وقتا فوقتا هیئت ها فرستاده می شوند تا رویدادهای تلفات ملکی را بررسی کنند و مرتکبین را محاکمه کنند.

این را هم باید گفت که امارت اسلامی ایجاد و نگهداری تأسیسات عام المنفعه را یک ضرورت مبرم برای کشور و زندگی آسوده‌ء هموطنان خود می داند. امارت اسلامی پل ها، تونل ها، بندهای آب، دستگاه های برق، مراکز انتقال برق، استخراج کان ها و مراکز تصفیوی نفت، ادارات تعلیمی، مدارس، مساجد، مکاتب، پوهنتون ها، مراکز صحی، کلینک ها، شفاخانه ها و اماکن دیگر عام المنفعه را بیت المال و سرمایه‌ء مشترک ملت می داند و نگهداری آن ها را وجیبه‌ء خود می داند. ما تعلیمات دینی و عصری را برای کامیابی افغان ها و جامعه‌ء افغانی ضروری می پنداریم.

کمك های بشری :

امارت اسلامی افغانستان اگر از یکطرف مشغول مبارزه برای آزادی کشور است، از طرف دیگر برای امنیت، مصئونیت و رفاه هموطنان گرامی در ساحات زیر کنترول خود گام های جدی برداشته است.

با توجه به وضعیت فعلی، افغان ها نسبت به هر زمان بیشتر به کمک های بشری ضرورت دارند. امارت اسلامی برای رسانیدن کمک های بشری، نه تنها خود را به تامین امنیت کشورهای بشر دوست، ادارات سازمان ملل، مؤسسات جهانی، تجاران ملی و دیگر نهادهای بشری متعهد می داند، بلکه بر آنان صدا می کند که کمک های شان را از روی همدردی بشری به مردم مستحق ساحات امارت اسلامی افغانستان برسانند.

امارت اسلامی افغانستان زمینه‌ء خدمات بشری را در ساحات زیر کنترول خود برای آنان مساعد ساخته است، بهترین شاهد این واقعیت اینست که زعیم محترم امارت اسلامی افغانستان سال گذشته در پیام عیدی خود بر مؤسسات صدا کرد که به ساحات زیر کنترول امارت اسلامی بیائید، ما امنیت تان را تضمین می کنیم.

حقوق زنان :

امارت اسلامی زن را معمار جامعه‌ء مسلمان می داند و به همه آن حقوق زنان قائل است که دین مقدس اسلام لطف کرده است.

اسلام همه حقوق اساسی، مثلا : تجارت، ملکیت، میراث، تعلیم، کار، انتخاب شوهر، امنیت، صحت و حق زندگی خوب را برای زنان داده است. همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم در آخرین لحظات زندگی خود توصیه به برخورد شایسته با زنان کرده است. این همه مواردی است که زنان را از رسوم و رواج های وحشتناک زمان جاهلیت نجات داد و به مراتب عالی معرفت، اخلاق و عزت رسانید.

شکی نیست که به اثر اشغال کشور، مشکلات زیادی در برابر حقوق زنان وجود دارد و زنان با مشکلات زیادی دست و گریبان اند، مدعیان حقوق زنان ۱۷ سال را در افغانستان سپری کردند، ملیاردها دالر در این مدت به افغانستان آمد، اما اکنون هم افغانستان در سطح جهان اولین کشوریست که به سبب نبود مراکز صحی، زنان زیادی در اثنای زایمان می میرند. اکنون هم در اثر استعمال بمب های کیمیایی، بیشتر از هر جا کودکان ناسالم و معیوب در کشور ما به دنیا می آیند.

اکنون هم افغانستان اولین کشور جهان است که اوسط عمر زنان درین کشور تنها ۴۵ سال است، کشور ما از کشورهای انگشت شمار جهان است که بیش از یک ملیون زنان بیوه دارد، پول و کمکهای که به نام زنان آمد دوباره به شکل فساد اداری به کیسه های مدعیان حقوق زنان رفت.
تحت عنوان حقوق زنان، تنها برای ترویج فحشا، بی حیایی و کلتور غیر اسلامی تلاش شده، پخش سریال های غربی، غیر اسلامی و غیر افغانی، زمینه سازی برای جرایم اخلاقی و تشویق کردن زنان به پامالی عنعنات افغانی، مواردی است که با استفاده از شعارهای حقوق زنان بر جامعهء افغانی تحمیل شده است.
امارت اسلامی از ابتدا پالیسی جامع و واضح پیرامون حقوق زنان داشته است. اسلام و افغانیت چون دو ارزش بزرگ ملت مجاهد افغانستان است، بناءً امارت اسلامی در چوکات اسلام و افغانیت خود را به همه حقوق زنان متعهد می داند. خط مشی امارت اسلامی اینست که حقوق زنان طوری مصئون گردد که نه حقوق مشروع آنان پامال شود و نه هم کرامت انسانی و ارزش های اسلامی و افغانی شان با خطر مواجه شود. نیز امارت اسلامی متعهد است همه آن رسوم و رواجهای را که حقوق زنان را سلب می کند و با مقررات اسلامی مطابقت ندارد، از بین ببرد و ماحول مصئون برای زنان آماده بکند.

صحت :

امارت اسلامی افغانستان یک کمیسیون مستقل برای صحت دارد که در سراسر کشور فعال است، این کمیسیون در هر ولایت و ولسوالی از خود نماینده دارد تا از یکسو امور داخلی صحی امارت را به پیش ببرد و از سوی دیگر با نهادها و مؤسسات صحی همکاری بکند و امنیت آن ها را تامین بکند.
امارت اسلامی همواره در دیدارهای رو به رو و همچنان از راه مطبوعات به جهانیان پیام داده است که کارمندان صحی را بی طرف می داند، زخمیان ملکی و نظامی هر دو طرف باید بدون کدام امتیاز به شفاخانه رسانیده و تداوی شوند، امارت اسلامی درین رابطه با مؤسسات بین المللی صحی همچون صلیب سرخ، ایمرجنسی و داکتران بی سرحد تفاهم دارد. امارت اسلامی همواره از ادارات کمک های بشری و نهادهای حقوق بشر خواسته است که ادارهٔ کابل و نیروهای اشغالگر را به این آماده بکنند که با زخمیان و اسیران همچون امارت اسلامی تعامل داشته باشد.
امارت اسلامی به حد توان تلاش کرده است که در مناطق خود شفاخانه ها و کلینک ها بسازد و پرسونل صحی تربیه و آماده بکند. اما متاسفانه، اشغالگران مراکز صحی را هدف مشروع می دانند و همواره بمباران می کنند. شفاخانه های ما چند بار چاپه زده شده، بمباران شده و حتی شفاخانه ها و کلینک های مؤسسات که در مناطق ما فعالیت دارند بمباران شده است. بمباران شفاخانهء داکتران بی سرحد در قندوز و چاپه بر شفاخانهء ولایت میدان وردک، مثال های روشن این واقعیت است.
امارت اسلامی بارها در مورد مصئونیت پرسونل های صحی و تعلیمی همه جوانب، اعلامیه نشر کرده و به مجاهدین توصیه کرده است که نه تنها ایشان را هدف قرار ندهند بلکه امنیت شان را تامین بکنند، تا وظایف خود را به خوبی انجام بدهند. اما متاسفانه، اشغالگران شفاخانه های ما را هدف قرار می دهند، امبولانس های ما را نشانه گرفته اند، زخمیان ما را از امبولانس های مؤسسات دیگر پایین کرده اند، زخمیان زیر تداوی ما را بندی کرده اند و رفقای زندانی ما را شکنجه های گوناگون می کنند، اما کمی هم تداوی نمی کنند.
امارت اسلامی با استفاده ازین فرصت یکبار دیگر اصرار می کند که امارت اسلامی خود را به همه حقوق هموطنان خود در عرصهء صحی همواره متعهد می داند و تا حد توان می کوشد که خدمات صحی را به شکل بهتر به آن ها برساند. همچنان بر ادارات حقوق بشر صدا می کند که اشغالگران و ادارهٔ کابل را مجبور بسازند که با ارجگزاری به حقوق بشر، شفاخانه های زیر کنترول امارت اسلامی را هدف قرار ندهند و از مؤسسات خارجی امیدوار است که افغان ها را به یک نگاه ببینند و خدمات خود را به همگان برسانند، بلکه به مناطق زیر کنترول امارت اسلامی توجه ویژه ای داشته باشند، زیرا ضرورت مردم روستایی نسبت به مناطق شهری بیشتر می باشد.
امارت اسلامی با سازمان ملل متحد، سازمان جهانی صحت و دیگر مؤسسه های صحی همکاری کامل دارد و همکاری های امارت اسلامی این زمینه را به آن ها مساعد ساخته است که کارهای خود را در همه بخشهای کشور به خوبی پیش ببرند. درین سلسله، پروگرام های پولیو (فلج اطفال) و دیگر واکسین های که از سوی مؤسسات صحی به همکاری مستقیم امارت اسلامی در بخش های زیادی افغانستان اجرا می شود، قابل یادآوری است.
امارت اسلامی افغانستان بار دیگر از همکاری های خود به همه مؤسسات و ادارات صحی اطمینان کامل می دهد.
در اخیر، از همه اشتراک کنندگان سپاسگذارم که نظر و موقف ما را پیرامون فاجعهء کنونی افغانستان به توجه شنیدند، سپاس.
پایان.

۱/۳/۱۴۴۰هـ ق

۱۸/۸/۱۳۹۷هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۱/۹م

جمال خاشقچی کیست و چرا خبرساز شد؟

حبیبی سمنگانی

جمال خاشقچی، ژورنالیست و نویسندهٔ ۵۹ سالهء عربستان سعودی به تاریخ ۲ اکتوبر ۲۰۱۸م پس از مراجعه به قونصلگری عربستان سعودی در شهر استانبول (ترکیه) ناپدید شد. دولت شاهی عربستان پس از ۱۸ روز - ۲۰ اکتوبر - در اثر فشارهای پیهم جهانی، رسماً پذیرفت که خاشقچی در همان روز اول پس از مشاجرهٔ لفظی و در اثنای درگیری فزیکی یا لت و کوب از سوی چند تن شهروندان عربستان (که به هدف قتل و یا گرفتاری وی در یک طیارهٔ ویژه به استانبول رفته بودند) کشته شد. جسد خاشقچی تا اثنای نوشتن این مقاله (۳۱ اکتوبر) یافته نشده است، اما گفته می شود که پیکر مردهٔ خاشچقی بیش بها ترین لاش این قرن خواهد بود. زیرا نقش کلیدی در سیاست هَای آیندهٔ منطقه و جهان خواهد داشت.

خانوادهٔ خاشقچی:

جمال خاشقچی متولد ۱۹۵۸م، نسلا ترک بود. پدر کلان وی «محمد خاشقچی» در اواخر خلافت عثمانی به عربستان که هنوز از ولایت های خلافت عثمانی بود آمد و با یک خانم عرب ازدواج کرد، سپس طبیب شاهی نخستین بادشاه عربستان سعودی «عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود» مقرر شد. خانوادهٔ خاشقچی از خانواده های است که بیشتر اعضای آن شهرت جهانی دارند و تقریبا همه افراد این خانواده (اعم از زن و مرد) در دانشگاه های غرب آموزش دیده اند، لبرال و مادرن هستند و در عرصه های مختلف جامعهء غربی نام و نشان دارند. عدنان خاشخچی (کاکای جمال خاشجقی) که سال گذشته به سن ۸۲ سالگی در لندن درگذشت در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی ثروت مند ترین نفر جهان بود و سرمایه اش ۴ ملیارد دالر تخمین زده می شد. او تجار و دلال جهانی اسلحه بود و رابطهء وی با سازمان استخباراتی امریکا «سی آی ای» پس از یک توطئهء ناکام علیه نظام کنونی ایران در رسانه ها درز کرد.

زندگی حرفه ای:

جمال خاشقچی زندگی حرفه ای خود را به حیث خبرنگار آغاز کرد، در جنگ خلیج (۱۹۹۱-۱۹۹۰م) و جهاد افغانستان بر ضد شوروی به حیث خبرنگار خارجی به کشورهای مختلف به ویژه به افغانستان سفر کرد و راپور اوضاع جنگی را به روزنامه های عربستان روان می کرد، در افغانستان با شیخ اسامه (رحمه الله) آشنا شد، مصاحبهء شیخ اسامه (رحمه الله) در اواخر دههء ۸۰ میلادی، سبب شهرت و اعتبار وی شد. بعدا با شیخ اسامه (رحمه الله) رابطهء دوستانه پیدا کرد، وی حامی نقش جهادی شیخ اسامه (رحمه الله) در جهاد بر ضد شوروی بود. اما پس از جهاد شوروی، زمانی که شیخ اسامه (رحمه الله) در کشور سودان قرار داشت. خاشقچی به سودان رفت و تلاش کرد شیخ اسامه (رحمه الله) را از جنگ بر علیه امریکا (و یا به اصطلاح، از جنگ تروریستی) منحرف بسازد، اما موفق نشد. نیز خاشقچی با استفاده از روابط دو جانبه، سعی کرد خانوادهٔ شاهی عربستان و شیخ اسامه (رح) با هم نزدیک بیاورد، اما در این کار هم موفق نشد.

اگر به گذشتهء ژورنالستی خاشقچی نگاه بکنیم، وی در سال ۱۹۹۱م مدیر روزنامهء المدینه (چاپ جده) مقرر شد، در سال ۱۹۹۹م به حیث مدیر مسئول روزنامهء انگلیسی «عرب نیوز» انتخاب شد. از ماه مارچ تا می ۲۰۰۳م مدیر مسئول روزنامهء الوطن (چاپ عربستان سعودی) بود، اما در کمتر از دو ماه به دلیل اجازهٔ نشر یک مقالهء نقدی بر «ابن تیمیه» از سوی وزارت اطلاعات عربستان سعودی از وظیفه اش برکنار شد. وی در ماه اپریل ۲۰۰۷م بار دوم به حیث سر دبیر روزنامهء الوطن مقرر شد، اما سه سال پس به دلیل نشر مقالهء ابراهیم المائی که شامل نقدهای بر باورهای سلفیت بود، وظیفه اش را از دست داد. خاشقچی در سال ۲۰۱۵م یک کانال بزرگ تلویزیونی را به نام «العرب» با پشتیبانی مالی سرمایه دار جهانی ولید بن طلال

و با شراکت نشریهء تجارتی امریکایی «تلویزیون بلومبرگ» آغاز کرد، اما این کانال در ظرف کمتر از ۱۱ ساعت از سوی کشور بحرین بند شد. وی در میان سال های ۲۰۱۲ – ۲۰۱۶م در کانال های مختلف عربی و جهانی به حیث اگاه مسایل سیاسی شرکت می کرد و مطالب تحلیلی وی در کانال خبری العربیه نیز به شکل منظم نشر می شد.

خاشقچی و خانوادهٔ شاهی عربستان :

جمال خاشقچی در دوران شاه عبدالله با خانوادهٔ شاهی سعودی روابط تنگاتنگ استوار کرد، به ویژه به «ترکی الفیصل» نزدیک شد. ترکی الفیصل مدت ۲۳ سال – ۱۹۷۹ الی ۲۰۰۱م – مدیر کل ریاست استخبارات عمومی عربستان بود، سپس از سال ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۵م به حیث سفیر در دادگاه سینت جیمز در لندن و ایرلند و از سال ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۷م به حیث سفیر عربستان سعودی در امریکا وظیفه انجام داد، جمال خاشقچی به حیث مشاور یا معاون رسانه ای ترکی الفیصل در لندن و واشنگتن کار می کرد. خاشقچی با ولید بن طلال نیز روابط دوستانه داشت. گفته می شود که خاشقچی از رازهای درون خانهء خانوادهٔ شاهی به خوبی خبر داشت و حتی در توطئهء ناکام علیه محمد بن سلمان (ولیعهد کنونی عربستان) با بعضی از اعضای خانوادهٔ شاهی در تماس بود.

تیرگی رابطهء خاشچقی با محمد بن سلمان :

روابط خانوادهٔ شاهی عربستان سعودی و جمال خاشقچی ظاهراً از ماه دسمبر ۲۰۱۶م رو به تشنج شد، جمال خاشقچی در طی یک نشست در واشینگتن، پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری و سیاست وی در مورد خاور میانه را آماج نقد قرار داد. گفته می شود که عربستان سعودی او را فی الفور از نوشتن و حضور در رسانه ها ممانعت کرد. زیرا خانوادهٔ شاهی به هیچ صورت نمی خواست شخصیت های نزدیک به دولت سعودی، بر ترامپ انتقاد بکند. زیرا تازه ترامپ برنده شده بود و عربستان سعودی تلاش داشت ترامپ را (برای اینکه پالیسی های خود را به سود عربستان ترتیب بدهد) خوشحال نگهدارد.

خاشقچی از مخالفان جنگ یمن نیز بود، وی عملکرد عربستان سعودی در یمن را نا مناسب می خواند و نقش ایران و حوثی ها را نیز مشکل افزا می دانست، از دیدگاه وی باید امریکا یمن را در کنترول خود بگیرد و قدرت را به لبرال های آن کشور بسپارد، وی این دیدگاه خود را در طی سخنرانی اش در اتاق فکری مؤسسهء امریکایی این آی ایف (NIF) به صراحت تشریح می کند. می توانید این ویدیوی سخنرانی وی را از آدرس مؤسسهء مذکور در یوتیوب پیدا بکنید.

خاشقچی در امریکا :

جمال خاشقچی، از ماه جون ۲۰۱۷م در ایالت ویرجینیای ایالات متحدهٔ امریکا زندگی می کرد و از ماه سپتمبر آن سال در روزنامهء واشنگتن پوست به شکل ماهوار مقاله می نوشت، مقاله های وی به زبان عربی نیز ترجمه و نشر می شد و درین اواخر بعضی از یاد داشت های او در هفته نامهء آلمانی «اشپیگل» و روزنامهء بریتانیای «فایننشیال تایمز» نیز منتشر شده بود. خاشقچی سرشناس ترین تحلیلگر مسائل جهان عرب در شکبه های مهم تلویزیونی در بریتانیا و امریکا بود.

جنگ باهمی دو لبرال ؟

تیرگی رابطهء خاشقچی با ابن سلمان برای بسیاری ها تعجب آور است، زیرا چنانکه خاشقچی به یک چهرهٔ لبرال مبدل شده بود (قابل ذکر است که خاشقچی در ابتدا به تنظیم اخوان المسلمین وابسته بود، دران زمان دولت شاهی عربستان با اخوان المسلمین رابطهء خوبی داشت)، ابن سلمان نیز حد اقل در معاملات داخلی کشور از خود چهرهٔ لبرال (و تقریبا سیکولار) نشان داده است. پس آیا این بهترین زمینه برای خاشقچی نبود که دوشادوش ابن سلمان برای غیر مذهبی ساختن دولت شاهی سعودی کار می کرد و – العیاذبالله – برای ریشه کن ساختن ارزشهای اسلامی کمر می بست ؟

واقعیت اینست که وی از سیاست دین ستیزانه و (به اصطلاح) اصلاح طلبانهء ابن سلمان خوشحال بود، اما از برخورد خودخواهانه و انحصار گرایانهء وی شاکی بود، به ویژه گرفتاری ولید بن طلال و پسران شاه عبدالله شاید خاشقچی را تکان داد. همان بود که آل و عیال خود را در عربستان سعودی ترک نموده، تنها با دو صندوق (جامه دانی) به امریکا رفت و از آنجا ابن سلمان را به شدت هدف نشتر قلم و زبان خود قرار داد. خاشقچی در ماه نومبر ۲۰۱۷م به بی بی سی گفت : در مورد کشور، فرزندان و نواسه های خود نگران هستم، حاکمیت یکنفری در هر کشوری که باشد بد است. در ماه فبروری ۲۰۱۸م در مقاله اش در واشنگتن پوست نوشت : باید (محمد بن سلمان) از خانهء سلطنتی بریتانیا یاد بگیرد که با افتادگی کمی خود، احترام و موفقیت زیادی را کسب کرده است، اگر محمد بن سلمان بتواند منتقدانش را گوش کند و اذعان کند که آن ها نیز کشور خود را دوست دارند، در واقع می تواند قدرتش را افزایش دهد.

آمدن خاشقچی به ترکیه و کشته شدن وی :

خاشچقی پلان داشت با نامزاد ۳۶ سالهء ترکی اش «خدیجه چنگیز» ازدواج بکند، خدیجه مشغول دکتورا در یکی از دانشگاه ها بود، خاشقچی به تازگی یک اپارتمان

در استنبول خریده بود، وی به قونسلگری عربستان سعودی در استانبول مراجعه کرده بود تا اسناد قانونی خود را برای ازدواج با نامزاد خود تکمیل بکند. کامره های مخفی داخل شدن وی به قونسلگری را ثبت کرده بود، اما کامره ها نشان می داد که خاشقچی از قونسلگری هرگز بیرون نشده است. دولت ترکیه از همان اول موقف گرفت که خاشقچی توسط شماری از شهروندان عربستان سعودی (که به طور خاص از عربستان آمده بودند) به قتل رسیده است، اما دولت شاهی سعودی این موقف را در ابتدا به شدت رد کرد و ادعا کرد که خاشقچی پس از تکمیل کارهایش از قونسلگری خارج شده است.

موقف های ضعیف و متضاد دولت سعودی :

به تاریخ ۱۱ اکتوبر، شهزاده خالد بن سلمان، سفیر عربستان در امریکا (و برادر محمد بن سلمان) اتهامات وارده بر عربستان را به قاطعیت رد کرد و تبلیغات تاسف آور خواند. این مقام سعودی هنوز هم اصرار داشت که خاشقچی از قونسلگری رفته بود. به تاریخ ۱۳ اکتوبر، عبدالعزیز بن سعود، وزیر داخلهء عربستان بازهم از دست داشتن دولت سعودی در قضیهء خاشقچی انکار داشت. البته، پذیرفت که خاشچقی ناپدید شده است. دو روز پس، عربستان سعودی بار دیگر از کشته شدن خاشقچی در قونصلگری عربستان انکار کرد و هشدار داد که اگر بر ضد عربستان سعودی تصمیم گرفته شد، عربستان واکنش بزرگی نشان خواهد داد.

به تاریخ ۲۰ اکتوبر، عربستان سعودی برای اولین بار اعتراف کرد که خاشقچی در قونسلگری و از سوی اتباع سعودی کشته شده است. یکروز پس تر عادل الجبیر، وزیر خارجهء عربستان این واقعه را یک اشتباه بزرگ خواند. عربستان سعودی با برکناری چندین مقام ارشد دولت (به ویژه جنرال احمد عسیری و سعود القحطانی) و گرفتاری ۱۸ تن تلاش کرد جدیت خود را در رابطه به حل جنجال قتل خاشقچی نشان بدهد، اما نتوانسته است قناعت جهان را فراهم بکند، آگاهان به این باور اند که پروسهء قتل خاشقچی امکان ندارد که بدون هدایت و یا اجازۀ محمد بن سلمان صورت گرفته باشد، لهذا هدف از تلاش های عربستان، برائت دادن ولیعهد جوانسال دولت سعودی است. انتشار عکس ملاقات محمد بن سلمان با صلاح خاشقچی، پسر جمال خاشقچی پیامی بود برای رقبای ولیعهد، که گویا مشکل زیادی وجود ندارد. اما صالح خاشقچی به مداخلهء امریکا اجازه یافت که به امریکا سفر بکند، وی حالا در امریکا است و هنوز در مورد قتل پدرش لب نگشوده است، گویا امریکا مهره ای مهمی را در دست خود گرفته است و هنوز مشخص نیست که ازان چگونه استفاده می کند.

نقش امریکا هم زیر سوال است :

امریکا نیز تا هنوز نتوانسته است از نقش خود در مورد این واقعه، جهان را مطمئن بسازد. حتی خدیجه چنگیز، نامزاد خاشقچی (به تاریخ ۳۰ اکتوبر) در گفتگو با رسانه ها از عملکرد ترامپ ابراز نا امیدی کرد و گفت : ترامپ نباید منافع تجاری امریکا را در برابر تحقق واقعیت حائل بکند. قابل ذکر است که ترامپ به تاریخ ۱۳ اکتوبر گفته بود : (اگر مبادا عربستان سعودی در قتل خاشقچی دست هم داشت) نمی خواهم پیمان های تجارتی را از دست بدهم. ترامپ به تاریخ ۱۵ اکتوبر در جریان صجبت تلفونی با ملک سلمان گفته بود که ممکن در ناپدید شدن خاشقچی بعضی از قاتلان خودسر داشته باشند. یکروز پس تر، هشدار داده بود که باید عربستان سعودی عجالتاً متهم نشود. وی اگر چه در بعضی موارد در برابرِ عربستان سعودی لحن تندی هم داشته است، اما عملاً گامی نبرداشته است، گفته می شود که معامله ای پس پرده جریان دارد.

شماری از آگاهان به این نظر اند که این قضیه در حقیقت بهانه ای بزرگی است برای دولت امریکا، امریکا چنانکه به بهانه ای واقعهء ۱۱ سبتمبر تا امروز از عربستان باج می گیرد، بعید نیست که ازین قضیه نیز برای باج گیری استفاده بکند و نفوذ خود را بر سیاست و پالیسی های دولت شاهی عربستان بیفزاید.

نقش اندیشمندانهء ترکیه :

نقش ترکیه در قضیهء قتل خاشقچی تا هنوز تحسین شده است، از نگاه آگاهان، ترکیه آنچه تا هنوز از طریق رسانه ها و یا به گونهء مستقیم افشا کرده است، بخش کمی از اسناد و شواهدی است که در دست دارد، ترکیه می خواهد به تدریج پیش برود و فشارها را بر عربستان سعودی بیفزاید، گفته می شود که هدف اصلی ترکیه استعفا و یا برکناری محمد بن سلمان است، ترکیه تلاش دارد بدون اینکه با دولت عربستان درگیر شود و یا قضیه را به دادگاه جهانی ببرد، عربستان را قناعت بدهد که ولیعهد کنونی از کرسی قدرت کنار برود. ترکیه نمی خواهد جهان مشغول تماشای درگیری دو کشور اسلامی شود و کف بزند. البته، محمد بن سلمان تلاش دارد به نوعی (و به همکاری بعضی از کشورهای دیگر عربی) ازین مشکل بیرون آید و نیروی خود را از سر نو منسجم بکند. آگاهان به این باور اند که اگر محمد بن سلمان به این کار موفق شد، سیاست زورگویی اش را دیگر هم شدت خواهد بخشید و در برابر بعضی از کشورها از سر نو صف خواهد بست.



دا گز دا میدان!

(تاملی بر انتخابات افتضاح آمیز پارلمانی)

محمود احمد نوید

«دا گز دا میدان» جملۀ پشتو که ترجمه اش به فارسی به معنی این گز و این میدان می شود؛ در حقیقت این یک ضرب المثل است که اشاره به فراهم شدن فرصت برای تبارز و نشان دادن دو گروه (مبنی بر نشان دادن برتری شان) در یک میدان به کار برده می شود که البته این جمله اغلب از طرف شخص پیروز به طرف مقابل گفته می شود که بیا و خود را در میدان نشان بده، این در واقع همان جملۀ بود که اشرفغنی رئیس ادارۀ کابل با خوشحالی تمام بعد از ختم دورۀ رای گیری در انتخابات افتضاح آمیز پارلمانی (روز شنبه ۲۸ میزان ۱۳۹۷ هش) به کار برد که گویا وی و یا به اصطلاح ادارۀ کابل در تامین امنیت انتخابات خوش درخشیده و با شفافیت و اطمینان انتخابات نمایشی را توانسته برگزار نماید؛ اما حقیقت بدون تردید آن چیزی نبود که اشرفغنی با آب و تاب درافشانی کرد بلکه حقیقت حال چیز دیگری بود که دست به مراتب بالاتر طالبان را بر ادارۀ کابل واضح ساخت که بطور خلاصه می توان در توضیح این مبحث به موارد مهم ذیل اشاره کرد:

الف - برهم زدن مقتدرانۀ امنیت انتخابات نمایشی توسط طالبان:

برای هر پروژۀ نمایشی که امریکایی ها در افغانستان خواسته باشند پیاده کنند و ادارۀ کابل موظف به اجرای آن گردد از هر چیز مهم تر تامین امنیت آن پروژه است؛ از آنجا که طالبان پیش از انتخابات بارها هشدار داده و تاکید کرده بودند که مانع فیزیکی در برابر پروژۀ نمایشی انتخابات خواهند شد در روز انتخابات با راه اندازی نزدیک به ۵۰۰ عملیات در نقاط مختلف کشور توانایی خود را نشان دادند و باعث ایجاد دردسرهای بزرگ برای امنیت انتخابات گردیدند آن هم در حالیکه رژیم کابل ۷۰ هزار نیروی نظامی را موظف به تامین امنیت کرده بود؛ اما

در نتیجه این رژیم کابل بود که ناکام گردیده و جز در مراکز محدود شهرها در اکثر نقاط کشور انتخابات برگزار نشده یا اگر هم شد با صد ترس و لرزه همراه بود و حتی در کابل پایتخت به باور و اعتراف خود رژیم، امنیت درست اتخاذ نشد و در چندین نقطه شهر کابل انتخابات نمایشی عملا توسط حملات طالبان مختل و یا تعطیل گردید.
همچنین طالبان پیش از شروع انتخابات در زمان کمپاین های کاندیدان نیز در چند رشته حملات از جدی بودن خود در ممانعت و جلوگیری از برگزاری پروسهٔ انتخابات خبر دادند؛ مثلیکه در هلمند یک کاندید مهم (جنرال جبار قهرمان) را از میان برداشتند و در قندهار جنرال مهم رژیم عبدالرازق را طی یک عملیات نفوذی از پای در آوردند و باعث وقفه یک هفته ای پروسهٔ انتخاباتی در این ولایت گردیدند.
در روز انتخابات نمایشی، طالبان موفقانه در بخش مطبوعاتی با ایجاد یک هماهنگی فوق العاده در سوشل میدیا (صفحات اجتماعی اعم از تویتر، فیسبوک، واتساپ، تلگرام و ...) اخبار و رویدادهای امنیتی را راپور می دادند دیده و شنیده شد که راه های ارتباطی قریه جات با مراکز ولسوالی ها، راه های ارتباطی ولسوالی ها با مراکز شهرها کاملا مسدود گردیده و سبب اختلال در شبکه های ارتباطی رژیم گردیدند، طوریکه ابتکار عمل از دست ادارهٔ کابل در رفته و این طالبان بودند که کنترول شاهراه ها را به دست گرفته و با جان سپاری تمام از لکه دار شدن حیثیت ملی افغان ها بخاطر شرکت در انتخابات نمایشی جلوگیری به عمل آوردند؛ هرچند که رسانه های مهم وابسته به استخبارات و یا تحت فشار رژیم کابل حقایق خبری را در آن روز کاملا سانسور و تحریف کرده و به دنبال برجسته کردن انتخابات کذایی و افتضاح آمیز بودند؛ اما باز هم نمی توانستند بعضی جریان های کلان و مهم امنیتی که باعث اختلال در امنیت انتخابات شده بود کتمان کنند و جسته و گریخته بعضی خبرها را گزارش می دادند.

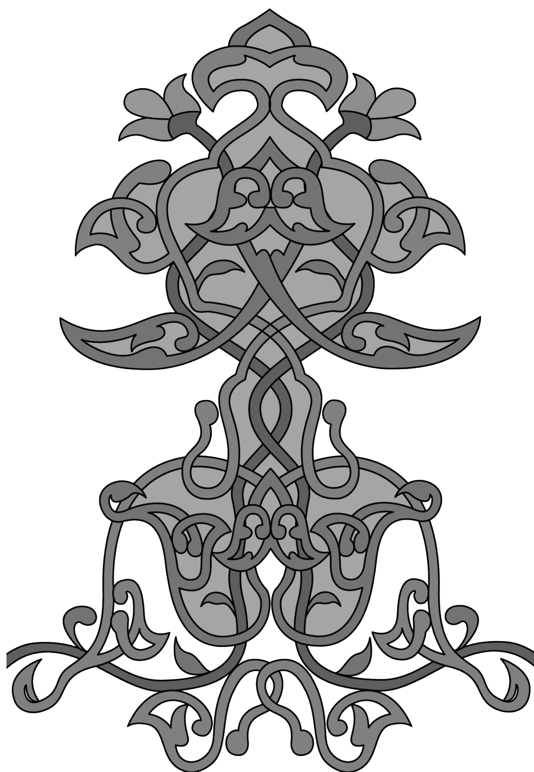
ب- بی نظمی ها و تخلفات انتخاباتی:

انتخابات مضحک ۲۸ میزان ۱۳۹۷ هش روشن ساخت که رژیم کابل در برآورده کردن کمترین امکانات لازم آن پروژه، تا چه حد ضعیف و سست عمل کرد و یکی از موارد برجسته که در آن روز بسیار محسوس و ملموس بود بی نظمی های فراوان در جریان انتخابات بود، آنچه که قرار بود و در رسانه ها گفته می شد که انتخابات بسیار با نظم و اطمینان برگزار خواهد شد هرگز چنین نشد چون تهدیدات جدی طالبان و بی توجهی عمومی کارمندان موظف این پروسه، دست به دست هم داده و یک انتخابات نمایشی و چالشی را به ارمغان آورد.
بی نظمی ها و پراکندگی و سراسیمگی در جریان انتخابات تا جائی زیاد بود که صدای بسیاری از فریب خورده ها بلند شد و در جای جایی لب به شکایت و اعتراض گشودند، از جمله آن بی نظمی ها باز نشدن بسیاری از سایت های انتخاباتی در ساعت وعده داده شده بود که این موجب دردسر، سردرگمی و پریشانی اعضای کمسیون انتخابات و افراد مربوطه گردید، در علت این تاخیر فاحش، رژیم کابل به اعتراف اعلان کرد که معلمان و مدیران مکاتب از ترس تهدیدات طالبان بسیار ناوقت در مکاتب (محل اکثر سایت های انتخاباتی) حاضر شدند، و چون یکباره سایت ها باز شد از بس شلوغی زیاد شد که هر کسی کوشش می کرد بدون رعایت اصول انتخاباتی زودتر رای خود را بیاندازد یا خود را بخاطر تهدیدات امنیتی از مراکز رای گیری دور کند.
از جمله بی نظمی ها نام های بسیاری از شرکت کنندگان در لیست های ثبت نام برای رای دهی دیده نمی شد و مردم اشتراک کننده بسیار پریشان و سرگردان گردیده بودند.
دگر اینکه نام و لیست بعضی ثبت نام کنندگان (اعم از کاندیدان و رای دهندگان) جابجا شده بود؛ یعنی از یک ولایت به ولایت دیگر یا از یک گوشهٔ کشور به گوشهٔ دیگر منتقل شده بود و این سبب سردرگمی و دردسر زیاد برای مردم شده و اشتراک کنندگان را به شدت بی حوصله ساخته بود.
از موارد بی نظمی و چالشی انتخابات ۲۸ میزان، تاخیر در جریان انتخابات و کشانیده شدن انتخابات به ۲۹ میزان یعنی یک روز بیشتر بود که کاملا خلاف قانون دست ساختهٔ انتخاباتی بود که باید اصولا انتخابات به هر کم و کیف

در روز ۸۲ برگزار می شد؛ اما بخاطر مشکلات امنیتی، تخنیکی و تاخیر در باز شدن سایت های انتخاباتی، انتخابات نمایشی به روز دوم کشانده شد که این از همه بیشتر موجب شرمساری و رسوایی ادارهٔ کابل گردید.

ج- تقلبات و فساد گسترده در حین رای دهی:
در زمان رای دهی موجی از تقلبات گسترده و فساد دیده شد و در حجم کلان در شبکه های اجتماعی خبرساز نیز گردید، اکثر کاندیدان در تلاش خرید رای مردم بوده، و در بسیار جاها یک نفر چندین بار رای تقلبی داد و بدون اینکه کسی توجه بکند و یا جلوی آن تخلفات فاحش را بگیرد همانگونه ادامه دادند تا به هر قیمتی شده آن انتخابات جعلی در رسانه ها نمایش داده شود.
د - مشکلات فزایندهٔ تخنیکی:
کمسیون نامستقل انتخابات گرچه در روزهای قبل از انتخابات بارها تاکید کرده بود که بصورت بایومتریک و با استفاده از دستگاه های تشخیص هویت و چهره و تثبیت انگشت رای دهنده، انتخابات را برگزار می کنند؛ اما در روز انتخابات یکی از جنجالی ترین و رسواترین موارد انتخابات، همین دستگاه های بایومتریک بود که اکثرا خراب، غیرفنی، غیرمعیاری، عدم کارکردگی درست و صدها مشکل دیگر داشتند که باعث سردرگمی مردم فریب خورده و پرسونل توظیف شده در امر انتخابات گردیده بود تا جائیکه اگر اخبار و جریانات مربوط به روز انتخابات دیده شود اکثرا از این بابت شکایت های فراوان درج کمسیون سمع شکایات انتخابات گردیده است.
حتی بعضی رسانه ها از قول داکترعبدالله خبردادند که وی به مدت ۰۲ دقیقه طول کشید تا رای خود را در صندوق بیاندازد؛ چرا که حرف «عین» را دستگاه های بیومتریک شناسایی نمی کردند و به علت عدم درج حرف عین، داکترعبدالله را زمان گیر کرد، و نیز حروف مثل «پ، ژ، گ، چ و ...» غیره را می گویند دستگاه ها نمی توانستند شناسایی کنند.

هـ - نابلدی پرسونل رای گیرنده:
یک شکایت مهم که در تمام سایت های انتخابات نمایشی درج شده و اکثرا در بسیار جاها عین مشکل گزارش شده نابلدی اعضای کمسیون ها، سایت های انتخاباتی و محل های رای دهی با طرز کار و استفادهٔ درست از بایومتریک ها و چگونگی رای گیری از مردم بود که این معضل نیز صدای شکایت آمیز مردم فریب خورده در انتخابات نمایشی پارلمان را بی نهایت بلند برد.
و - عدم اشتراک پررنگ مردم در انتخابات نمایشی:
از مهمترین و جالب ترین موارد انتخابات جعلی پارلمان، اشتراک کم رنگ مردم پای صندوق های رای بود؛ در حالیکه کمسیون نامستقل انتخابات از ثبت نام پرتقلب و دروغین ۶ ملیون اشتراک کننده خبر داده بود؛ اما در روز انتخابات تمام جعل و تزویرهای کمسیون آشکار گردید و دیده شد بسیار اندک مردم آن هم محدود در مراکز شهرها، در اکثر نقاط مختلف کشور در این پروسه سهم گرفتند و این یک ناکامی بزرگ برای رژیم کابل است؛ و آنچه را که اشرف غنی با لاف و پوف فراوان از آن با مطرح کردن جملهٔ «دا گز، دا میدان» یاد کرده و خود و رژیم را می خواست کامیاب نشان دهد در واقع اینگونه بود که بطور خلاصه چند مورد مهم آن در بالا اشاره رفت و «این گز و این میدان» نشان داد که بیشتر موجب رنگ زردی رژیم و تمویل کنندگان خارجی اش گردید تا سبب سرخ رویی شان شود.
پایان.





چرا دشمن اینقدر عریان وارد معرکه شده؟

ابو طیب جوزجانی

شرم بر آنانیکه روح و ایمان خود را به مزدوران فروختند و به اصطلاح انتخابات و یا رویای ادامه اشغال با وقاحت و با بی شرمی تام انجام یافت.

همه روزه در گوشه و کنار شهر ها نقطه های مزدحم به چشم می خورد که در آن یکی از نامزدان به پذیرایی صد ها انسان در مراسم صرف غذا ایستاده است البته این سخاوت و این پذیرایی روی یک هدف بلکه یک تجارت بود لذا در ختم و اخیر این مراسم لحظه‌ای برای آنها از برنامه‌های کاری شان سخن می زدند مساجد و مراکز آموزشی نیز شاهد حضور یکی از کاندیداها بود با تحفه های نقدی به سراغ مردم می آمدند شهر ها چهره دیگری از واقعات ها را در زیر قبای گرد آلود خویش پنهان کرده بود عکس ها و پوستر های کاندیدان تقریبا همه روزه تجدید می شد ولی بندرت بیشتر از یک روز سالم می ماند پوستری که امشب نصب می گردید نزدیک شام یا پاره پاره می گردید و یا با گل ولای لکه دار میشد حتی مردم در اکثر موارد زحمت تماشا چی بودن را نیز برای خود نمی دادند محافل عام مملو بود از سخنان طنز آمیز واستهزا کننده گان نسبت به حرف و چرندیات و اطوار مضحکه آمیز کاندیدان.

بطور مثال یکی از کاندیدان مطرح در کوته سنگی در جمع کارگران و مزدوران که از بیکاری وغربت بستوه آمده بودند می ایستد وبا لهجه و ترنم خاص خطاب به آنان میگوید اگر من عضویت پارلمان را گرفته وکیل شوم از بین شما یکنفر را وزیر مقرر میکنم مخاطبان دردمندش نیز با مشت های گره کرده شعار زنده باد ومرده باد را سر می دادند.

علاه بر آن اکثر کاندیدان تلاش داشتند با تطمیع پولی و وعده بر آورده کردن خواسته های کوچک مادی مردم را به خود جلب نموده رای آنها را حاصل کنند مردم نیز چونکه از غربت ، فلاکت وبیکاری همه روزه دست وپنجه نرم می کردند حاضر بودند رای خود را به هر قیمتی که باشد بفروشند برای آنها مهم نبود که خریدار کی هست و مهم نبود که قیمت آن چقدر است و این هم مهم نبود که از رای آنها چه ساخته می شود و برای چه اهداف و مرامی استفاده می شود.

به پندار عمیق و به بصیرت کامل اگر نظر افکنیم به اصطلاح انتخاباتی که در وطن عزیز ما افغانستان صورت گرفت چه مشروعیتی دارد و چه پیامد های دارد ودر عقب این تراژدی کی ها قرار دارند و کی ها در مجلس راه پیدا می کنند این سوالات و پرسش های هست که باید در ذهن و دماغ هر افغان باید پیدا شود به غور و

دقت کامل اگر بنگریم این انتخابات اصلا مشروعیت ندارد نظر به تعاملاتی که در مورد انتخابات در سایر کشورهای جهان وجود دارد از چند وجه:

الف – معیار رای دهندگان باید بنسبت تعداد نفوس کشور هم خوانی داشته باشد در حالیکه نظر به گفته های خود طراحین انتخابات از سی ملیون نفوس کشور فقط یک ملیون نفر رای دادند البته این اعتراف یکی از جریانات مطرح درداخل نظام اداره مزدور است اگر افراد و اشخاص منصف و بی طرف به عینک حقایق و واقعیت ها سروی نماید شاید تعداد از آن هم تنزل نموده رای دهندگان تنها چند افراد وابسته وشریک خورد و برد کاندیدان و یا هم افراد یکه از انتخابات هیچ آگاهی ندارند و یا هم در مقابل رای شان بدیل نقدی را تصاحب شدند.

ب – افتضاحات ورسوایی های در جریان انتخابات صورت گرفته در هیچ یکی از قاموس انتخابات دنیا دیده نمیشود تاخیر وتعلل کارمند ها ، کار نکردن بایمتریک جعل و تقلب گسترده ، عدم اختتام روند رای دهی در جدول زمانی از قبل تعین شده و مشارکت کم رنگ مردم.

پیامد های چنین انتخابات:

معلوم است عناصریکه توسط اینچنین پروسه ناکام ، مملو از جعل و تقلب، با ریشه های سمتی و یا قومی و یا خانوادگی مثلیکه محقق دو بچه خود را کاندید کرده همچون دوستم و حکمتیار در مجلس راه می یابند کرسی های ملت را تصاحب می شوند از آنها چه امید را انتظار داشت آیا در زخم های گندیده و پوسیده این ملت مرهمی واقع می شود. آنهم افرادیکه روح وایمان خود را به امریکایی ها به قیمت نازل فروختند در مجلس از درد وغم ملت بحث و مباحثه می کنند و مشکلات روز مره مردم را حل می کنند و آیا بخاطر آینده کشور قوانین وضع می کنند؟ پاسخ معلوم است اینها نیز همانند سر و کله های سابق در طویله مصروف خورد ونوش و بخاطر خوش ساختن برادران شان غیر از طبله زنی کاری دیگری نخواهند داشت.

در عقب این انتخابات کی ها قرار دارند:

برای همه جهانیان هویداست خصوصا برای ملت رنجدیده افغان مثل آفتاب معلوم است که بعداز اشغال افغانستان توسط غربی ها در راس آن امریکا کدام اداره که ساخته شده مدیر و گردانننده آن امریکا هست و چند چهره مزدور که در صفحات تلویزیون آشکارا می شود ودر محوطه های بشدت محافظت شده قرار دارند و به القاب مختلف یاد می شوند و توسط همچون پروسه های نمایشی و شرم آور در کرسی نشستند همه مزدوران و ابزار برای برآورده ساختن وتطبیق طرح های که در قصر سفید تدوین وتوشیح می شود می باشند واین هم معلوم است که افغانستان حالا خانه برای بدماشان خصوصا بدماش جهانی گردیده است همه قرار ها و فیصله ها از الف تا یا از مسایل بزرگ تا موضوعات کوچک همه از دید ونظر آن گبر جهانی گذرانده می شود پس ببینیم که این انتخاب های نمایشی و شعارها تنها و تنها بخاطر خاک مالیدن بچشم مردم ستم کشیده افغان است و بدین منوال میخواهند دامنه اشغال را به درازا بکشانند وبه پیکر تکه تکه ملت مسلمان افغان از روش های مختلف صدمه بزنند

اصل موضوع:

حالا در اصل موضوع بپردازیم که از این منجلاب مهلک رهایی پیدا کنیم که روزانه مردم افغانستان قربانی می دهند و زیر ساخت های سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی ما در حال نابودی است قشر جوان ما در مسیر فرهنگ پوچ غربی در حال از دست دادن هویت، افغانیت و اسلامیت است دشمن هر دم مترصد و در صدد ضربه زدن به وحدت ملی ماست و کشور مستقل و واحد ما به جزیره قلدران هوسناک مبدل گردیده چرا؟

پاسخ را از وجدان سلیم خود در می یابیم که یگانه کشتی نجات، و واحد و هسته امید همانا متوصل شدن به کاروان مجاهدین امارت اسلامی است چونکه در مدت هژده سال با مقاومت بی دریغ و قربانی های بیشمار توانست ضربه وسیلی محکم بر روی (امریکا) این دیکتاتور یکه تاز بزند و با سیاست های مدبرانه و سنجیده خویش تیغ دشمن را کند و ناکارا کند و استقامت کوه مانند دلیران سر به کف توانست دشمن را از روش یورش گرانه به تعاملاتی و انفعالی وادار بسازد.

پس ای ملت جفاکش!

تا توان دارید از صف وطن فروشان خود را رهانیده در فکر آزادی وطن محبوب خود شده و در غم یک نظامی که ضامن امن، رفاه، تمامیت ارضی، تطبیق شریعت اسلامی وعدالت اجتماعی باشد بکوشیم تا باشد ما و نسل آینده ما در سربلندی و افتخار زندگی کنند.



دولت عثمانی چگونه سقوط کرد؟

نویسنده: عبدالصمد شاکر
ترجمه: سعید مظلوم یار

این عادت پروردگار بزرگ است، که گاهی دولت ها را به مدارج عروج می رساند و گاهی هم چپه و سرنگون می سازد، این حقیقت را خود الله جل جلاله در یک آیت مبارکه بیان نموده است:

«**وتلك الايام نداولها بين الناس**.»

این شیرینی وتلخی زمانه است، که ما این روزها را در میان مردمان دست بدست می گردانیم.

تاریخ شاهد سرنگونی خیلی از دولت ها بوده است، دولت یونانی، دولت انگلستان و فرانسه که یک زمان امپراتوری های طولانی مدت داشتند؛ لکن پس از سلب اسبابی که بنیاد دولت ها را به وجود آورده آنها نیز سقوط کردند.

دولت عثمانی هم یکی از همانند آن دولت ها بود. که مدت زیاد طولانی قدرت وسیعی داشت، تا جائیکه در زمان اختیارات و قدرت اش افریقا، آسیا و اروپا تحت سلطه وی قرار داشت و در بسیاری از کشورهای اسلامی عربی وغربی حکمروایی می کرد.

اما بالأخره با ازبین رفتن اسباب، متاسفانه آن دولت هم سقوط کرد.

دولت عثمانی نزدیک به ششصد ۶۰۰ سال دوام داشت، که تهداب آن توسط عثمان اول درسال ۱۲۹۹ گذاشته شده بود .این دولت قوی ومستحکم بعد ازیک مدت خیلی طولانی امپراتوری آن آرام آرام بطرف زوال رفت، نهضت ها رو به افزایش یافت، فتنه ها سربلند کرد؛ البته این را گفته می توانیم که در دوره سلیمان القانونی کار و فعالیت ها بسطح دولت رونق پیدا کرد این دولت رو بترقی و پیشرفت حرکت نمود که پادشاه نامبرده ازسوی عرب ها به انسان بزرگ مسما گردید.

همچنان دربین پادشاهان عثمانی محمد فاتح یکی ازنامدارترین پادشاهان آن دولت بود وی موفقانه شهرقسطنطنیه را فتح نمود پس ازفتح آن شهر را بنام «اسلامبول » یعنی شهراسلام نام گذاشت.

بعد از آن دولت عثمانی رنگ و رونق یک دولت را بخود دریافت که دولت ها درآخرین مرحله زیبای و رونق خود قرار می گیرد این وقت دور سلطان عبدالحمید بود، آن سلطان عبدالحمید که ترک ها آن را به نام انسان مریض یاد می کردند . پس از چند مدت نشانه وعلایم پارچه پارچه شدن آن دولت ظاهرا آشکارگردید تحت نام «حزب جوانان ترک» حزب جدیدی را اعلان نمودند که مردم را یگانه بسوی رنگ وبوی قومیت ترک پروری دعوت می نمودند.

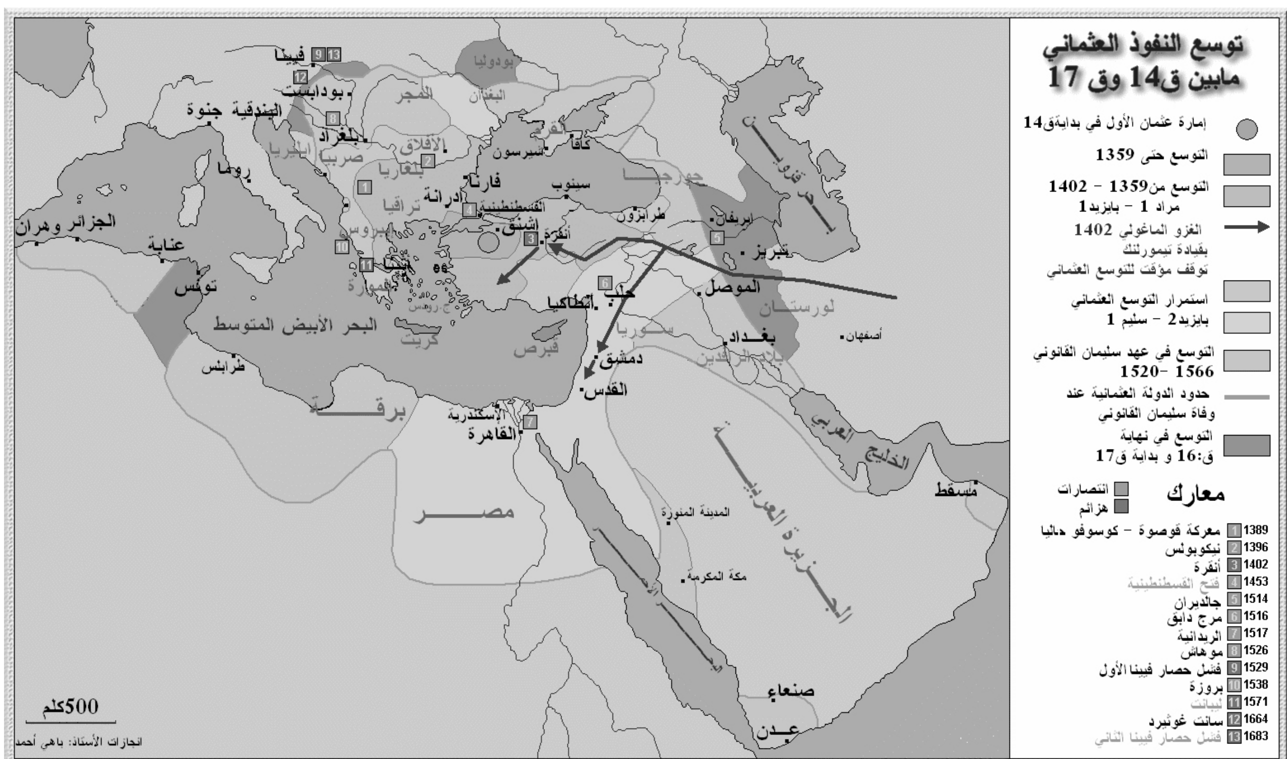
علاوه از این فکردولت جهانی را از ذهن جوانان محو و نابود کردند .

سپس احزاب سیاسی دورهم جمع شدند و تحت نام

«وحدت و پیشرفت » حزب جدیدی را ساخته رسما اعلان نمودند. که درهمین زمان شخصی بنام « مصطفی کمال اتاترک» قدعلم کرد.
مصطفی کمال اتاترک که قبلا فهمانده شده بود به این بهانه گویا اینکه ازتمامیت ارضی ترکیه دفاع می کند گسترده گی این دولت جهانی را به سرحدات ترکیه محدود ساخت. علاوه بر این اتاترک با مخالفین، پیمان تسلیمی دهی آن مناطقی را به امضاء رساند که قبلا از سوی دولت عثمانی تسخیر گردیده بود.
مصطفی کمال اتاترک به این هم اکتفاء نکرد بلکه طی یک اعلام رسمی دولت عثمانی را حکومت ترکیه نامید با این کردۀ وی این دولت بزرگ اسلامی و جهانی درسال ۱۹۲۴ به نابودی کشانده شد ختم و نابود گردید.
تاریخ برای ما واضح وآشکارگواهی می دهد که سبب اصلی سرنگون شدن دولت عثمانی روگردانی مسئولان دولت از اصل منهج، وعدم توجه به اصول و تغییر کردن مسئولان آن بود، که این چیزها خواست اصلی غربی ها بود که از مدت ها قبل بالای آن کار کرده بودند و همچنان دست بردار نبوده و حتی درآینده نیز (برای بازماندن مسلمانان از اصل خویش) کار می کنند که متاسفانه درنتیجه (دشمنان) به اهداف خود نیز رسیدند.
به امید بیداری و بازگشت دوبارۀ امت اسلامی بسوی قله های عزت و پیروزی .

تاریخ شاهد سرنگونی خیلی از دولت ها بوده است، دولت یونانی، دولت انگلستان و فرانسه که یك زمان امپراتوری های طولانی مدت داشتند؛ لکن پس از سلب اسبابی که بنیاد دولت ها را به وجود آورده آنها نیز سقوط کردند.

دولت عثمانی نزدیك به ششصد ۶۰۰ سال دوام داشت، که تهداب آن توسط عثمان اول درسال ۱۲۹۹ گذاشته شده بود .این دولت قوی ومستحکم بعد ازیك مدت خیلی طولانی امپراتوری آن آرام آرام بطرف زوال رفت.





فعالیت هماهنگ طالبان در صفحات اجتماعی قابل تمجید است

انجینر عثمان

طالبان با استفاده از شبکه های انترنتی حوزه فعالیت های خود را خیلی خوب وسعت بخشیده اند؛ آنها در شبکه های اجتماعی بسیار خوب ظاهر شده و با پلان و برنامه عمل می کنند، این هماهنگی طالبان جذابیت فعالیت این گروه در شبکه های اجتماعی مطلوب اکثر مخاطبین گردانیده است، طوریکه طالب در یک لحظه کوچکترین خبر خود را در سطح ملی و بین المللی همرسانی می کنند.

درست است کمبودی استفاده از صدها شبکۀ تلویزیونی، رادیویی، انترنتی برای طالبان در شرایط فعلی مقدر نیست و کمتر مراجعین این گروه، از ایده ها، اعتقادات، باورهای سیاسی و اجتماعی این گروه از چینل های مثل رادیو و تلویزیون از طالبان آگاهی حاصل می کنند؛ اما روحیه تحسین برانگیز طالب این خلاء را تا حدودی با اشتراک گسترده در صفحات اجتماعی و با بهره گیری از انترنت پر کرده است.

طالبان وقتی شهر یا ولسوالی را تصرف می کنند خیلی زود آن را از طریق فیسبوک یا تویتر خبررسانی می کنند و حتی در مواقعی دیده شده طالبان چند قدم پیشتر از رسانه های کابل و بین المللی عمل می کنند؛ یعنی همینکه دستاوردی دارند چه نظامی باشد چه ملکی، به مجردیکه اخبار به آنها گزارش می شود آنها خبر را بسیار باسرعت و دقت خبررسانی می کنند و این چیز فعالیت هماهنگ طالبان را به رخ می کشد.

هماهنگی در انتشار مطالب طالبان بسیار دیده می شود چیزیکه در جانب مخالف در بین ژورنالیستان رژیم و یا سایر بنگاه های خبری به ندرت یافته می شود، سرعت عمل در خبررسانی خود یک مجاهدۀ با پشتکار است که طالب آن را نشان داده است و چیز مهمتر از این، اتحاد و هماهنگی بین دستگاه های خبری طالبان است که در زبان های مختلف مخصوصا در زبان های زندۀ دنیا از جمله انگلیسی، عربی، پشتو، اردو، فارسی و ... بسیار سریع عمل و اقدام می کنند اینطور نیست که پراکنده فعالیت کنند یا ضد و نقیض خبررسانی کنند چیزیکه

درست است کمبودی استفاده از صدها شبکۀ تلویزیونی، رادیویی، انترنتی برای طالبان در شرایط فعلی مقدر نیست و کمتر مراجعین این گروه، از ایده ها، اعتقادات، باورهای سیاسی و اجتماعی این گروه از چینل های مثل رادیو و تلویزیون از طالبان آگاهی حاصل می کنند؛ اما روحیه تحسین برانگیز طالب این خلاء را تا حدودی با اشتراک گسترده در صفحات اجتماعی و با بهره گیری از انترنت پر کرده است.



به طور مثال طالبان در روز انتخابات پر از افتضاح روز ۲۸ میزان ۱۳۹۷ هش بسیار خوب در صفحات اجتماعی فعالیت نمودند؛ آنها با راه اندازی ده ها اکاونت خبری و شبکۀ همزمان، چند قدم پیشتر از رسانه های رژیم بودند طوریکه منابع رژیم نیز حیران و سرگردان شده بودند.

در رسانه های رژیم بسیار مشاهده می کنیم اخبار ضد و نقیض و پراکنده گویی های دستگاه های حکومتی است و این بدان خاطرست که برای کسی در رژیم اهمیت کار معلوم نمی شود یا عمدا دل به کار نمی دهند؛ اما طالب چنان با شوق و ذوق در فعالیت های تبلیغاتی خود می درخشند که گویا در میدان سنگر هستند.

این روزها کمتر خبری از طالبان یا اوضاع سیاسی و امنیتی کشور را مردم از طریق شبکه های رژیم و رسانه های رسمی آن پیگیری می کنند بلکه با داشتن چند ام بی انترنت و یک دستگاه موبایل، و با داشتن اکاونت های فیسبوک و تویتر هر کسی به زودترین فرصت از اوضاع و احوال کشور خود آگاهی حاصل می کند، ملت بجای شنیدن دروغ های تلویزیون ها یا رادیو ها خود بی سر و صدا در تلفون های خود از اکاونت های خبری فیسبوکی که به مراتب با اعتمادتر از شبکه های تلویزیونی و رادیویی است اخبار و جریانات روز کشور خود را تعقیب می کنند و حتی گاهی با استفاده از آن معلومات، از دروغ های آشکار و پنهان رسانه ها آگاهی پیدا می کنند.

بطور مثال طالبان در روز انتخابات پر از افتضاح روز ۲۸ میزان ۱۳۹۷ هش بسیار خوب در صفحات اجتماعی فعالیت نمودند؛ آنها با راه اندازی ده ها اکاونت خبری و شبکۀ همزمان، چند قدم پیشتر از رسانه های رژیم بودند طوریکه منابع رژیم نیز حیران و سرگردان شده بودند، آن روز اکثر حساب های فیسبوک و تویتر که منسوب به طالبان است اگر پائیده شود دیده می شود چند صد برابر فعال تر از چینل های رسمی بوده و به مراتب بهتر اخبار و رویدادهای امنیتی را برجسته کردند.

طالبان با استفاده از فرصت بسیاری از مردم را دو دل کرده و ضمن آنکه عملا در بسیاری از گوشه های کشور جنگ علیه سایت های انتخاباتی رژیم جریان داشت؛ اما با سرعت عمل در خبررسانی دقیق و به موقع خود و با نشر عکس و فیلم مستند از صحنه های سرگردانی، ناامنی و سردرگمی پروسۀ انتخابات، باعث ممانعت بسیاری از شهروندان گردیدند که فریب رسانه ها را خورده و نزدیک بود خود را با رفتن به پای صندوق های رای به دام خطر جانی و معنوی بیاندازند، لکن همین خوش درخشیدن طالبان در صفحات اجتماعی کمک کرد تا ملت بهتر از جریان آن پروسۀ دروغین آگاهی یافته و کمتر نسبت به اشتراک در آن از خود علاقه نشان بدهند.

ضمن پیشرفت های نظامی اگر فعالیت های تبلیغاتی طالبان همچنان که اکنون پیش می رود پیش برود جای تردید نیست که کمبودی رسانه ای طالبان جبران شده و آنها با آمدن غیرمحسوس در صحنه و پوشش زنده و واقعی از حالات و جریانات کشور و نیز بیان اهداف و پالیسی های خود می توانند بهتر در قلب ملت خود جای گرفته و آنها را با خود همراه و همگام بسازند.



سنگر فرهنگی؛

مسئولیت سربازان قلم بدست

(به بهانهٔ پنجمین سال مجلهٔ وزین حقیقت)

به قلم: احمد فارسی (مبصر و کارشناس امورسیاسی)

جنگ امروز مانند جنگ دیروز نیست و تفاوت های زیادی میان آن دو وجود دارد. دیروز جنگ با اسلحه، توپ و تانک به پیش می رفت اما امروز در پهلوی مدرن ترین و مجهز ترین وسایل نظامی و تکنالوژی معاصر، عساکر و سربازان مطبوعاتی و فرهنگی نیز شانه به شانه با عساکر و سربازان نظامی در نبرد شامل بوده و مسئولیت یکی از سنگر های مهم جنگ را به عهده دارند.

در جریان جنگ شوروی علیه ملت افغانستان، تنها عساکر شوروی با کمک و همکاری یک تعداد از عساکر خودفروخته و مزدور که فریب شعار کمونیزم را خورده بودند و یا تعدادی از عساکری که جبرا به جبهات جنگ برده شده بودند، علیه ملت افغانستان جنگیدند. مجاهدین نیز با وسایل نظامی و عسکری متواضع بدست داشته در مقابل آنان جهاد نمودند تا آنکه آنان را به شکست مواجه ساختند. آن زمان دشمن از سنگر مطبوعات و فرهنگی استفادهء چندان نداشت و در مقابل مجاهدین نیز دسترسی کامل به این سنگر نداشتند بنابرین هر دو جانب جنگ در این سنگر با هم برابر بودند.

هنگامی که اشغالگران صلیبی در سال ۲۰۰۱ میلادی بر افغانستان با صدها هزار عسکر مجهز با اسلحهء قوی و مدرن یورش بردند و بردگان و اجیران داخلی را نیز به کرایه گرفتند، در پهلوی این قوت و نیرو، صدها شبکهء رسانوی و خبررسانی را اعم از رادیویی، تلویزیونی و چاپی در مقابل مجاهدین به راه انداختند و از آن ها منحیث سنگر جنگ مطبوعاتی و فرهنگی علیه مجاهدین استفاده کردند. در وقت خیلی کم توانستند با این وسیله یی جنگی جدید و معاصر، نه تنها برای افغان ها بلکه به جهان چنان وانمود سازند که گویا امارت اسلامی را شکست دادند، رهبران مجاهدین را یا به قتل رسانیدند و یا هم زندانی کردند و عده دیگری که زنده مانده اند، پا به فرار نهاده دیگر توان مقاومت علیه اشغالگران را ندارند.

در این هنگام، مجاهدین که شدید ترین و دشوار ترین روزهای زندگی را به پشت سر می گذشتاندند، نه اینکه توان مقابله با عساکر و لشکر فرهنگی و مطبوعاتی را نداشتند بلکه توان مبارزه و جهاد مسلحانه را نیز نداشتند. چند ماهی به همین شکل گذشت تا مجاهدین یکبار دیگر منسجم شدند و حملات چریکی و انفرادی خورد و بزرگی را در مناطق دور دست علیه اشغالگران آغاز کردند و این حملات، لله الحمد، در مدت خیلی کوتاه منسجم تر شد و بالاخره هزاران تن از مجاهدین دوباره دور هم جمع شده و جنگ علیه اشغالگران را آغاز کردند. در چند سال اول سنگر فرهنگی و مطبوعاتی همانطور خالی ماند و دشمن توانست در این سنگر بدون مقاومت بجنگند و افکار زهراگین خودرا در اذهان مردم عامه بخصوص جوانان تزریق نماید.

بعد از گذشت چند سال، مجاهدین توانمندی ایجاد جبهات و سنگرهای فرهنگی و مطبوعاتی را پیدا کردند و رویهمرفته این جبهات، لله الحمد، آنقدر آراسته و قوی گردید که نه تنها آواز مجاهدین به تمام گوشه و کنار جهان رسید بلکه دشمن خود نیز اعتراف کرد که سنگر مطبوعاتی امارت اسلامی اکنون قویتر از جبهه آنان بوده و مجاهدین میتوانند در چند لحظهء خیلی ها مختصر پیام خودرا به تمام جهان انعکاس دهند و تمامی مطبوعات جهان را مشغول اخبار خود سازند. سنگر فرهنگی امارت اسلامی روز به روز تقویت یافت تا اینکه توانست تبلیغات سوء و دروغین دشمن را که تمامی جهان را به آن فریب داده بود خنثی سازد و جهان را از حقایق زمینی جنگ در کشور آگاه سازد. آنگاه بود که مردم جهان بخصوص کشورهایی که در افغانستان عساکر خودرا فرستاده بودند دانستند که در افغانستان مقاومت شدید

اینک با گذشت ۵ سال از نشریات این مجله، امروز لله الحمد این مجله به دها هزار خواننده داشته و در صدها هزار دل محبوبیت و جایگاه ویژهء خودرا پیدا کرده است. این دلچسپی هموطنان ما باعث تشویق و ترغیب ادارهء مجله شده است و آن را وا داشته است تا تصمیم گیرد که در آینده با نو آوری هایی بیشتری در خدمت هموطنان عزیز قرار داشته باشد.

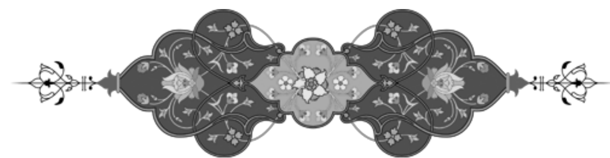
جهادی وجود دارد و تعداد زیادی از عساکر دشمن اشغالگر در جریان جنگ با مجاهدین کشته و معیوب شده اند. این سلسله به فضل و کرم خداوند متعال تا امروز جریان دارد و صدها جوان مبارز روزانه در این سنگر به طرق گوناگون علیه عساکر فرهنگی و مطبوعاتی اشغالگران و اجیران خودفروخته و کرایی داخلی آنان می رزمند.

رهبری امارت اسلامی به این حقیقت کاملا پی برده است که همزمان با سنگرهای نظامی، سنگرهای مطبوعاتی و فرهنگی نیز نیاز به عساکر و مجاهدین دارد و بنابرین بارها از تمامی مجاهدین قلم بدست خواهش و تقاضا نموده اند تا در این جهاد مقدس سهم گرفته و واجبی را که بر شانه های شان از جانب شرع نهفته شده است ادا نمایند. جوانان مبارز و قلم بدست نیز این ضرورت و وجیبه را احساس کرده اند و می دانند که اگر برادران شان جان های شرین خود را در راه خداوند متعال در جبهات جهادی قربان می کنند، آنان نیز باید لحظه یی از راحت خودرا قربان نموده و از سنگر فرهنگی و جهادی مجاهدین دفاع کنند و این وجیبه و فریضه را به نحو احسن آن انجام دهند. جوانان قلم بدست و هوشیار می دانند که چنانچه جبهات نظامی و عسکری نیاز به عساکر دارد به همین شکل سنگر فرهنگی و مطبوعاتی نیز نیاز به شمشیر بدستانی دارد که حملات فرهنگی دشمن را دفع کنند و از اهداف و آرمان های مجاهدین دفاع کنند. این وجیبهء این جوانان است تا حقایق جهادی را به سمع هموطنان سپس به گوش جهانیان برسانند و نگذارند که قلم بدستان کرایی و خود فروخته باز هم با استفاده از تزویر، فریب و دروغ حقایق را از انظار جهانیان و هموطنان پنهان کنند و در مقابل اخبار دروغ و افتراءات کاذبانهء خودرا پخش و نشر کنند.

امارت اسلامی از آغاز این جنگ تلاش کرده است تا این سنگر را مستحکم و قوی نگهدارد و به همین لحاظ از تمام وسایل در راستای دفاع از آرمان های مجاهدین استفاده کرده است. امارت اسلامی علاوه بر داشتن چندین صفحهء انترنتی نشریات چاپی نیز به زبان های رایج کشور داشته است تا هموطنان ما بتوانند با استفاده از وسایل مختلفی که در دسترس شان قرار می گیرد از حقایق با خبر باشند. امارت اسلامی با وجود قرار داشتن در حالت دشوار جنگی نشریات رادیویی خودرا نیز در چندین ولایت کشور آغاز نموده است.

به هدف استخدام تمام نیرو و قوت و استفاده از تمامی وسایل موجود، امارت اسلامی ۵ سال قبل تصمیم گرفت تا سنگر فرهنگی را با آغاز نمودن مجلهء وزین حقیقت استحکام بیشتر ببخشد و همان بود که این مجله زیور چاپ یافت و تا امروز لله الحمد به شکل مستمر و دوامدار به نشریات خود ادامه می دهد و در دسترس هموطنان دری زبان ما و یا آنانی که با این زبان آشنایی دارند قرار می گیرد. مجلهء نامبرده، لله الحمد، توانسته است که در مدت این سالها خلای بزرگی را که در این سنگر قرار داشت پُر کند و برای دشمن و دنیا نشان دهد که مجاهدین امارت اسلامی با وجود حالت دشوار جنگی توان هر نوع مبارزه را در تمام میادین جنگی دارند و هرگز اجازه نمیدهند که دشمن با استفاده از زور و زَر حقایق را از هموطنان و جهانیان پنهان نموده و در بدل آنان را با دروغ و تزویر فریب دهد.

اینک با گذشت ۵ سال از نشریات این مجله، امروز لله الحمد این مجله به دها هزار خواننده داشته و در صدها هزار دل محبوبیت و جایگاه ویژهء خودرا پیدا کرده است. این دلچسپی هموطنان ما باعث تشویق و ترغیب ادارهء مجله شده است و آن را وا داشته است تا تصمیم گیرد که در آینده با نو آوری هایی بیشتری در خدمت هموطنان عزیز قرار داشته باشد. پس بر تمام مجاهدین و مبارزین قلم بدست واجب است تا در این راستا با ادارهء مجله همکاری نمایند و با ادای این وجیبهء دینی شان سنگر فرهنگی و مطبوعاتی امارت اسلامی را همچو گذشته ها مستحکم و مستحکم تر نگهدارند و از سوی دیگر حقایق و راستی ها را به گوش آنعده از هموطنان عزیز و مجاهد پرور ما برسانند که روزها منتظر رسیدن این مجله می باشند تا با مطالعه مضامین و محتویات زیبا و مفید آن بر معلومات جهادی، فرهنگی و عامه خود بیافزایند.



شهید حافظ ابو دجانه -تقبله الله-

یکی از قهرمانان تاریخ ساز اسلام

منصور تالقانی

یک تن از قهرمانان تاریخ اسلام در عصر پیامبر صلی الله علیه و سلم بنام ابودجانه سماک بن خرشه رضی الله عنه گذشته است که همه اورا بخاطر قهرمانی های بی نظیرش می شناسند، روزی در غزوه احد رسول خدا صلی الله علیه و سلم روح جهاد وجوانمردی را در یارانش دمیده شمشیری را از غلاف بیرون کشید و بانگ برآورد: چه کسی، این شمشیر را از من می گیرد وحقش را ادا می کند؟ تعدادی از قهرمانان اسلام از جمله عمربن خطاب رضی الله عنه زبیربن عوام رضی الله عنه وعلی بن ابی طالب رضی الله عنه داوطلب شدند که حق شمشیر پیامبرصلی الله علیه وسلم را ادا کنند، اما پیامبرصلی الله علیه وسلم شمشیر را به آنان نداد تا اینکه ابودجانه سماک بن خرشه رضی الله عنه بلند شد وگفت: من حقش را ادا می کنم! حقش چیست؟ پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: «حقش این است که آن را چندان بر دشمن فرو آوری که کج شود». ابودجانه قول دادکه حق شمشیر پیامبر را ادا کند و پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز شمشیر را به او سپرد.

ابودجانه رضی الله عنه که مردی شجاع و جنگجو بود، دستاری سرخ رنگ داشت که هرگاه آن را به سر می بست، همه می فهمیدند که تا دم مرگ خواهد جنگید، او شمشیر را گرفت و دستارش را پوشید و با غرور بین صفوف طرفین قدم زد، پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتی او را با این حال دید، فرمود: «این، راه رفتنی است که خداوند جل جلاله، جز در چنین موقعیتی، آن را دوست نمی دارد». ابودجانه رضی الله عنه با آن دستار سرخ رنگ و با به دست گرفتن شمشیر پیامبر صلی الله علیه و سلم مصمم بود که حق آن را ادا کند، لذا به میدان آمد و به قلب سپاه دشمن زد و با هر مشرکی که روبرو می شد، او را از پای در می آورد.

زبیررضی الله عنه می گوید: ابودجانه، با کسی روبرو نمی شد مگر اینکه او را می کشت. درمیان مشرکان، شخصی بودکه چون مسلمانی را می دید که مجروح شده، او را می کشت. ابودجانه رضی الله عنه به آن مرد مشرک نزدیک شد. (زبیر رضی الله عنه می گوید) دعا می کردم این دو روبرو شوند که ناگاه دیدم روبرو شدند، آن مشرک، ضربه ای زد و ابودجانه رضی الله عنه آن را با سپرش دفع کرد و سپس آن مشرک را با یک ضربه کشت.

همچنان در عصر فعلی درسپاهیان وسربازان امارت اسلامی نیز همچو ابودجانه های هستند که گردِ شمع اسلام و آزاد زیستن دور زده خود را به اثر فداکاری، جان بازی، واز خود گذری می سوزانند ولی با اشغالگران، متجاوزین، ستمکاران، قاتلان بشر، خود فروخته گان، کنار نیامده و با ایشان نمی سازند. زندگی پر زرق و برق دنیا را با همه عیش و عشرت آن فدای اسلام و آزادی کشور از اسارت اشغال نموده با رشادت، استقامت، و پایمردی تمام در برابر زورگویان، متجاوزین، ستمکاران، قاتلان بشر و دیگر اهداف نا مقدس آنها ایستادگی می نمایند که در این ارمان مقدس خویش تا سرحد شهادت از خود شجاعت، شهامت و مردانگی نشان داده همت وغیرت اسلامی و افغانی خود را به نمایش گذاشته قهرمانی های ابودجانۀ عصر پیغمبر صلی الله علیه و سلم را زنده نگاه می دارند.

واقعاً فداکاری ها و قهرمانی های این فرزندان اصیل و سربازان فداکار امارت اسلامی قابل تحسین، تمجید و تحمید بوده که به خاطر حراست و پاسبانی از ناموس

وطن و نابود ساختن جباران و قاتلان بی رحم همانند جنرال رازق، جان های خود را قربان کرده، اسارت و بردگی، ظلم و وحشت را یک لحظه هم نمی پذیرند.

در طول تاریخ، کشور عزیز ما مورد تاخت و تاز و سلطه طلبان کفری و بی فرهنگان اجنبی، ظالمان، ستمکاران قرار گرفته اما این مرز وبوم شهید پرور چنان قهرمانانی همانند حافظ ابودجانه (ذبیح الله) در خود پرورانیده و تقدیم اجتماع کرده که به خاطر دفاع از ملت غیور ودین دوست خود و دفاع از حریم کشورش جهاد ومبارزه نموده به متجاوزین وحشی چنان ضربات کوبنده را وارد نموده اند که به شکست ننگین و شوم آور آنها انجامیده و با آرمان های شوم شان دفن این خاک گردیده اند.

آری یقینا کسانیکه حلاوت ایمان را چشیده اند رمز آزادی و آزاد زیستن را درک کرده و از اسلام و حاکمیت قانون نجات بخش آن در جامعه به بهای جان های شیرین خویش دفاع کرده و همواره در این فکر و اندیشه اند که چگونه عظمت وعزت این دین مقدس سماوی وآزادی کشور را با فداکاری های مملو از ایمان وخود گذری خود به نمایش بگذارند و دشمنان خون آشام وحشی را قلع و قمع نموده و تا پای جان به این پیکار و مبارزه خویش دوام داده و در نتیجه موفقیت لازم را بدست آورند.

یکی از جمله همین قهرمانان راستین وصدیق اسلام وفداکار امارت اسلامی جوان پر درد و با احساس حافظ ابو دجانه (ذبیح الله) غازی شهید بوده که به تاریخ ۲۶ میزان۱۳۹۷روز پنجشنبه در مقام ولایت قندهار اشغالگران خارجی و خود فروختگان داخلی را مورد اصابت مرمی های کفر شکن خود قرار داده جنرال رازق را که جان هزاران افغان بی گناه را گرفته بود، با چند تن دیگر آنها به کام مرگ فرستاده راهی جهنم شان نمود.

این جوان با احساس و ایمان قوی که داشت این را تحمل کرده نتوانست تا بیگانگان بی عاطفه و وحشیان قرن مانند جنرال رازق در کشور اسلامی اش با اطمینان بدون ترس و هراس گشت وگذار کرده و به کشتار های دستجمعی خود ادامه دهند و آن غیرت و فدا کاری که در وجود این فرزند جان نثار افغان به ودیعه گذاشته شده بود با اطمینان قلبی آن را مردانه وار تطبیق و خودش نیز به مقام عالی شهادت نائل گردید که این افتخار وسربازی وقهرمانی این جوان با احساس افغان درج وثبت تاریخ قهرمانان اسلام و آزادگان کشور گردیده و همه افغانهای که به آزادی ارج می گذارند با وجود همچو جوانان قهرمان افتخار کرده به روان پاک ایشان اتحاف دعاء نموده و به خود می بالند.

در شرایط فعلی این رسالت و وجیبهٔ دینی و افغانی هر فرد وطن دوست و با غیرت است که در هر گوشه و بیشه که زمینه برای شان مساعد میگردد مانند شهید ابو دجانه تقبله الله با سلاح دست داشته شان و با توکل به خدای واحد و لاشریک با مردانگی تمام صلیبی های اشغالگر را هدف مرمی های کفر شکن قرار داده و از پای در آورند تا این عملکرد شان غلبه و پیروزی را قریب تر نماید.

فرزندانی که با رزق حلال تغذیه شده و نشو و نمو کرده باشند به عهد و پیمان خویش وفا کرده و وجیبهٔ دینی خویش را در هر کجائی که باشند به سر می رسانند و همه نعمت های این دنیای فانی را فدای اسلام وکشور عزیز خویش می نمایند چون آزادی از چنگال این درنده گان، فداکاری و از خود گذری می خواهد تا نتیجه دلخواه که همانا تنفیذ قوانین الهی است، به دست آید.

در آخر از خداوند متعال استدعا دارم تا برای تمام فداکاران و جانثاران امارت اسلامی فردوس برین را نصیب گردانیده وروحشان را شاد داشته باشد.

گر ندانی غیرت افغانی ام
چون به میدان آمدی میدانی ام

ابودجانه رضی الله عنه که مردی شجاع و جنگجو بود، دستاری سرخ رنگ داشت که هرگاه آن را به سر مي بست، همه مي فهميدند که تا دم مرگ خواهد جنگيد، او شمشير را گرفت و دستارش را پوشيد و با غرور بين صفوف طرفين قدم زد، پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی او را با این حال دید، فرمود: «این، راه رفتني است که خداوند جل جلاله، جز در چنین موقعیتی، آن را دوست نمی دارد».

جوان پر درد و با احساس حافظ ابو دجانه (ذبیح الله) غازی شهید بوده که به تاریخ 26 میزان1397روز پنجشنبه در مقام ولایت قندهار اشغالگران خارجی و خود فروختگان داخلی را مورد اصابت مرمی های کفر شکن خود قرار داده جنرال رازق را که جان هزاران افغان بی گناه را گرفته بود، با چند تن دیگر آنها به کام مرگ فرستاده راهی جهنم شان نمود.



سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم (۱۹)

نویسنده: شیت خطاب
ترجمه: راشد شهامت

اعاده نظام

«وَقَاتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (۱۹۰ البقره)
و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید، ولی از اندازه در نگذرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد.

پاکسازی پس از جنگ احد

وضعیت عمومی

۱ ـ مسلمانان:

پس از جنگ احد، مسلمانان به منظور بازگردانیدن آوازه از دست رفته خود، ناچار بودند که در مدینه و بیرون آن دست به پاکسازی بزنند.

آنان پیش از غزوه احد توانسته بودند که مدینه منوره را به پایگاهی امن تبدیل کنند، اما این جنگ برای آنها موجب بروز مشکلاتی در داخل و خارج گشت .

یک دسته از مشکلات داخلی از سوی یهودیان بود که در غم و شادی با مسلمانان دشمن بودند. هرچند شادی مسلمانان آنان را وادار به پنهان ساختن نیّاتشان می ساخت ، اما از آشکار ساختن دشمنی هنگام غم خودداری نمی کردند. برخی دیگر از مشکلات داخلی مربوط به منافقان متظاهر به اسلام بود که نیّات درونی آنها اندکی پیش از جنگ احد و نیز پس از آغاز جنگ و هنگامی که مسلمانان در معرض خطر قرار گرفتند آشکار گشت .

مشکلات خارجی در درجه نخست از سوی مشرکان آفریده می شد.اینان پس از جنگ احد اقدام به جنگ تبلیغاتی علیه مسلمانان کرده دستاوردهای آن را بزرگ و ارزشمند جلوه می دادند و از منزلت مسلمانان می کاستند. دسته دیگر از مشکلات خارجی از سوی قبایل مجاور آفریده می شد. اینان اعرابی بودند که سربه فرمان زورمندان بودند و خود را صلحجو و آرامش طلب جلوه می دادند. اما نسبت به مردمان ناتوان بدون هیچ نرمی و شفقتی زروگویی و سخت گیری می کردند.

مسلمانان ناگزیر بودند که پاکسازی را یک بار دیگر تکرار کنند تا صفوفشان نظم مجدد بیابد؛ سلطه کامل آنان بر مدینه منوره و قبایل مجاور دوباره تثبیت شود؛ و عظمت از دست رفته خود را در میان مشرکان قریش و قبایل عرب و همپیمانانشان بازآرند.

۲ ـ مشرکان

با اینکه پیامدهای دراز مدت جنگ احد به نفع قریش نبود، از نتایج آن بسیار خشنود بودند. در حقیقت ، پیروزی آنها تنها جنبه تاکتیکی داشت و از نظر استراتژیکی شکست خورده بودند. به عبارت دیگر پیروزی آنها جنبه ظاهری داشت و به واقع شکست خورده بودند، اما غافل از نتیجه واقعی جنگ سرگرم مباهات به پیروزی خود گشته آن را به اعراب همه نقاط اعلان کردند.

قبایل صحرانشین مجاور مدینه نیز همانند مشرکان از پیامدهای جنگ احد، ارزیابی درستی نداشتند. از این رو در مسلمانان طمع بستند و پنداشتند که ملت اسلامی ، اینک برای آنها به صورت لقمه ای چرب درآمده است .

۳ ـ یهودیان

یهودیان چنین می پنداشتند که جنگ احد مسلمانان را تضعیف کرده است و باید در فرصت مناسبِ انتقام خون برادرانشان یعنی بنی قنیقاع و نیز انتقام کَعب بن اشرف را بگیرند. به این منظور آغاز به ایجاد وحشت و مشکل آفرینی کردند.

هدفهای طرفین

۱ ـ مسلمانان

مبارزه با مداخله یهودیان و مشرکان در امر نشر اعتقادشان و دفاع از مال و جان در برابر تجاوزگران .

۲ ـ مشرکان و یهودیان

از میان بردن مسلمانان و تاراج اموالشان .

ادامه دارد ...

گپی چند دربارهٔ جنرال رازق!

راشد مبارز
شاعر، نویسنده و فعال در صفحات اجتماعی

پیشاپیش یک بار دیگر خداوند متعال را سپاس می گویم به خاطر به ثمر نشاندن خون فدایی قهرمان الشهید بإذن الله ابودجانه تقبله الله تعالی.
واین دست آورد بزرگ را برای مجاهدین امارت اسلامی و آن عده مظلومان که در چنگ این ظالم عصر گرفتار گردیده بودند تبریک و تهنیت عرض بنمایم.
«فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ »
شکی نیست که الله سبحانه وتعالی در هر کاری حکمتی نهاده ودر هر حادثه‌ای رازهای پنهانی نهفته است.
هلاکت جنرال رازق بزرگترین دشمن مجاهدین در حوزه جنوب افغانستان هم یکی از این واقعیت ها بود.
«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ»
بعد از این حادثه خیلی از کسانی که لاف دعوتگری می‌زدند و در مسند استادان و آموزگاران عقیده ولا و برا تکیه زده بودند به یک بارگی پوست عوض کردند و مهره های ولا و برا را جابجا نموده شروع کردند به تعریف و تمجید از جنرال رازق و بدگویی و تهمت بستن به مجاهدین قهرمان و این فرزندان رشید اسلام ...
برخی کسانی که از قبل با مجاهدین عقده داشتند و مثل گرگ های وحشی در کمین نشسته و مترصد فرصتی بودند شروع کردند به القای شبهه و کمرنگ کردن این افتخار بزرگ.
از بعضی حلوا خوران در صفحات اجتماعی که نپرسید که در فراق جنرال رازق چنان نوحه سرایی به پا کردند که غوغای شان گوش آسمان را کر کرد !
برخی ها شهیدش خواندند، برخی ها قهرمانش نامیدند، برخی ها ختم قرآن های فیس بوکی برایش ترتیب نمودند و ...
بزرگترین شبهه مشترک همه این کوته نظران عقده ای این است، که اگر واقعا این حمله کار امارت اسلامی هست پس چرا مجاهد فدایی "اسکات میلر" را هدف قرار نداد و به اصطلاح یک مسلمان "قوماندان رازق" را هدف قرار داد؟ این کدامین جهاد است که کافر را بگذاری و مسلمان را شهید کنی؟
در جواب این شبهه احمقانه وعوام فریبانه شان

می گویم:
کدام مسلمان ؟
مگر بعضی از شما نبود که تا دیروز می گفتید که خدمت وهمکاری عملی با صلیبیان برای براندازی نظام اسلامی کفر است.
پس چه شد که حالا جنرال رازق که عمرش را در راه خدمت به صلیب صرف کرده، مسلمان واقعی و چگونه العیاذ بالله شهید شد؟
مگر نه اینکه الله جل جلاله فرموده:
«ومن یتولهم منکم فإنه منهم »
یا در جای دیگری فرموده:
«لاتجد قوما یؤمنون بالله والیوم الآخر یوادون من حاد الله ورسوله »
مگر نه اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم فرموده:
«من کثّر سواد قوم فهو منهم»
و ...
پس کدام مسلمان؟؟؟
آیا (جنرال رازق) قوماندان خونخواری که همه عمر نحس اش را در قتل مسلمانان مظلوم صرف کرد و در تمام عمرش به یک آمریکایی یک گلوله شلیک نکرد شد مسلمان واقعی؟
آیا کسی که دستور داده بود که مجاهد را هر کجا دیدید زنده پیش من نیاورید در همانجا یک خشاب را سرش خالی کنید و او را به قتل برسانید، شد مسلمان واقعی؟
آیا کسی که قانونی راوضع نموده بود که هر ریش دار و عمامه دار مشکوکی را که دیدید به جرم تروریست درجا دستگیرش کنید، شد مسلمان واقعی ؟
آیا آن جنایت پیشه ای که هزاران مجاهد را اختطاف می نمود و سپس به بدترین شکل ممکن و به سخت ترین شکنجه ها آن ها را به شهادت می رساند، شد مسلمان واقعی ؟
آیا آن کسی که در قندهار هیچ کسی جنایاتی را که مشابه وحتی نزدیک به تعذیب های او باشد را یاد نمی داد، شد مسلمان واقعی ؟
آیا آن قوماندان خونخواری که با تمام وجود در خدمت صلیب قرار داشت و برای ارضای اربابان صلیبی اش برادران مسلمانش را به این نام و آن نام سلاخی می کرد، شد مسلمان واقعی ؟
آیا کسی که دقائقی قبل از هلاکتش جلسه مشترکی با اربابان صلیبی خود بر علیه مجاهدین

آیا (جنرال رازق) قوماندان خونخواری که همه عمر نحس اش را در قتل مسلمانان مظلوم صرف کرد و در تمام عمرش به یك آمریکایی یك گلوله شلیك نکرد شد مسلمان واقعی؟

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

قتل جنرال رازق در طول سالیان جهاد یکی از اهداف نظامی امارت اسلامی بوده و حملات متعددی که بر این جنایت کار صورت گرفته خودش بیانگر همین موضوع است.

داشت مطمئناً پلان های نوینی را برای سرکوب مجاهدین طرح نموده بودند، شد مسلمان واقعی ؟
اگر منظورتان از مسلمان همین مسلمان بوده بلی از بین بردن این مسلمان نه تنها این هدف مجاهد نفوذی بوده که آرزوی همه مجاهدین امارت اسلامی هم بوده و هست.
قتل جنرال رازق در طول سالیان جهاد یکی از اهداف نظامی امارت اسلامی بوده و حملات متعددی که بر این جنایت کار صورت گرفته خودش بیانگر همین موضوع است.
گفته می شود که این حمله تقریبا بیست و پنجمین حمله فدایی یا بیشتر بود که برای امحای این نوکر صلیب طرح ریزی شده بود. فلهذا ازبین بردن و نابود کردن این هستهٔ ظلم و ستم نه ربطی به مذاکرات قطر داشته و نه کار کسی و جناح دیگری بجز مجاهدین امارت اسلامی بوده ونه ربطی به خلیل زاد یاکافر دیگری داشته است.
اگر می‌گوئید نه پس آن همه حمله های قبلی که برای نابودی اش اجرا شده بود و متأسفانه ناکام مانده بودند چرا اجرا شد؟ آن وقت که نه حرفی از مذاکره در میان بود ونه چیز دیگری؟
بنا بر این جنایاتی که جنرال رازق در حق مجاهدین کرده بود اورا در اولویت قرار داده بود ومطمئنا اگر مجاهد نفوذی زنده می ماند و فرصت می یافت حتماً سایر درندگان صلیبی و داخلی را هم به جهنم می فرستاد که متاسفانه چنین مقدر نبود.



د پارلمان ټاکنې څرنګه په ډرامه بدلې شوې؟

خالد افغان زوی

د ترسره شویو ټاکنو نتائج لا هم ګونګ پاته دي، في الحال د ټاکنو کمیسیون او د ملي وحدت حکومت ټول زور په دې لګولی چې څرنګه ټاکنې بریالۍ او د خلکو د ګډون کچه زیاته ثابته کړي، د ټاکنو کمیسیون په داسې حال چې لا رایې نه دي شمیرل شوي، د رایې کاروونکو شمیرې اعلانوي، هغه هم په دومره وارخطایي او ګډود شکل چې د ټاکنو په لومړۍ ورځ د رایې ورکوونکو شمیر څه باندې یو میلیون، خو په دوهمه ورځ چې یوازې په اته فیصده بند پاته مراکزو کې رای ګیري وشوه،د ټاکنو کمیسیون مشر له یوه میلیون څخه څلور میلیونه ته خیز وهي او وايي: د ټول ثبت نام شویو(۸ میلیونه) کسانو له جملې نیمایي(څلور میلیونه کسانو) رایې کارولې دي. په دې لیکنه کې هغو خندونو ته اشاره کوو، چې دغه ټاکنې یې له اولسي ګډون څخه محرومې کړې.

۱ ــــ دا خبره خو د ګوډاګي حکومت او ټولې نړیوالې ادارې منې چې د افغانستان له نیمایي زیاتې سیمې د کابل ادارې له واک څخه بهر او د طالبانو تر تسلط لاندې دي. دغه سیمې اکثره کلیوالې سیمې دي چې د افغانستان تر نیمایي زیات نفوس په کې ژوند کوي په دې حساب ویلای شو چې د افغانستان شل میلیونه نفوس اصلا ټاکنو ته لاسرسی نه درلود، ځکه په هغو سیمو کې نه صندوق ایښودل شوی او نه هم د رای ګیري کوم امکان و.

۲ ــــ که د کابل ادارې تر واک لاندې ساحه کې اوسیدونکي خلک پاتې ۱۵ میلیونه تنه فرض کړو، په دې کې نیمایي یې هغه دي چې یا ماشومان دي او یا هم هغه کسان چې تذکرې نلري، ځکه د خیړنو له مخې د افغانستان اکثریت ښځې تذکرې نلري ځکه هغوی د کور کارونه کوي او تذکرې ته یې یوازې د حج او یا هم په حکومت کې د دندې اخیستلو په وخت ضرورت پیښیږي.

۳ ــــ کوم کسان چې تذکرې لري، د هغوی تر نیمایي زیات یې له ټاکنو سره دلچسپي نلري، ځکه په ټاکنو کې ګډون کومه جبري پروسه نه ده بلکې د هر چا د خپلې خوښې کار دی، دا چې په هیواد کې سیاسي او جګړه ییز کړکیچ لاهم روان دی نو عام خلک نه غواړي په سیاسي پروسو کې د ګډون له امله ځان ته جنجال پیدا کړي، له همدې امله ډیری خلکو ځکه د ثبت نام په پروسه کې ګډون نه وی کړی چې په تذکره لګیدلی سټیکر به ورته امنیتي ستونزه جوړه کړي ځکه طالبانو د ثبت نام د

پروسې د مخنیوي ټینګ مخالفت کړی و.
۴ ـــ د لوړو مقدماتو لـه مخې ویلی شو چې هغه کسان چې هم د حکومت د واک په ساحه کې اوسي، هـم تذکرې لـري او هم د ثبت نام او په تذکره د سټیکر لګولو خطر تـه ځان ورکولای شي، شمیر یې په تقریبي لحاظ شاید یو میلیون کسانو تـه ورسیږي. ځکـه همدومره شمیره د دولتي مامورینو، عسکرو، امنیتي منسوبینو، معلمینو او نورو حکومتي معاشخورو لـه مجموعې څخـه هم جوړیږي. دې شمیر کسانو د لاندې ستونزو له امله پوره رایې ونه کارولای شوې.

د اسلامي امارت مجاهدینو د ټاکنو په ورځ د انتخابي پروسې د تعطیل او سبوتاژ کولو لپاره تر ۴۰۰ زیات بریدونه ترسره کړل، په کندز او ځینو نورو ښارونو طالبانو بریښنا هم قطع کړه چې د ټاکنو پروسه یې له پراخې تخنیکي ستونزې سره مخ کړه، دې پوځي بریدونو هم فلک وویرول او ډیری خلک چې باید په ټاکنو کې یې ګډون کړی وای د سر د امن په خاطر په خپلو کورونو کې پاتې شول.

د ټاکنو په ورځ ستونزې ګډوډ لستونه

خو کاله وړاندې د ټاکنیز سیستم د اصلاح په اړه مباحثو کې د ډاکټر عبدالله رایه دا وه، چې له انتخاباتو وړاندې باید لومړی د هر مرکز رایه اچوونکي ثبت شي، نومونه یې نمبروار په لستونو کې ځای په ځای شي او په تذکره یې سټیکر ولګیږي، تر څو بیا د هماغه خپل ثبت شوي نوم او نمبر په اساس په معین مرکز کې رایه وکاروي.
کله چې د ثبت نام په پروسه کې د خلکو نومونه په ګډوډو لستونو کې ثبت شول، وروسته دا ټول لستونه د ټاکنو مرکزي کمیسیون ته انتقال شول، هلته د اجیرو کارمندانو په توسط د دغو لستونو کمپیوټري کول شروع شول، دغو د کرایي اجیرانو چې یوازې یې خپل روزانه اړوله د لستونو په ثبت کې یې هیڅ دقت ونکړ، لستونه یې ګډوډ، بې نظمه او نیمګړي ثبت کړل، چې له همدې ځایه د ټاکنو د ورځې پراخې ګډوډۍ او سردرګمۍ ته لاره هواره شوه. د لستونو لـه ګډوډ ثبت سربیره بلـه غلطي دا وشوه چې لستونه بیرته خپلو معینو مراکزو ته سم ونه لیږل شول، بلکې ډیر لستونه غلطو مراکزو ته ولیږل شول تر دې چې د کابل ځیني لستونه د خوست په ټاکنیزو مراکزو کې راووتل او د بامیانو لستونه د هرات غوریان ولسوالي ته رسیدلي وو.
د ټاکنو په ورځ تر ټولو اساسي او زمانګیره ستونزه همدا په لست کې د نومونو پیدا کول و، دا ستونزه دومره جدي وه چې د اکثره مراکزو تر اتیا فیصده ډیر مراجعین ځکه له رایه اچولو محرومیدل چې په لستونو کې یې نوم موجود نه و او یا یې نوم نه پیدا کیده، واشنګټن پوسټ ورځپاڼې لیکلي چې د کابل ښار په زړه کې په یوه مرکز کې ۵۰۰۰ کسانو نوملیکنه کړې وه، مګر د رای ګیری د ورځې تر پایه په کې یوازې ۱۰۰ تنو رایې وکارولې. په ځینو مراکزو کې تر ماسپښینه یوازې پنځلس کسان د رایې په استعمال توانیدلي وو. رسنیو راپور ورکړ چې د حکومت اجرائیه رئیس عبدالله په خپله ځکه بې له لست څخه رایه ورکړه چې په هغه مرکز کې چې ده رایه کاروله، د هغو نومونو لست ورته اصلا لیږل شوی نه و چې په (ع) توري پیلیږي. دغه راز د اشرف غني مرستیال سرور دانش هم نیم ساعت انتظار ویوست تر څو یې په لست کې نوم ومونډل شو. دلستونو ګډوډي د رای ګیری پروسه په ټپه ودروله او هغه خلک چې ډیر انتظار یې نه شوای کولای بیرته له مراکزو څخه مایوسه کورونو ته ستانه شول.

د رای ګیری د مراکزو بند پاته کیدل

د ټاکنو په ورځ بل لوی شکایت د ډیری مراکزو بند پاته کیدل او د کارمندانو نه شتون و، په دې برخه کې لویه ستونزه ځکه رامنځته شوه چې د ټاکنو کمیسیون د معارف کارکوونکي استخدام کړي وو تر څو په خپلو مکاتبو او لیسو کې د رایو مراکز فعال کړي. خو څرنګه چې طالبانو دمعارف کارکوونکو ته

ځانګړی ګواښ آمیزه پیغام نشر کړ چې لـه سیاسـي پروسـې دې لرې اوسـي نـو ډیری معلمیـن او د معـارف کارکوونکـي دټاکنـو پـه ورځ دنـدې تـه حاضـر نه شـول چې پـه نتیجه کـې یـې ډیـر مراکز بنـد پاته شـول.

امنیتي خطرات

د اسلامي امـارت مجاهدینـو د ټاکنـو پـه ورځ د انتخابـي پروسـې د تعطیـل او سـبوتاژ کولـو لپـاره تـر ۴۰۰ زیـات بریدونه ترسره کړل، په کنـدز او ځینو نورو ښـارونو طالبانو بریښـنا هم قطـع کـړه چـې د ټاکنو پروسـه یې لـه پراخې تخنیکـي سـتونزې سـره مـخ کـړه، دې پوځي بریدونو هـم خلک وویرول او ډیـری خلک چې بایـد پـه ټاکنو کې یې ګډون کړی وای د سـر د امـن په خاطر پـه خپلو کورونو کې پاتې شـول.

بایومیټریک دستګاه

لـه ټاکنو څو اونـۍ وړاندې د سیاسـي ګوندونو اتحـاد لـه انتخاباتـي کمیسـیون نـه غوښـتنه وکړه چې باید ټاکنـې د بایومیټریک سیسـتم له مخې ترسره شـي، د ټاکنو کمیسـیون ددې غوښـتنې د پوره کولـو لپـاره عجالتـا چینایـي بایومیتریـک دسـتګاوې وپیرلـې او پـه غیر منظـم شـکل یې دغـه سیسـتم په ټاکنیـزه پروسـه کـې ورشـامل کړ.
دغـې عاجلـې او نا سـنجول شـوې پریکـړې د ټاکنو په ورځ لویـې سـتونزې او خنډونـه وزیـږول، ځکـه اکثـره کارمندانـو تـه دا دسـتګاه نـوې وه او پـه کارولـو یـې نه پوهیـدل. هلتـه د ټاکنـو کمیسـیون دا خبـره ضروري بلله چـې بایـد رایـې د همـدې سیسـتم لـه مخـې اسـتعمال شـي. دې سـتونزو یو بل تـه لاس ورکـړ او د ټاکنـو پـه ورځ یـې ډیـر وخـت تلـف کړ.
د لوړو سـتونزو له اٌمله د میزان د اته ویشـتمې ټاکنې په یـوه پیچلـې او له خنډونو ډکې پروسـه باندې واوښـتې، ډیـرو کمـو خلکـو دا نصیب درلـود، چې هم یـې ټاکنیز مرکـز پـه امنیتـي لحـاظ خونـدي وي، هـم پـه خپـل وخـت خـلاص شـوی وي، هـم یـې نـوم پـه لسـت کې وموندل شـي، هـم یـې د بایومیتریـک پیچلـې پروسـه پـه خیر انجام شـي او هـم له نورو سـتونزو پـه امن وي.
پـه حقیقـت کـې دغه ټاکنـې د ګـډوډۍ او بې شـمیره

په حقیقت کې دغه ټاکنې د ګډوډۍ او بې شمیره ستونزو او خنډونو له امله دپخوا هرکله په نسبت ناکامې او بې نظمه ټاکنې وې، که لوړو ستونزو ته نظر وکړو نو د اټکل له مخې به په دې ټاکنو کې د ټولو صندوق ته لویدیو رایو شمیر سل زره ته هم ونه رسیږي. ځکه کله چې د اشرف غني مرستیال رایه اچول نیم ساعت وخت نیسي او د اجرائیه رئیس نوم په لست کې ورک وي، نو د یوه عام ګډونوال به څه حال وي.

سـتونزو او خنډونـو لـه املـه دپخـوا هرکلـه په نسـبت ناکامـې او بـې نظمـه ټاکنـې وې، کـه لـوړو سـتونزو ته نظـر وکـړو نـو د اټـکل له مخـې به پـه دې ټاکنـو کې د ټولـو صندوق ته لویدیو رایو شـمیر سـل زره تـه هم ونه رسـیږي. ځکـه کله چې د اشـرف غنـي مرسـتیال رایه اچـول نیم سـاعت وخت نیسـي او د اجرائیـه رئیس نوم پـه لسـت کـې ورک وي، نـو د یوه عـام ګډونـوال به څه حال وي.
رسـنیو د دې پـه ځـای چې د حقیقـي رایـه ورکوونکو دشـمیر په اړه معلومات ورکړي، یوازې یې رایې ورکولو تـه د منتظـرو خلکـو د کتارونـو عکسـونه نشـرول، دغه کتارونـه ځکه دومـره اوږده و چې خلکو ته پـه ډیر ځنډ سـره نمبر رسـیده او هـر رایـه ورکوونکې باید په لسـت کـې د نـوم موندلو لپـاره نیم سـاعت انتظار کـړی وای.
دغـه ټاکنـې د پخـوا هـر کلـه پـه نسـبت ناکامـه او د ټاکنیـز کمیسـیون فعالیـت او مدیریـت د شـرم وړ و، لـه ټاکنو وروسـته رسـنیو د رامنځته شـوې رسـوایي د پټولـو لپـاره یـوازې دې بې اساسـه ادعـاء تـه زور ورکړ چـې څلـور میلیونـه کسـانو رایـې کارولـې دي. هغـه ادعـاء چـې لـوړو سـتونزو او خنډونـو تـه پـه پـام سره محالـه او ناممکنـه بریښـي.

عبدالله ابن أنيس الجهني
Abd Allah ibn ounays al jouhani

در نقش قدم

ابو عمر بلوچی

عبدالله بن انیس - رضی الله عنه -

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (الاحزاب ۲۳)

در طول تاریخ همیشه بزرگ مردانی بوده اند که در راه اهداف والای خود از هیچ کوششی دریغ نورزیده اند و چه بسا جان گران بهای خود را فدای آرمان خود کرده اند و جان را به جان آفرین تسلیم کردند

روزی به رحمة للعالمین محمد مصطفیﷺ خبر مردی رسید که به خالد الهذلی مشهور بود و برای به شهادت رسانیدن آن حضرتﷺ مردم را دعوت می کرد.

پیامبر عظیم الشأن اسلام یکی از یاران جان نثار خود را به محضر خود فرا خواند و به ایشان فرمود: خالد الهذلی من را آزار داده، خالد الهذلی من را آزار داده.

آن سرباز جان برکف اسلام گفت: روحم به فدایت مرا به آنچه که می خواهید فرمان دهید.

پیامبر اسلامﷺ فرمان قتل خالد الهذلی را صادر کردند و فرمودند که به مکه برو و سر خالد الهذلی را برایم بیاورد.

حضرت عبدالله بن انیس رضی الله عنه بدون هیچ گونه تردد و دلهره ای فرمان پیامبر محبوبش را بر روی دیده نهاد و فقط برای روشن شدن فرمود که من هرگز این مرد را ندیده ام و نمی شناسمش؟ نبی کریمﷺ فرمودند: نشانه آن مرد اینست که زمانی او را ببینی ترسی تو را خواهد گرفت.

عرب به خالد الهذلی می گفتند : مرد هزار مرد (بخاطر قوت و تنومندی اش)

اما اهل ایمان، بغیر از خداوند جبار از هیچ کسی نمی هراسند. عبدالله بن انیس آن سرباز مخلص و با تقوا، حرکت کرد تا به مکه رسید، خالد الهذلی در منا، چادری برپا کرده بود و مردم را برای نقشه شوم خود، جمع کرده بود.

عبدالله بن انیس همانند همکار و همفکر خالد الهذلی نزد او رفت، خالد هم از او اسقبال کرد و او را نشاند و بعد از چند روز او را به خود نزدیک کرد.

عبدالله بن انیس داخل چادر خالد الهذلی رفت و شمشیرش را آماده کرد و سر خالد را از تنش جدا کرد .

عبدالله بن انیس رضی الله عنه بعد از این که کارش را به اتمام رسانید به مدینه منوره بازگشت، و سر آن سگ را نیز بهمراه آورد، قبل از رسیدنش به مدینه وحی از او سبقت گرفته بود و آنحضرت را خبر کرده بود.

وقتی که رسول اللهﷺ این سرباز رشید اسلام را ملاقات کرد خطاب به ایشان فرمود : همیشه چهره ات شاد باد، این عصا را بگیر و نزد خودت نگه دار، در روز قیامت با این تو را می شناسم، کم هستند افرادی که اینگونه باشند.

زمانی که عبدالله بن انیس وفات کرد، فرمان دادند که عصا را داخل کفن او قرار دهند تا دلیلی باشد براینکه نصرت الله و پیامبرش را کرده.

در این عصر دشمنان اسلام از راه دیگری وارد شده ند و صدها اشخاص مزدور و وابسته به خود را در جوامع اسلامی به وسیله زر و زور وارد کرده و به تمام قوت از آنها حمایت همه جانبه می کنند و چشمان خود را در مقابل تمام وحشی گری ها و ظلم های ضد بشری آنها بسته اند .

کشور عزیز ما هم بعد از اشغال شدن توسط شوروی سابق و در این سال های اخیر که تحت اشغال آمریکا و ناتوی صلیبی قرار گرفته مملو از مزدوران وابسته به بلوک های غرب و شرق شده است و این اجیران بخاطر راضی کردن اربابان خارجی شان از هیچ ظلم و ستمی برای ملت مظلوم کم نگذاشته اند. اما دنیای کفر بداند که مسلمانان خواب نیستند و رهروان عبدالله بن انیس ها آماده هستند تا خاک پاک افغان زمین را از لوث این کفتار صفتان و مفسدان پاک کنند .

سربازان دلیر امارت اسلامی هم هزاران سرباز را به منظور نابود کردن سردمداران کفر و فتنه، تربیت کرده و هر لحظه منتظر هستند تا این سرزمین را از وجود این کفار و منافقین پاک گردانند و انتقام خون هزاران شهید بی گناه را از خونخواران بگیرند. دیروز قومندان محی الدین، امروز جنرال عبدالجبار قهرمان و جنرال عبدالرازق (و فردا یک جنایتکار دیگر) دست این جلادان آغشته به خون هزاران نفر از فرزندان بی گناه این مرزوبوم است که ان شاءالله توسط عبدالله بن انیس های زمان به هلاکت رسیده و خواهند رسید و با مرگ این شیادان دل های هزاران نفر غرق در شادی و سرور گردیده و خواهد گشت. لله الحمد والمنه

مرتب: حبیبی سمنگانی

بخش ۱۰

زندگان جاوید

افتخار داریم که در بخش دهم سلسلهء زندگان جاوید، سوانح و جزئیات زندگی چند تن از شهدای گلگون کفن و بی کفن ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان را خدمت خوانندگان گرامی تقدیم می کنیم. ولسوالی تاله و برفک در شمال کشور و به ویژه در ولایت بغلان از اولین مناطقی است که فرزندان دلیر آن، بر علیه لشکرهای متجاوز صلیبی در افغانستان به مبارزه و مقاومت مسلحانه پرداختند. این ولسوالی استراتژیک تا کنون سه بار به گونهء کامل از سوی مجاهدین امارت اسلامی فتح شده است و از پایگاه های قوی جهادی در منطقه به شمار می رود. هم اکنون نیز بیشتر ساحات ولسوالی تاله و برفک در سلطهء مجاهدین امارت اسلامی قرار دارد. تا هنوز ۴۲ تن از فرزندان راستین و فداکار این سرزمین جان های شیرین شان را در دورهٔ جهاد کنونی برای استقلال کشور و حاکمیت سراسری نظام اسلامی قربان کرده اند.

سپاس ویژه از محترم مولوی عبدالحکیم حکمت و قاری محمد موسی (مسئول جهادی ولسوالی تاله و برفک) که در راستای تهیهء سوانح شهدا، صمیمانه همکاری نمودند.

شهید غازی قاری عزم الدین تقبله الله :

شهید غازی قاری عزم الدین (تقبله الله) پسر سلطان علی نواسهء سید محمد در روستای پاجمان ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان در سال ۱۳۶۲ خورشیدی چشم به جهان گشود. درس های ابتدای را در روستای خود آغاز کرد و سپس کتاب های ابتدایی علوم دینی را در زمان حاکمیت امارت اسلامی در دارالعلوم عربیهء کابل خواند. شهید قاری عزم الدین قرآن عظیم الشان را در منطقهء لیه (ایالت پنجاب، پاکستان) حفظ کرد، پس ازان مدت چند سال در منطقهء سوات (ایالت خیبر پختونخوا) به فراگیری علوم متداول دینی پرداخت.

وی از حضور نیروهای صلیبی در افغانستان به شدت رنج روحی می برد، همان بود که در سال ۲۰۰۷م به مناطق مرزی کشور سفر کرد و مدت ۴۰ روز در مرکز تربیوی مجاهدین، تکتیک و تخنیک های جدید جهادی را آموخت. سپس در ولسوالی خود تاله و برفک با مجاهدین امارت اسلامی یکجا شد، وی در سال ۲۰۰۸م به ولایت غزنی رفت و دران جا مدت چهار ماه به جهاد و مقاومت در برابر دشمن اشغالگر و مزدور ادامه داد. وی پس از یک وقفهء کوتاه در سال ۲۰۰۹م دوباره به غزنی رفت و این بار بر علاوه از اشتراک در چندین عملیات های جهادی، درس های نظامی را نیز دران جا فرا گرفت.

وی در جریان یکی از عملیات ها به شدت زخمی شد و مدت یک ماه در شفاخانه بستر شد. در سال ۲۰۱۰م، دوباره با تعدادی از رفقا به ولسوالی تاله و برفک تشکیل شد و بر علاوه از تاله و برفک، در ولسوالی های سیغان، کهمرد و شیبر ولایت بامیان نیز خدمات جهادی انجام داد. بالاخره روزشنبه ۲۶ سرطان ۱۳۸۹ خورشیدی مصادف با ۱۷ جولایی ۲۰۱۰م، در منطقهء پلخمری ولسوالی دندغوری ولایت بغلان در جریان درگیری شدید با قوای نیروهای مزدور جام شهادت را نوش جان نمود. قابل ذکر است که وی در اخرین معرکهء خود راکت را بر شانه داشت و پیش از شهادت یک تانگ دشمن آماج قرار داده از بین برده بود، اما پیش ازینکه تانگ دوم را از بین ببرد، هدف فیر دهشکهء دشمن قرار گرفت و در قسمت ران پای جراحت برداشت، اما در اثر ضیاع خون به سن ۲۷ سالگی جام شهادت را نوش جان نمود.

شهید صوفی محمد اقبال تقبله الله :

شهید صوفی محمد اقبال (تقبله الله) فرزند حاجی سید قلم نواسهء شیر علی در روستای زیر باغ برفک ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان به دنیا آمد. شهید صوفی محمد اقبال بر ضد نیروهای متجاوز شوروی نیز جنگیده بود و از مجاهدین پیشتاز و نامدار آن دورهٔ جهاد و مقاومت بود، در سلاح های خفیف و ثقیل یکسان مهارت داشت و مسلکی بود، وی در زمان جهاد شوروی یک طیارهٔ جیت روسی را توسط موشک راهدار از بین برده بود.
هرگاه مجاهدین امارت اسلامی فعالیت های جهادی را در برابر امریکایی های اشغالگر و مزدوران آنان در ولسوالی تاله و برفک آغاز کردند، شهید صوفی محمد اقبال از اولین کسانی بود که در عملیات های جهادی این ولسوالی عملا سهم گرفت. نیز در عملیات بر نیروهای «نیو زیلاند» که از اولین عملیات های مجاهدین بر نیروهای خارجی در شمال کشور بود نقش داشت. این عملیات در منطقهء چهار راهی سنگپر ولسوالی شیبر ولایت بامیان صورت گرفت، سپس در یک عملیات کامیاب دیگر در روستای شوربلاق ولسوالی کهمرد ولایت بامیان نیز سهیم بود، درین عملیات یک تانگ خارجی ها کاملا از بین رفته بود و ۸ تن عساکر خارجی کشته شدند.
شهید صوفی محمد اقبال بالاخره روز پنجشنبه ۵ جوزا ۱۳۹۰ خورشیدی مصادف با ۲۶ اپریل ۲۰۱۱م، در روستای زرغهء ولسوالی دوشی ولایت بغلان بر اثر بمباران وحشیانهء طیارات امریکایی جام شهادت را نوشید.

شهید مفتی رفیع الله تقبله الله :

شهید مفتی رفیع الله پسر محمد ابراهیم نماینده در روستای پشت قرهٔ ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان دیده به جهان گشود، وی درس های ابتدایی را تا درجهء رابعه نزد مخدوم صاحب عبدالقادر در منطقهء خود خواند، سپس به کشور همسایه پاکستان سفر کرد و متباقی علوم متداول دینی را در کراچی فرا گرفت. سند فراغت را از دارالعلوم احسن العلوم (کراچی) به دست آورد و کورس افتاء را نیز در کراچی خواند. شهید مفتی صاحب پس از تکمیل روند آموزشی، به مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و مزدوران آنان پرداخت. آن پیکر علم و حیا و شخصیت نیک سرشت، سنگرهای داغ جهاد را زینت بخشید و حاکمیت نظام اسلامی را هدف حیات مستعار خود قرار داد.
شهید مفتی رفیع الله بالاخره روز پنجشنبه ۹ جوزا ۱۳۹۲ خورشیدی مصادف با ۳۰ می ۲۰۱۳م، در طی یک کمین دشمن در سردرهٔ فرنجل (غوربند، ولایت پروان) با سیزده تن از رفقای خود به شهادت رسید.

شهید مفتی حیات الله تقبله الله :

شهید مفتی حیات الله (تقبله الله) فرزند محمد عوض که رفیق دائمی و همیشگی شهید مفتی رفیع الله – تقبلهما الله – بود، نه تنها در درس های ابتدایی باهم شریک بودند بلکه دورهٔ حدیث را نیز در یک مدرسه خواندند و یکجا دستار سفید فضیلت را به سر نمودند. سپس یکجا درس افتاء را تکمیل نمودند و دوشادوش همدیگر در سنگرهای جهاد و مقاومت رزمیدند و بالاخره یکجا و همزمان به شهادت رسیدند و راهی سفر آخرت شدند.
شاعری چه زیبا سروده است :

ز رهروان که رفاقت ز خلق ببریدند
رفیق جوی که نتوان به راه تنها رفت

مجاهد استشهادی شهید قاری امرالدین تقبله الله :

شهید استشهادی قاری امرالدین (تقبله الله) فرزند عبدالمجید در روستای پشتهء شهیدان ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان به دنیا آمد. درس های ابتدایی را در مکتب و مدرسهء روستای خود خواند. سپس به پاکستان رفت و روند آموزشی اش را مدت چند سال دران جا به پیش برد.
شهید قاری امرالدین تقبله الله روز جمعه ۳ جوزا ۱۳۹۲ خورشیدی مصادف با ۲۴ اپریل ۲۰۱۳م، در نتیجهء حملهء استشهادی بر مرکز استادان و مربیان استخبارات امریکایی در منطقهء شهر نو ، حوزهٔ چهارم شهر کابل به مقام شهادت نائل گردید.

تقبلهم الله جمیعا

گرداننده: محمد عمار رستاقی

صفحه ویژه شیر بچه های هندوکش

بخش اول

ارکان اسلام

احمد: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
عبد الله: وعلیکم السلام ورحمة الله، احمد جان خوب هستی؟
احمد: بلی الحمد لله، خوب هستم عبد الله جان.
عبد الله: کجا بودی؟
احمد: مکتب بودم و همین حالا آمدم.
عبد الله: بسیار خوب، امروز در مکتب چی را آموختی؟
احمد: امروز بسیار یک موضوع مهم را در مکتب خواندیم. استاد ما امروز ما را ارکان اسلام را درس داد و گفت که ارکان اسلام پنج است: اول کلمه، دوم نماز، سوم روزه، چهارم زکات و پنجم حج.
عبد الله: بسیار خوب، کاش که من هم مکتب می رفتم و این چیزهای خوب را یاد می گرفتم.
احمد: عبد الله جان می فهمی استاد ما گفت که فهمیدن ارکان اسلام بسیار مهم است و هر مسلمان باید آنرا بداند.
عبد الله: خیر احمد جان وقتی که اینقدر ضروری است بیا کمی همرایم بنشین و برایم تکرار کن تا من هم یاد بگیرم و مسلمان خوب شوم.
احمد: درست است، بیا که بنشینیم و تکرار کنیم.

گنجشکک ابو عُمیر

ابو عُمیر یک طفل سه ساله، هوشیار و با ادب بود. او در مدینهء منور زندگی می کرد. ابو عمیر یک پرنده گگ زیبا داشت. نام پرندهء او نُغیر بود. ابو عمیر پرندهء خودرا خیلی دوست داشت و هر روز برای آن آب و نان می داد و با آن بازی می کرد. یک روز وقتی ابو عمیر از خواب برخاست، رفت بسوی نغیر تا آن را آب و نان بدهد مگر دید که مریض است. ابو عمیر خیلی جگرخون شد و نغیر را در بغل خود گرفت. در همین هنگام رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و دید که ابو عمیر پرنده را در بغل گرفته و خیلی غمگین نشسته است. رسول الله صلی الله علیه وسلم از او پرسید که ای ابو عمیر، نغیر چطور هست؟ ابو عمیر از اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم احوال نغیر را پرسید خیلی خرسند شد. چند روز بعد وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم دوباره ابو عمیر را دید و اورا دربارهء نغیر پرسید، ابو عمیر خودرا به بغل رسول الله صلی الله علیه وسلم انداخت و گریه کنان گفت که نغیر مرد.

برس دندان

اطفال عزیز من برس دندان تان هستم. شما میدانید که رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمانان را به نظافت و پاکی امر کرده است. پاک کردن دندان ها نیز از جمله نظافت و پاکی است. در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم برس دندان نبود و آنها دندان های خودرا با مسواک پاک می کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند که اگر بر امت من سختی نمی بود من آنان را امر می کردم تا دندان های خودرا در هر نماز مسواک بزنند.
من می خواهم دندان های شما را پاک و نظیف بسازم. در سر من خارهای نرم وجود دارد که به آن میشود داخل دندان های تان پاک شود. اکثر اطفال مرا خیلی دوست دارند و هر شب استفاده می کنند و پس پاک کرده و در جایم می گذارند. مگر بعضی از اطفال مرا خوش ندارند. آیا می دانید که با این اطفال چی می شود؟ دندان های شان خراب می شود. پدر جان آن ها را نزد داکتر می برد و داکتر در دهن شان پیچکاری می کند و دندان های زیبای شان را می کشد. بعد از آن، این طفلک های زیبا بد شکل می شوند و اطفال دیگر بر آن ها می خندند.
پس با من دوست باش ... مرا هر روز استفاده کن ... تا دندان هایت پاک، نظیف و صحت مند باشد.

افغانستان

نام وطن ما افغانستان است. افغانستان یک کشور اسلامی است و اکثریت مردم آن مسلمان هستند. مردم ما اسلام را دوست دارند و می خواهند تا حکومت افغانستان نیز اسلامی باشد. مردم ما غیرتمند و شجاع هستند و غلامی بیگانه ها را قبول نمی کنند. اگر کسی بخواهد کشور ما را اشغال کند مردم ما در مقابل آن جهاد می کنند تا آنرا از کشور و خانه خود خارج کنند.



قهرمانان ملی یا خائنان ملی؟

محمد داود مهاجر

آنچه عیان است، چه حاجت به بیان است.
امروزه تمام مدال های افتخاری در سطح کشور و همچنان در سطح بین المللی بر مبنای سیاست می چرخد؛ نه حقیقتِ آنچه که مدال باید به آن تعلق بگیرد.
به طور مثال به رئیس جمهور میانمار «آنگ سان سوچی» بخاطر «مبارزهٔ غیر خشونت آمیز برای دموکراسی و حقوق بشر» مدال بین المللی صلح نوبل داده شد که قاتل هزاران مسلمانان روهنگیایی است و هزاران مظالم وحشتناکی را در حق مردم بی دفاع میانمار از سوختنِ زنده، زنده در آتش گرفته، تا قتل عام کودکان و کهنسالان و غیره، بکار برده است، که بر هیچ کسی این خبر مخفی نیست، یا مثلا : دادن مدال صلح نوبل به «باراک اوباما» رئیس جمهور پیشین آمریکا بخاطر «تلاش فوق‌العاده در تقویت دیپلماسی بین‌المللی و ترغیب به همکاری میان مردمان» که در دوران حکومتش صدها هزار مسلمان را در افغانستان و عراق به خاک و خون کشید.
از این که بگذریم و نزدیکتر بیائیم، جنرال قهرمان یکی از کمونیست های سابقه دار بود، که صدها نفر از مردم عام ما را زمانی که در راس وظیفه های حکومتی در دوران کمونیست ها بود کشت؛ و مظالم زیادی را در قندهار و هلمند مرتکب شد؛ که بر اساس همین وحشتهای بی‌باکانه از طرف اربابان خود به لقب قهرمان مسمی شد !!!
جنرال رازق نیز یکی از وحشی ترین چهره های مشهور در کشتار خاص و عام ملت مظلوم خود بود. بخصوص در قندهار، صدها نفر را با انواع شکنجه ها و کشتارهای بی پرسانِ خود به قتل رساند؛ بسیاری را زنده به پشت ماشین ها کشان کشان شکنجه میکرد؛ زندانهای مخفی داشت که از انواع شکنجه های روحی و روانی در آن استفاده می گرفت، کسانی اقرار می کنند که بزور از ما اقرار می گرفت که بگوئیم طالب هستیم و گر نه ما را شکنجه های دور از حیا که گفتنش مناسب نیست می داد!!!
آیا قتل کردن مردم بی دفاع قهرمانیست ؟
آیا زیر چتر آمریکائیان بر خانه های مردم و ملت خود چاپه زدن قهرمانیست؟

آیا شکنجه کردن محبوس و بندیِ مظلوم قهرمانیست؟
آیا خارجی ها را به خانه های مسلمانان در نیمه شب بردن قهرمانیست؟
آیا بی باکانه ریختن خون مردمان بی دفاع، قهرمانیست؟
اگر قهرمانی در اینها باشد پس باید حجاج بن یوسف را به عنوان یک قهرمان یاد کرد !!!
پس باید قاتل حضرت حسین رضی الله عنه، یزید را به قهرمانی یاد کرد !!!!
پس باید بسیاری از خائنین ملت ها را لقب قهرمان داد !!!
واژه ها را چپه می خوانند، مدال ها را برعکس می دهند، افتخارات را به خائنین می بخشند و قهرمانان واقعی را تروریست می نامند. چون سیاست شان این تقاضا را می کند، چون بنای حکومت شان بر همین چشم بندی ها است.

جنرال قهرمان یکی از کمونیست های سابقه دار بود، که صدها نفر از مردم عام ما را زمانی که در راس وظیفه های حکومتی در دوران کمونیست ها بود کشت؛ و مظالم زیادی را در قندهار و هلمند مرتکب شد.

||||||||||||||||||||||||||||||

واژه ها را چپه می خوانند، مدال ها را برعکس می دهند، افتخارات را به خائنین می بخشند و قهرمانان واقعی را تروریست می نامند. چون سیاست شان این تقاضا را می کند، چون بنای حکومت شان بر همین چشم بندی ها است.

از اعمال قهرمانهء جنرال رازق چیست ؟ آیا مزدور بودن آمریکا قهرمانیست ؟ آیا در و دروازهٔ خانه‌های مردم ملکی را شکستن قهرمانیست؟
قهرمانی نه اینست که رازق ها کردند، بلکه این خیانت ملی است و خیانت اسلامی.
نام دیورند فقط یک بهانه ای است که با آن می خواهند قهرمانی را برایش بتراشند و اینچنین اش جلوه دهند.
بزرگترین خیانت شان همین بس است که ضد اشغالگران قیام نکردند؛ حالا چه برسد که در صف اشغالگران بایستادند و جان خود را در صف اشغالگران از دست بدهند و دیکته‌های آنان را برای اهداف مهم شان بنویسند !!!
خائنان ملی آنانی اند که با اشغالگرانِ شهر و کشور خود هم دست می شوند، زود است که تاریخ به قضاوت بنشیند و شما می توانید از تاریخ بپرسید که همکاران در صف اشغالگران قهرمانند یا خائنان !!! بله، معلوم است که خیانت به خانهء خود، بسیار شرم آورتر است از خیانت به همسایه خود.
اینها به گفته قرآن کریم کسانی اند که دشمنان الله را بعنوان دوست گرفته اند و لذا از جملهء آنان گشته و با آنان حشر خواهند شد ... و من یتولهم منکم فانه منهم .
آگاه و خبردار!
کسانی که با اهل باطل دوستی دارند چه در حیات و چه بعد از مرگ شان، باید این نوع طرفداری و محبت را قطع کنند و گرنه مورد ابتلای الهی واقع شده اند و نباید این موضوع را آسان به پندارند؛ زیرا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید که: " الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ " هر شخصی با همان جماعتی حشر میشود که با او دوستی دارد.
لذا آنهائی که از مظالم این جانیان خبر ندارند خبر دار شوند و اگر توجه ندارند متوجه شوند که خود را در عذاب الهی دچار نکنند با دوستی و محبت کسانی که دشمن خدایند و دشمن رسول خدا و دشمن مسلمانان اند.
خداوند متعال قربانی نوجوانِ حافظ قرآن را به درگاهش قبول کند که مسلمانان را از شرارت چنین جنایتکارانی نجات بخشید.

نشست مسکو؛ موقف منطقی و برد سیاسی طالبان

نوشته: مخدوم حبیبی صاحب

سال گذشته، هرگاه ترامپ استراتژی وحشیانهء خود را که همراه با افزایش نیروهای امریکایی در افغانستان بود اعلان کرد، از سوی اشرف غنی و ادارهٔ او استقبال گرم شد. اشرف غنی در سخنرانی خود در نشست عمومی سازمان ملل گفت : «ما از این استراتژی، که اکنون ما را در مسیر اطمینان بخشی قرار می دهد استقبال می کنیم. مردم افغانستان سال هاست در جستجوی چنین عزمی به آمریکا چشم دوخته اند». غنی امیدوار بود که ترامپ با افزایش نیروها، بمباران ها، عملیات های شب هنگام و تقویهء ادارهٔ مزدور می تواند مقاومت آزادی خواهانهء افغان ها را سرکوب بکند. در حالی که زورگویی در برابر افغان ها همواره عواقب ناگواری داشته است. ترامپ همه نیرو و توانایی خود را به کار انداخت، بمباران ها و عملیات های شبانه به شکل بی سابقه افزایش یافت، واشنگتن پوست در یک راپور خود خبر داد که نیروهای امریکایی از اگست (یعنی آغاز استراتژی جنگی ترامپ) تا دسمبر ۲۰۱۷م دو هزار حملهء هوایی در افغانستان انجام داده است، سلسلهء افزایش بمباران ها در سال ۲۰۱۸م نیز ادامه یافت، حتی یوناما در راپور اخیر خود اعتراف کرد که تلفات ملکی در اثر حملات هوایی در ۶ ماه اول امسال ۵۲ در صد افزایش یافته است. اما چنانکه پیش بینی می شد این استراتژی هم بالاخره ناکام شد، ترامپ پس از یکسال این واقعیت تلخ را درک کرد که از راه نظامی پیروز نمی شود، بناءً به گفتگوهای مستقیم با طالبان انعطاف نشان داد. امریکایی ها (به ویژه ترامپ) بالاخره به این وادار شدند که بدون ادارهٔ دست نشانده کابل، با طالبان به گونهء مستقیم حرف بزنند. زیرا ادارهٔ کابل با همه همکاری ها و پشتیبانی های امریکا و جهان غرب نتوانست اهمیت و افادیت نقش خود را ثابت بکند و حتی نتوانست برنامه ها و توطئه های را که امریکا به سرپرستی مالی و مادی خود در اختیار رژیم گذاشته بود (مثلا : تحصن ها، نشست های نمایشی، فشارهای مذهبی و.......) مؤثر ثابت بکند. ناکامی ها و رسوایی های رژیم در عرصه های سیاسی و نظامی از نگاه هیچکسی مخفی نمانده است. امریکا از ابتدا می دانست که ادارهٔ کابل توان مندی گفتگو برای حل معضل افغانستان را ندارد. اما برای ضیاع وقت و فریب دادن جامعهء جهانی، موضوع مذاکره را (ظاهراً) به ادارهٔ بی اختیار کابل سپرده بود. اما پس از شکست فاش در عرصهء نظامی به واقعیت پذیری رو آورد و وارد گفتگوی مستقیم با امارت اسلامی شد. چند روز پیش، وزارت امور خارجهء ادارهٔ کابل از عدم اشتراک در نشست مسکو خبر داد، ادارهٔ کابل ادعا دارد که چون این نشست به رهبری ادارهٔ کابل صورت نمی گیرد، لهذا از اشتراک در آن خودداری می کند. در حالی که این واقعیت را همه می دانند که برای اشتراک درین نشست از امریکا اجازه نیافته است.

امریکا در سالهای گذشته با مصارف ملیون ها دالر، ده ها نشست های بین المللی به اصطلاح به رهبری ادارهٔ دست نشانده کابل در شهرهای بزرگ جهان برگزار نموده است، سوال اینست که آن نشست ها چه نتیجه ای مثبت داشته است ؟ یگانه چیزی که ازان نشست ها به یاد مردم مانده است مطالبهء پول و تقاضای همکاری های مالی بوده و بس. پول و همکاری های که به اندازهٔ ملیاردها دالر سرازیر شد و لیکن سودی آن نه به مردم رسید و نه به کشور. پول و همکاری های که بر ضد افغان ها و برای ترویج فساد صرف شد و یا هم به کیسه های غداران و خائنان رفت. آیا آن نشست ها دست آورد دیگری داشته است ؟ هرگز نه. اگر رهبری این یک نشست مسکو به ادارهٔ فاسد کابل سپرده نشد، چه تاوان و زیانی داشت ؟

بالمقابل، امارت اسلامی نه برای حل عارضی و چند روزی (یعنی مطالبات مادی و مالی)، بلکه برای حل اساسی و دائمی معضلهء کشور، با جهانیان به ویژه با کشورهای مهم منطقه وارد گفتگو شده است، امارت اسلامی از طریق چنین نشست ها به جامعهء جهانی روشن می سازد که حل جنجال افغانستان در اعزام عساکر اضافی، تداوم اشغال و تشدید بمباران ها و عملیات های شبانه نیست. افغان ها زمانی به امنیت و آرامش واقعی می رسند که قدرت های بزرگ جهانی به ویژه امریکای اشغالگر از اهداف شوم خود در افغانستان دست بردار شوند و از خاک افغانستان به حیث پایگاه نظامی خود در برابر افغان ها و کشورهای منطقه بهره برداری نکنند. بلی، صدها ملیارد دالری که ظاهراً به نام افغان ها به افغانستان آمد و در حقیقت به اهداف شوم و استعمارگرانه خرج شد و یا به کیسه های مقامات فاسد رژیم رفت، مشکل افغان ها را حل نمی کند. واقعیت اینست که بر آنچه طالبان پافشاری دارند، بهترین گزینه برای حل مشکل افغان ها است.

امریکا و ادارهٔ کابل که به نشست های نمایشی و فرمایشی عادت کرده اند، هیچگاه جرات ندارند موقف طالبان از زبان طالبان به جهانیان برسد. آن ها همواره کوشیده اند طالبان را دور از منطق و فراست سیاسی معرفی بکنند. اما لله الحمد، فعالیت های دفتر سیاسی امارت اسلامی در قطر در قدم اول و اشتراک طالبان در چنین نشست های بی طرف و آزاد در قدم دوم ثابت ساخته است که امریکایی ها و ادارهٔ کابل نه تنها در عرصهء نظامی، بلکه در عرصهء سیاست، منطق و دیالوگ نیز توان مقابله با طالبان را ندارند. از همینست که به بهانه های غیر معقول و توجیه ناپذیر با نشست مسکو مقاطعه کردند. امریکا باید این حقیقت را درک بکند چنانکه امروز امادهٔ گفتگوهای مستقیم شده است، روزی برای نجات از منجلاب افغانستان به چنین نشست ها هم رو خواهد آورد.



جنایات جنگی

(اگست و سبتمبر 2018 میلادی)

ترتیب: حافظ سعید

اشاره: از آنجائیکه بارها دشمنان جنایتکار امریکایی و عساکر داخلی در افغانستان مرتکب جنایت و سلسله آدم کشی می شوند و ملت عزیز ما متاسفانه بخاطر سانسور حقایق در رسانه ها از جنایت های هولناکی که بر سر هموطنان شان می آید چندان مطلع و آگاهی لازم را به دست نمی آورند؛ اداره مجله حقیقت بر آن شد که مثل شماره های اولیه خود، بطور خلاصه و فشرده از هر دو ماه برجسته ترین جنایت های دشمن را غرض معلومات خوانندگان عزیز خود ارایه نماید، تا دلیل مبارزه حق طلبانه مجاهدان و رادمردان راه عزت و آزادی با خواندن جنایت های دشمن بر همه هویدا و آشکار شود.

ماه اگست ۲۰۱۸:

بتاریخ ۳ اگست عساکر اشغالگر و داخلی در هنگام چاپه بر قریهٔ اودی ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار ۴ فرد ملکی را شهید و زخمی کردند.

بتاریخ ۸ اگست عساکر اشغالگر و کماندوی های داخلی بر ادهٔ محمد نبی جان و شهرک تازه مربوط ترینکوت مرکز ولایت اروزگان چاپه زدند، در جریان چاپه ۲۵ باب دوکان (کتب خانه، پی سی او، پرزه جات، خوراکه فروشی و دوکانهای تیل فروشی بود) را چور کرده و آتش زدند، که ۳۲ هزار لیتر و ۳۰ عراده موتر را حریق کردند، همچنین ۲۵۰ مسافر را شب هنگام چور کردند که در میان این افراد یکتن بنام مولاداد بود که همراه خود ۷۵ لک روپیه داشت و با این پول از بازار محل گوسفند می خرید و به شهر قندهار برده می فروخت.

بتاریخ ۱۳ اگست در حملهٔ درون اشغالگران بر منطقهٔ ماشین قلعه ولسوالی سیداباد ولایت میدان وردک ۳ تن از اعضای یک خانواده بنام های رحمت الله، شنبه گل و مصطفی به شهادت رسیده و ۲ فرد داوود یک باشندهٔ قریه بنام های عتیق الله و سمیع الله زخمی شدند.

بتاریخ ۱۳ اگست اشغالگران و عساکر داخلی بر قریهٔ کنداب ولسوالی خوشی ولایت لوگر چاپه زدند که در جریان چاپه موترهای ملکی را آتش زدند و ۸ تن از باشندگان قریه را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۱۴ اگست اشغالگران و عساکر داخلی مشترکاً در جریان چاپه ساحات کال قلعه، شیوان و سجویی مربوط ولسوالی بالابلوک ولایت فراه را بمبار کردند که زیان های مالی سنگینی به مردم ملکی و باشندگان وارد آمده است، و ۱۶ تن از هموطنان ملکی نیز شهید و تعداد زیادی زخمی شدند.

بتاریخ ۱۵ اگست اشغالگران خانه های ملکی را در منطقهٔ دوآبی ولسوالی چهلگزی ولایت فاریاب بمبار کردند که در نتیجه بشمول زنان و کودکان ۱۰ تن شهید و زخمی شدند.

بتاریخ ۱۵ اگست عساکر اشغالگر و داخلی بر قریه حاتم خیل در منطقهٔ بادام قول ارغندی بالا در ولسوالی پغمان ولایت کابل چاپه زدند، در جریان چاپه دروازه های خانه ها را با بمب منفجر کرده و بزور وارد خانه ها شده و مردم و لت و کوب کردند، آنها ۵ تن از باشندگان ملکی قریه را شهید و ۸ تن دیگر را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۱۷ اگست اشغالگران و عساکر داخلی بر قریهٔ پتاخیل ولسوالی سیداباد ولایت میدان وردک چاپه زدند و در جریان چاپه یک مسجد و دو باب خانه را تخریب و ۱۵ تن از باشندگان قریه را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ ۱۹ اگست عساکر داخلی مهتمم یک مدرسهٔ دینی و دریور او را در مربوطات ولسوالی قرمقول ولایت فاریاب به شهادت رساندند.

بتاریخ ۲۰ اگست در نتیجۀ بمباران طیارات اشغالگران بر ساحۀ قشلاق تپه ولسوالی جمعه بازار ولایت فاریاب ۸ تن از هموطنان ملکی شهید و ۳ تن دیگر زخمی شدند.
بتاریخ ۲۴ اگست در بمباری طیارات اشغالگران یک مسجد در قریه اصغر خیل ولسوالی مقر ولایت غزنی تخریب گردید.
بتاریخ ۲۸ اگست اشغالگران و عساکر داخلی در جریان چاپه بر منطقه لوری شاوبی مربوط ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار ۱۰ فرد ملکی را شهید و ۴ تن دیگر را زخمی کردند.

از ماه سبتمبر ۲۰۱۸:

بتاریخ اول ماه ماه سبتمبر سال روان ۲۰۱۸ میلادی اشغالگران و عساکر داخلی در منطقه کوزبهار ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار چاپه زدند که در جریان تلاشی ۱۱ تن از هموطنان ملکی را شهید کردند.
بتاریخ ۳ سبتمبر شب هنگام اشغالگران و عساکر داخلی بر خانه های باشندگان ملکی در منطقۀ گاری ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار چاپه زدند و در هنگام تلاشی خانه ها بشمول زنان و کودکان ۹ تن را به شهادت رسانده و ۳ تن دیگر را زخمی کردند.
بتاریخ ۴ سبتمبر اشغالگران بر قریه های ورسک و علم خیل در منطقه تنگی دره ولسوالی سیداباد ولایت میدان وردگ چاپه زدند و در جریان چاپه، دروازه های خانه ها را با بمب منفجر کردند. در هنگام تلاشی اجناس قیمتی، پول نقد را دزدیده و موترهای مردم را حریق کردند. اشغالگران همچنین پل مواصلاتی بین ورسک و پل علم را با با مصرف دها هزار دالر جور شده بود، را تخریب منفجر کردند و در آخر ۴ تن از باشندگان ملکی منطقه را دستگیر و با خود بردند.
بتاریخ ۵ سبتمبر عساکر داخلی در ساحۀ گروچ ولسوالی بادپش ولایت لغمان عملیات کردند که بر اساس گفته های باشندگان محل در این عملیات عساکر ۱۱ تن از باشندگان ملکی منطقه را به شکل دسته جمعی به شهادت رساندند.
بتاریخ ۱۶ سبتمبر اربکی ها بر خانه های باشندگان ملکی در منطقه سید خیل ولسوالی ورممی ولایت پکتیکا هاوان فیر کردند که در نتیجه بشمول زنان و کودکان ۸ تن از اعضای یک خانواده شهید شدند.
بتاریخ ۱۷ سبتمبر اشغالگران و عساکر داخلی بر منطقۀ ودیسار ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار چاپه زدند که در نتیجه ۱۶ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رساندند.
بتاریخ ۱۷ سبتمبر اشغالگر و عساکر داخلی در منطقه چتو ولسولای دهراود ولایت ارزگان در جریان چاپه اسباب و لوازم خانه و مواد خوراکی را در خانه های مردم آتش زده و یک فرد ملکی را شهید کردند.
بتاریخ ۱۸ سبتمبر عساکر داخلی بر ساحۀ ابردی در منطقه پای ناو مربوط ترینکوت مرکز ولایت ارزگان هاوان فیر کردند که بر ساحات مسکونی اصابت کرده و منجر به شهادت ۶ دختر و زخمی شدن ۲ کودک خردسال گردید.
بتاریخ ۲۰ سبتمبر در نتیجۀ بمباران طیارات اشغالگران بر قریۀ نورزی در ولسوالی سمکنی ولایت پکتیا ۴ فرد ملکی شهید و ۱۴ کودک زخمی شدند.
بتاریخ ۲۰ سبتمبر اشغالگران و عساکر داخلی مشترکاً بر منطقه سرخ آب ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار چاپه زدند، ۱۹ تن از افراد ملکی را شهید کردند.
بتاریخ ۲۳ سبتمبر قوای حکومتی در جریان عملیات در مناطق ولسوالی خاکسفید ولایت فراه ۵ فرد ملکی را شهید و تعداد زیادی را زخمی کردند.
بتاریخ ۲۳ سبتمبر در مناطق سره بغل و کانتینر بازار ولسوالی میوند ولایت قندهار عساکر اشغالگر و نیروهای اسپیشل فورس عملیاتی را انجام دادند. براساس گفته های باشندگان ملکی و مردم محل در این عملیات عساکر ۱۰ تن از افراد ملکی را به شهادت رسانده و اجساد ۲ تن را آتش زدند. علاوتاً ۲۱ تن از باشندگان قریه را دستگیر کردند. در این عملیات به مردم ملکی زیان های زیادی وارد گردیده است.
بتاریخ ۲۷ سبتمبر طیارات اشغالگران یک موتر ملکی را در منطقۀ سقه کوتل بین ولسوالی المار و قیصار بمباران کرد که در نتیجه تمام مردم ملکی سوار در موتر به شهادت رسیدند.
بتاریخ ۲۸ سبتمبر عساکر اشغالگر و نیروهای اسپیشل فورس داخلی بر خانه های ملکی در منطقه برنوزاد ولسوالی نوزاد ولایت هلمند چاپه زدند که پس از چاپه ۲ حویلی و یک مسجد را بمباران کردند که منجر به شهادت ۱۰ تن از باشندگان ملکی منطقه گردید.
بتاریخ ۳۰ سبتمبر عساکر محلی در مربوطات بازار ولسوالی دلارام ولایت نیمروز ۲ زن را در فیر مستقیم به شهادت رساندند.

منابع:
رادیوی بی بی سی، آزادی، آژانس اسلامی افغان، پژواک، ویب سایت های خبریال، لر و بر، نن تکی آسیا و بینوا.



اعلامیه ها و پیام های رسمی امارت اسلامی افغانستان

اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در رابطه به حمله مجاهدین به ولسوالی جاغوری غزنی

حملات کوبنده مجاهدین امارت اسلامی شب گذشته در مربوطات ولسوالی جاغوری ولایت غزنی علیه مراکز نظامی دشمن و حملات علیه اداره کابل و غلامان امریکا می باشد.

این حملات خدای نخواسته نه علیه کدام قوم است ونه هم علیه کدام قشر یا مذهب، هموطنان ما در ولسوالی جاغوری به خصوص هموطنان قوم هزاره و اهل تشیع ما متوجه دسیسه چند تن مفسدین و حلقه بگوشان امریکا که در کابل نشسته اند، باشند که خدای نخواسته حملات مجاهدین را علیه مردم تلقی نه کنند.

مجاهدین امارت اسلامی مثلیکه در تمام کشور علیه مزدوران و حلقه به گوشان امریکایی حملات را انجام میدهند و آنها را به کیفر اعمال خیانت به دین و کشور شان می رسانند، همچنان در ولسوالی جاغوری و سائر مناطق باقی مانده تحت تسلط اداره کابل نیز همچو حملات را ادامه خواهد دادند.

مجاهدین امارت اسلامی با اهالی و مردم عام منطقه که از اداره کابل حمایت نه می کنند، به زندگی عادی خود ادامه میدهند و در صف نظامی فعال نیستند به آنها کاری ندارند، سر، مال و عزت آنها مثل سر، مال و عزت مجاهدین است و هیچ کس علیه آنها کدام تعرض نخواهد کرد.

ولی مردم شریف ولسوالی جاغوری و تمام مناطق باقی مانده تحت تسلط اداره کابل متوجه این حرف باشند که چند تن از غلامان امریکایی که در ۱۸سال گذشته کشور را در گرو امریکایها داده اند، بر کرسی ها نشسته و دالر امریکایی را حیف ومیل می کنند، آنها می خواهند که درمودر مجاهدین و حملات آنها به آهالی منطقه و مردم عام ذهنیت نادرست بدهند و آنها را علیه مجاهدین تحریک کنند.

مردم باید این دسیسه مفسدین را خنثی نموده و هیچ هراس از مجاهد نداشته باشند، زمانیکه عملیات به مناطق آنها می رسد مردم در خانه های خود داخل بمانند، زمانی که وضعیت نور مال شد، مجاهدین به آنها اعلام خواهد کردند که به زندگی خود ادامه دهند. ولی اگر کسانی اسلحه بدست در حالت مقابله با مجاهدین دیده شدند آنها دشمن محسوب می شوند و با آنها رفتار نظامی خواهد شد.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی
۱٤٤۰/۲/۲۹هـ ق
۱۳۹۷/۸/۱٦هـ ش ــ
۲۰۱۸/۱۱/۷م

اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در مورد نشست مسکو

به تاریخ ۹ نومبر سال جاری میلادی، یک کنفرانس در مورد افغانستان در مسکو، پایتخت روسیه برگزار می گردد.

یک هیئت پنج نفری امارت اسلامی (الحاج محمد عباس ستانیکزی، مولوی عبدالسلام حنفی، شیخ الحدیث مولوی شهاب الدین دلاور، مولوی ضیاء

الرحمن مدنی و الحاج محمد سهیل شاهین) نیز در این کنفرانس شرکت می کنند. درین مورد، نکات چندی قابل یادآوری است :

۱ : نمایندگان امارت اسلامی در این کنفرانس موقف امارت اسلامی را در مورد پایان اشغال افغانستان به اشتراک کنندگان روشن و واضح می سازند.

۲ : این نشست با هیچ جهتی هیچگونه مذاکرات نیست، بلکه راه و روش مسالمت آمیز برای حل قضیهء افغانستان تلاش می کند.

۳ : در این نشست، با هیئت ادارهٔ کابل هیچگونه مذاکرات صورت نمی گیرد.

٤ : رهبری این کنفرانس به دست ادارهٔ کابل نمی باشد.

٥ : با اشتراک در این نشست، حیثیت جهانی امارت اسلامی دیگر هم قوی می گردد.

٦ : این گونه تلاشهای دیپلوماتیک امارت اسلامی بیانگر اینست که امارت اسلامی در عرصهء سیاسی نیز نیروی است که سیاست و پالیسی فعال، روشن و مستقل دارد.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی
۱٤٤۰/۲/۳۰هـ ق
۱۳۹۷/۸/۱۷هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۱/۸م

اعلامیهء امارت اسلامی در مورد شهادت مولانا سمیع الحق صاحب

با تاسف فراوان خبر شدیم که مهتمم دارالعلوم حقانیه و عالم برجستهء کشور پاکستان مولانا سمیع الحق صاحب از سوی افراد نا معلوم به شهادت رسید، انا لله و انا الیه راجعون.

امارت اسلامی شهادت مولانا سمیع الحق صاحب را برای تمام امت مسلمه و به ویژه ملت مسلمان پاکستان ضایعهء بزرگ و جبران ناپذیر می داند.

درین مورد به خانوادهٔ گرامی مولانا صاحب، حزب جمعیت علمای اسلام پاکستان، تمام حلقات دینی و امت مسلمه از اعماق قلب مراتب تسلیت عرض می دارد، از خداوند متعال برای شهید مولانا صاحب جنت الفردوس، برای اقارب، متعلقین، قشر دینی، مردم پاکستان و امت مسلمه صبر جمیل و اجز جزیل مسئلت دارد.

شهید مولانا سمیع الحق صاحب تمام زندگی اش را در بخش های تعلیمی و سیاسی به خدمت دین وقف کرده بود و درین راستا به شهادت رسید.

خدمات و رفاقت وی با مردم مظلوم افغانستان در برابر تهاجم اتحاد شوروی و اشغال امریکایی فراموش ناشدنی است، همواره حق می گفت و نعرهٔ مظلومیت مردم افغانستان را استقبال می کرد.

امارت اسلامی به نمایندگی از ملت مسلمان خود در مورد شهادت شهید مولانا سمیع الحق صاحب ابراز غمشریکی می کند و از بارگاه خداوند متعال برای قاتلان جزا و رسوایی بزرگ مسئلت دارد.

حملهء قاتلانه بر مولانا سمیع الحق صاحب بدون شک کار دشمنان اسلام بود، آن ها نمی خواستند که یک شخصیت قوی و مصمم همچون مولانا سمیع الحق (رحمه الله) درس بیداری به امت مسلمه بدهد، بناءً بسیار بزدلانه به شهادت رسانیدند. اللهم اغفره و ارحمه و تجاوز عنه.

امارت اسلامی افغانستان
۲۴/۲/۱۴۴۰هـ ق
۱۱/۸/۱۳۹۷هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۱/۲م

پیام عالیقدر امیرالمؤمنین به مردم در مورد نماز استسقاء

برادران محترم !

ما و شما الحمدلله بر دین مبارک اسلام باور و عقیده داریم و پیروان این راه مقدس هستیم، این دین خداوندی برای حل و آسانی هر مشکل و ابتلای انسان ها، هدایات و احکام خاصی دارد که باید مسلمان ها انجام بدهند.

قحطی یا خشک سالی یک ابتلای الهی است که بر انسان ها نازل می گردد. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در سال ششم هجرت، مدینهء منوره نیز با خشک سالی مواجه شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان ها را به نماز استسقاء امر کرد، رسول الله صلی الله علیه و سلم و مسلمان ها عجز خود را به بارگاه خداوندی پیش کردند. نماز استسقاء خواندند و توبه و استغفار کردند و خداوند متعال باران رحمت را فرود آورد.

اکنون که کشور ما افغانستان و دیگر مناطق نزدیکی، با آزمون خشکسالی دچار است، مردم برای کشت های خود آب ندارند، فصل ها و باغ های شان در حال خشک شدن است، انسان ها، حیوانات و مخلوقات مختلف پروردگار در اثر کمبود آب و بارندگی با مشکلات زیادی مواجه هستند.

چنانکه استسقاء یک عمل مسنون است و دعاء، تضرع و استغفار در حضور پروردگار سبب نزول رحمت است، بناءً به تمام هموطنان گرامی توصیه می کنم که برای استسقاء بیرون شوید و این عمل مسنون را به هدف طلب باران ادا بکنید. خداوند متعال در قرآن

کریم در چند جا این حقیقت را بیان کرده است که استغفار و طلب آمرزش از پروردگار سبب بارندگی می گردد، مثلا :
«وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (سورهٔ هود ۵۲)
ترجمه : و ای قوم من! آمرزش طلبید از پروردگار، سپس (با توبه) رجوع کنید بسوی او، تا بفرستد از آسمان بر شما بارانی پیوسته و بیفزاید شما را قوتی همراه قوت شما و روگردان مشوید همچون گناهگاران.
«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰) يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (۱۱) وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (۱۲سورهٔ نوح)
ترجمه : پس گفتم آمرزش گناهان طلب بکنید از پروردگار خود، به تحقیق اوست بسیار آمرزنده ، تا بفرستد ابر را بر شما بارندهٔ پی در پی، و زیادت کند برای شما اموال و فرزند و بدهد شما را بوستان ها و پدید آرد برای شما جوی ها.
بناءً باید برادرهای مسلمان در پهلوی لحاظ همه شرایط استسقاء، باید از خداوند متعال بسیار مغفرت بخواهند و بسیار به تضرع دعا بکنند، تا خداوند متعال این ابتلا را از ما دور بکند و باران رحمت را فرود بیاورد. خداوند متعال توبه و دعاهای مسلمانان را به دربار خود قبول بکند. آمین یا رب العالمین.

زعیم امارت اسلامی امیرالمؤمنین شیخ الحدیث
مولوی هبة الله آخندزاده
۲۱/۲/۱۴۴۰هـ ق
۸/۸/۱۳۹۷ هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۰/۳۰م

اعلامیه امارت اسلامی در مورد رهایی محترم الحاج ملا عبدالغنی برادر

با شادمانی باید بگوییم که معاون پیشین امارت اسلامی محترم الحاج ملا عبدالغنی برادر که از نه (۹) سال به این سو در کشور پاکستان زندانی بود، از زندان رها شده است.
امارت اسلامی در مورد این دست آورد بزرگ به تمام ملت، مجاهدین و مخلصین خود مبارک باد می گوید و برای الحاج ملا برادر آخند عمر طولانی و توفیق بیشتر برای خدمت دین مسئلت دارد.
واقعاً بزرگان امارت اسلامی در جریان مبارزه و جهاد، با آزمون ها و تکالیف بزرگی مواجه شده اند، اما اینکه ثابت قدم مانده اند، صبر کرده اند و هر تکلیف را برای رضای پروردگار و استقلال کشور عزیز خود متقبل شده اند، باعث افتخار است. از خداوند تعالی برای بزرگان، مجاهدین و هموطنان خود مسئلت داریم که از هر گونه مصیبت ها نجات یابند، خداوند متعال استقلال کشور و حاکمیت نظام اسلامی را نصیب ما بکند.
برای خوشحالی تمام مسلمان ها باید یادآور شویم که محترم ملا برادر آخند از صحت کامل برخوردار است و دیگر اینکه برای رهایی وی هیچگونه معامله و وساطت صورت نگرفته است، تنها دعاهای ملت مظلوم و نصرت و رحمت خداوند متعال ذریعهء نجات وی شده است.

امارت اسلامی افغانستان
۱۴۴۰/۲/۱۶هـ ق
۱۳۹۷/۸/۳هـ ش ــ۲۰۱۸/۱۰۲۵م

اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در مورد تحریم بزرگان امارت اسلامی

راپورها به نشر رسیده است که وزارت خزانهء امریکا و شماری از کشورهای عربی بر بعضی از بزرگان امارت اسلامی به اصطلاح تحریم های اقتصادی وضع کرده اند.
هیچ یکی از بزرگان یاد شدهٔ امارت اسلامی با امریکا معاملهء اقتصادی ندارند، بناءً این تحریم ها نمایشی و بی تاثیر است.
ثانیا، با چنین کار امریکا یا نمی خواهد که مسئلهء افغانستان از راه گفتگو، تفاهم و تعقل حل شود، بلکه هنوز هم از گزینهء زور و فشار که هیچ نتیجه ای در هفده سال گذشته نداشته است کار می گیرد، و یا اینکه اختلافات عمیق در داخل دولت امریکا وجود دارد و بعضی حلقات نمی خواهند که مسئلهء افغانستان بسوی حل برود.
امارت اسلامی این گونه اقدام امریکا را به شدت تقبیح می کند و سرپیچی علنی از آزادی و حقوق مشروع و مسلّم انسان ها در جهان می داند.
نیز بر دولت امریکا یکبار دیگر صدا می کند که از تلاش های بی جا و تبلیغاتی منصرف شود، واقعیت ها را درک بکند، با مسائل عاقلانه برخورد بکند و از گام های منفی خودداری بکند.
همچنان آن کشورهای عربی که با امریکا درین اقدام شریک هستند، برای آن ها نمی زیبد که به اشارهٔ

امریکا بر کشورهای اسلامی و شخصیت های مسلمان تحریم وضع بکنند.
افغانستان یک کشور آزاد و مستقل است، مردم آن نیز آزاد و مستقل اند و برای بدست آوردن استقلال و آزادی شان مبارزۀ مشروع می کنند و امریکایی ها را به این مجبور می سازند که حقائق را بپذیرند و به اعمال ظالمانهء شان نقطهء پایان بگذارند.
یگانه راه حل تفاهم، تعقل و پذیرفتن حقائق است. اگر امریکایی ها به راه های دیگری فکر می کنند، مسئولیت عواقب بد آن به دوش خود می باشد.
قاری محمد یوسف
سخنگوی امارت اسلامی
۱۴۴۰/۲/۱۵هـ ق
۱۳۹۷/۸/۲هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۰/۲۴م

اعلامیه کمیسیون نظامی امارت اسلامی در مورد انتخابات نام نهاد پارلمانی

تمام هموطنان گرامی آگاه هستند که کشور اسلامی ما افغانستان از هفده سال به این سو زیر اشغال امریکا قرار دارد. کافران محارب همه اختیارات این کشور را در دست گرفته اند، حتی عملیات های خودسرانهء نظامی انجام می دهند، پایگاه های نظامی می سازند، حریم فضایی افغانستان را کنترول می کنند و اختیار عزل و نصب مقامات بلندرتبهء رژیم مزدور را نیز دارند.
هدف از پروسه ای که به نام انتخابات پارلمانی زیر چتر اشغال صورت می گیرد اینست که نیروهای اشغالگر می خواهند اجیران پروردۀ خود را به منصب تقنینی ادارۀ اجیر برسانند، تا باز هم سند تمدید اشغال خود را به دست بیاورند و هم برای تعمیل دیگر اراده های شیطانی شان ازان ها استفاده بکنند.
چنانکه انتخابات گذشته بالاخره برای منافع امریکا به کار برده شد و فیصلهء نهایی آن از سوی وزیر خارجهء امریکا جان کیری در سفارت امریکا صورت گرفت، باور در مورد این انتخابات نام نهاد نیز اینست که از اول تا اخیر یک پروسهء امریکایی است، زیرا افغان ها بالعموم بر این پروسه باوری ندارند و نه هم به اشتراک دران علاقمندی دارند. اما اشغالگران صدها ملیون پول را صرف کرده اند، از چند ماه به این سو برای آن تبلیغات می کنند و برای اجرای آن از هیچگونه تلاشهای نظامی، تبلیغاتی و سیاسی دریغ نمی کنند.
چنانکه خنثی کردن و از بین بردن هر گونه دسیسه های کافران اشغالگر وجیبهء دینی و ایمانی هر مسلمان است، کمیسیون نظامی امارت اسلامی بر تمام هموطنان گرامی صدا می کند که از سهم گیری در پروسهء امریکایی بنام انتخابات جداً اجتناب نمایند.
مجاهدین امارت اسلامی اراده دارند که همه راه های مواصلاتی خورد و بزرگ را در روز انتخابات مسدود کنند، بناء هموطنان گرامی درین روز در خانه های شان باشند و هیچگونه وسایط را به سرک ها و جاده ها بیرون نکشند، ما نمی خواهیم که به مردم ملکی زیانی برسد، بناء از هموطنان گرامی و به ویژه باشندگان شهرها می خواهیم که از اشتراک در انتخابات و دادن رای خود داری کنند.
هیچ کسی خانه ها، مهمانخانه ها، مکاتب، مدارس، مساجد، کلینک ها و کارمندان خود را به اختیار منتظمین این پروسهء شوم نگذارند، تیم های استخباراتی امارت اسلامی این همه جریان را به دقت مراقبت می کند و عاملین آن را تعقیب می نمایند. شما می دانید پروسه ای بنام انتخابات دسیسهء فریبندۀ اشغالگران است که می خواهند توسط آن اشغال نظامی خود و رژیم مزدور را مشروعیت بخشند. اشتراک درین پروسه همکاری با اشغالگران متجاوز و کمک در تطبیق دسیسه های آن ها است و این کار هم از لحاظ دینی عمل ناروا است و هم با ارزش های ملی ما متصادم می باشد. بناءً هوطنان گرامی باید با هوش و محتاط باشند و خود را ازین پروسه دور نگهدارند.

کمیسیون امور نظامی امارت اسلامی افغانستان
۱۰/۲/۱۴۴۰هـ ق
۲۷/۷/۱۳۹۷هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۰/۱۹م



گرداننده: ابو عابد

غنچه های پرپر

بار دیگر غنچه های باغ من پرپر شده ! جامه های طفلکم با خون ِ پاکش تر شده !
بار دیگر حمله کردند وحشیان دد منش کودک ِ افغان من ازدست شان بی سر شده !
بار دیگر بر فلک شد آه و سوز مادرم با تأسف جمله خلق از هر دو گوشش کر شده !
بار دیگر مهر خاموشی به لب زد شیخ وقت دین وایمان این زمان چون تکه اخگر شده !
بار دیگر، خانه ام ویران شده از دست کفر دفتر و کیف و قلم، با خاک، خاکستر شده !
بار دیگر ریش بابایم شده گلگون به خون جامه و عمامه اش چون لاله ی احمر شده !
بار ِ دیگر لشکر ِ نمرود آتش بر فروخت فوج ِ ابراهیم یکسر غرق ِ این آذر شده !
بار دیگر بمب افگند، جت جنگی ی صلیب بار دیگر مسجد ما بی در و پیکر شده !
بمب می ریزند یکسر بر عموم ِ مسلمین طفل پاک اندر نگاهش طالب سنگر شده !
بار دیگر نان من گردید با خونم عجین عیش من ازدستشان از زهر هم بدترشده !
«راشدا» هرگز نگشته دشمنت بی حد قوی ضعف ایمانت بسی بهرش نمایان گر شده !

راشد مبارز



غزل

زه چې لېونی شم، بیابان شي راته ته   روغ چې شم، تنۍ مې د ګرېوان شې راته ته
زه چې یا خمار شم یا له تندې شم رنځور   جام راوړې، ساقي مې شې، لقمان شې راته ته
ټکندې غرمې چې شي راځولې راپسې راشې، په شېبو شېبو باران شې راته ته
شپه شي او توپان کړي رانه بله ډېوه مړه   جار دې شم، د ستورو ډک اسمان شې راته ته
ما سره په رخه، په کینه چې شي یاران   پیر مې شې، پاچا مې شې، جانان شې راته ته
کله چې وطن شي راته ځول کفار کفار   مینه مې شې، لمونځ مې شې، اذان شې راته ته
راچې شي لېمو ته دوه د اوښکو لاروي   وخاندې، د سرو ګلو کاروان شې راته ته

پیر محمد کاروان

ای وطن

ای وطن سنگر گزین کوهسارانت شوم
کشتهٔ راه خدا، در دشت و دامانت شوم
خاک پاکت سرمهٔ چشمم شود چون توتیا
دامن پر افتخارم جان بقربانت شوم
من شدم پروردهٔ آغوش پر مهرت وطن
عندلیب باغ و بستان و بهارانت شوم
زآب و خاک و هم هوای دلکشت گردم نمو
فخر دارم، زمرهٔ آن راه مردانت شوم
قامت زیبای تو خم شد ز دست ملحدین
خار چشم خاین و خصم غدارانت شوم
در راه آزادیت کوشم ز جان و دل مدام
تو دژ اسلامی من، کاش دربانت شوم
گشت احمر کابل و هم لاله گون شهر هرات
من فدای رهروان و پاکبازانت شوم
بهر حفظت می خزم بر هر محاذ و سنگری
پاسبان لوگر و هلمند و پروانت شوم
در فراقت روز و شب از غصه می سوزم چو شمع
مرزدار بلخ و بغلان و بدخشانت شوم
مردم باغیرتت کرده قیام در راه حق
همنوای ملت و قوم مسلمانت شوم
از جهاد بر حق ما در جهان باطل شکست
تو امیر لشکری من مرد میدانت شوم
زادگاهم ده یحیی کشورم افغانستان
همرکاب مخلصان و پاسدارانت شوم

مولوی جهید

غم مخور!

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن
وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور
گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن
چتر گل در سر کشی ای مرغ خوشخوان غم مخور
دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت (نگشت)
دائما یکسان نباشد حال دوران غم مخور
هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سر غیب
باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور
ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند
چون تو را نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور
در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور
گر چه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید
هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور
حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب
جمله می‌داند خدای حال گردان غم مخور
حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار
تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

حافظ علیه الرحمه

سیر موفقانه پنج سال مجله حقیقت تبریک!

پنج سال قبل از امروز مجله حقیقت به سعی و تلاش دست آندر کاران اداره مجله حقیقت و سائر مسئولین فرهنگی امارت اسلامی قدم به عرصه چاپ و فعالیت گذاشت.
در جریان پنج سال گذشته، مجله حقیقت نه تنها مثل یك رسانه؛ بلکه به حیث یك محرك بارز و حقیقی در راستای جهاد و مبارزه علیه اشغال کشور هموطنان ما را به لسان دری از جریانات و تحولات آگاهی دهی نمود.
مجله وزین حقیقت در ضمن محتوای بسیار عالی و پر معنا، در راستای دیزاین، چاپ و معیاری بودن فیزیکی نیز خوب درخشید.
مدیر مسئول نویسنده ها، دیزاینر و همکاران چاپ این مجله همه دست باهم دادند تا این پیام رسان رسا از پالیسی، دست آوردهای سیاسی، نظامی و سائر بخش های امارت اسلامی به زمان خود اذهان را تنویر کرده و مسئولیت فرهنگی و اجتماعی خود را در صف جهادی به وجه احسن آن ایفا نمایند.
جزاهم الله خیرا
ما تکمیل شدن موفقانه پنجمین سال این مجله را به تمام دست اندرکاران مجله، خوانندە های گرامی و هموطنان مبارز که از مزایایی این مجله مستفید شده اند، تبریك می گوئیم و در آینده نیز برای این مجله موفقیت ها و پیشرفت های مزید را خواهانیم.
والسلام

(ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی افغانستان)

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine





نمایی از بند برق آبی سلما (مشهور به بند سلما) در هرات
که ۲۰ کیلومتر طول و ۷/۳ کیلومتر عرض دارد که ظرفیت ذخیره
بیش از ۵۰۰ میلیون متر مکعب آب را دارا است.